



نظام آموزشی جمهوری اسلامی ایران

۶	چشم انداز اقتصادی - اجتماعی
۹	سیاست‌های آموزشی
۱۵	ساختار نظام آموزشی
۱۶	نهادهای مرکزی آموزش رسمی
۱۷	تاریخچه آموزش پیش دبستانی
۲۲	آموزش پیش دبستانی
۲۳	برنامه های آموزشی
۲۳	برنامه ریزی و مدیریت آموزشی
۲۵	اهداف مقطع آموزش پیش دبستانی
۲۶	استراتژی‌های آموزشی
۲۷	آموزش ابتدایی
۲۷	اهداف مقطع آموزش ابتدایی
۲۷	برنامه های آموزشی
۲۸	اهداف کیفی آموزش ابتدایی



۲۸	اهداف کمی آموزش ابتدایی
۲۹	سیاستها، استراتژی‌ها و اولویت‌های مقطع آموزش ابتدایی
۳۱	مشکلات اصلی آموزش ابتدایی
۳۴	نرخ ثبت نام ناخالص
۳۴	دلایل افزایش نرخ ثبت نام ناخالص (GER)
۳۵	دلایل کاهش نرخ ثبت نام ناخالص (GER)
۳۷	نرخ ثبت نام خالص ((NER)
۳۸	مقطع آموزش راهنمایی
۳۸	اهداف مقطع آموزش راهنمایی
۳۸	برنامه های آموزشی
۳۸	مقطع تکمیلی متوسطه
۳۹	اهداف مقطع تکمیلی متوسطه
۳۹	مقطع آموزش پیش دانشگاهی
۳۹	برنامه های آموزشی
۴۰	نظام آموزش عالی
۴۱	ارکان نظام آموزش عالی
۴۳	دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی
۴۴	جریان‌ات متنوع در آموزش عالی
۴۵	مراکز دولتی
۴۷	آموزش از راه دور
۴۹	گزینش دانشجو
۵۰	گزینش دانشجو در مراکز غیردولتی
۵۱	دوره های آموزشی
۵۲	برنامه ریزی آموزشی
۵۳	هیأت علمی مراکز آموزش عالی
۵۸	پژوهش و فناوری
۶۰	منزلت و رسالت فرهنگی و اجتماعی
۶۲	روابط علمی، منطقه ای و بین المللی
۶۳	مدیریت اجرایی، امور معیشتی و رفاهی



۶۳	سیاستها و اقدامات
۶۵	ارزیابی داخلی مراکز آموزش عالی
۶۵	تحولات برنامه ریزی آموزشی مراکز آموزش عالی
۶۶	کمیسیون جامع برنامه ریزی آموزش عالی
۶۶	اهداف کمیسیون
۶۷	وظایف کمیسیون
۶۸	فعالیت های کمیسیون
۶۸	فعالیت های کلان برنامه ریزی
۶۹	فعالیت های اجرایی
۶۹	کمیسیون معین برنامه ریزی
۷۰	آموزش غیر رسمی
۷۱	برنامه ریزی و مدیریت آموزشی
۷۲	سازمان نهضت سوادآموزی (LMO)
۷۲	مقاطع تحصیلی
۷۲	مقطع ابتدائی
۷۳	مقطع تکمیلی
۷۳	مقطع نهائی
۷۴	پایه پنجم تحصیلی
۷۴	دوره های تکمیلی سوادآموزی
۷۵	طرحهای سوادآموزی پایه
۸۴	مشکلات عمده سازمان نهضت سوادآموزی (LMO)
۸۵	سیاستهای اخیر سازمان نهضت سوادآموزی
۸۶	راه کارها و طرحهای آتی سازمان
۸۷	آموزش بزرگسالان
۸۸	اهداف و استراتژی ها
۸۸	استراتژی ها
۸۹	اهداف کیفی
۸۹	سیاستها ، استراتژی ها و اولویتهای
۹۰	برنامه های عملی



۹۲	آموزش استثنائی
۹۳	دانش آموزان استثنائی
۹۴	معلمین آموزش استثنائی
۹۶	آموزش معلمان
۹۶	دوره های آموزش ضمن خدمت
۹۷	طرح های آموزشی
۹۹	طرح آموزش و پرورش دختران
۱۰۲	طرح آموزش زنان
۱۰۳	طرح آموزش و پرورش پناهندگان
۱۰۳	طرح آموزش والدین
۱۰۴	طرح آموزش خانواده
۱۰۵	تأمین بودجه برنامه های آموزش خانواده
۱۰۵	طرح های عملی آموزشی
۱۰۵	برنامه های عملی
۱۰۶	اهداف و استراتژی
۱۰۷	مدارس قبل و پس از انقلاب
۱۰۸	آموزش رایگان
۱۰۹	مدارس نمونه دولتی
۱۱۰	مدارس عادی دولتی
۱۱۱	مدارس نیمه دولتی
۱۱۱	مدارس نمونه مردمی
۱۱۳	مدارس شاهد
۱۱۴	مدارس استعدادهای درخشان
۱۱۴	مدارس غیر انتفاعی
۱۱۸	مدارس مستقل
۱۱۸	مدارس خصوصی
۱۱۹	نرخ سواد آموزی از گذشته تا حال
۱۲۳	نرخ باسوادی افراد رده سنی ۶ سال
۱۲۴	نرخ باسوادی افراد رده های سنی ۱۵ سال و بالاتر



۱۲۸	تاریخچه تغییرات آموزشی و پرورشی
۱۳۰	دلایل تغییر نظام پیشین آموزشی
۱۳۴	نظام جدید آموزشی ایران
۱۳۶	آزمون‌های دو نوبته
۱۳۶	ویژگی آزمون‌های دو نوبته
۱۳۷	معایب آزمون‌های دو نوبته
۱۴۰	اصول و اهداف کلی آموزشی
۱۴۱	اولویتها و علایق آموزشی
۱۴۲	قوانین آموزشی و پرورشی
۱۴۲	همکاریهای آموزشی
۱۴۴	شوراهای آموزشی
۱۴۵	سازمانهای غیر دولتی (NGO)
۱۴۵	سازمانهای غیردولتی فعال در امور آموزشی
۱۴۷	ارزیابی آموزشی
۱۵۰	مدیریت و برنامه ریزی آموزشی
۱۵۲	نهادهای مرکزی مدیریتی
۱۵۳	چالش ها و الزامات مدیریتی نظام آموزشی
۱۵۶	عملکرد وزارت آموزش و پرورش
۱۶۰	اصلاحات آموزشی
۱۶۱	افزایش فضاهای آموزشی
۱۶۲	تحقیقات آموزشی
۱۶۲	سیاستهای جاری پژوهشی- آموزشی
۱۶۴	بودجه و هزینه های جاری آموزشی
	نمودار



چشم انداز اقتصادی - اجتماعی

جمهوری اسلامی ایران با مساحت ۱۹۵ / ۶۴۸ / ۱ کیلومتر مربع در نیمکره شمال شرقی و در جنوب آسیا و منطقه خاورمیانه واقع شده است. این کشور از شمال با ترکمنستان، آذربایجان، ارمنستان و دریای خزر، از جنوب با خلیج فارس، دریای عمان، از غرب با عراق و ترکیه و از شرق با پاکستان و افغانستان همسایه است. کشور ایران به ۲۸ استان تقسیم گردیده و این در حالیست که تعداد کل استانها در سال ۱۹۹۰ بر ۲۴ استان بالغ می گردید. طی سال ۱۹۹۳ استان اردبیل، طی سال ۱۹۹۵ استان قم، طی سال ۱۹۹۶ استان قزوین و طی سال ۱۹۹۷ استان گلستان به ترتیب از استانهای آذربایجان شرقی تهران، زنجان و مازندران تفکیک شده و مستقل گردیدند.

طبق سرشماری ۱۹۹۶، جمعیت ایران بر ۶۰ میلیون بالغ می گردد که از این میزان ۲۴ / ۵۰ درصد جمعیت متعلق به زنان و ۷۶ / ۴۹ درصد متعلق به مردان می باشد. گفتنی است که ۳۱ / ۶۱ جمعیت در محیط های شهری و ۶۹ / ۳۸ در محیطهای روستایی ساکن می باشند. نرخ رشد جمعیت طی دو دهه گذشته تا حد زیادی متفاوت بوده است. طی دهه ۱۹۷۶ تا ۱۹۸۶ این نرخ بر ۲ / ۳ درصد بالغ گردید. این در حالیست که با رشد جمعیت نرخ مذکور به عنوان مانعی جهت پیشرفتهای اجتماعی و توسعه پایدار مورد توجه قرار گرفته و تلاشهایی در جهت کاهش آن اعمال گردید. به نحوی که بنا بر دادههای موجود نرخ فوق به ۵ / ۱ درصد در مناطق شهری و ۲ درصد در مناطق روستایی کاهش یافت و از این روی متوسط نرخ رشد جمعیت طی سال ۱۹۹۸ بر ۴۷ / ۱ درصد بالغ گردید. بیش از نیمی از جمعیت کشور بین ردههای سنی ۶۴- ۱۵ و ۵ / ۳۹ درصد کل جمعیت زیر رده سنی ۱۴ قرار دارند. از این روی کشور ایران از لحاظ ترکیب سنی در زمره جوانترین کشورهای جهان قرار دارد.

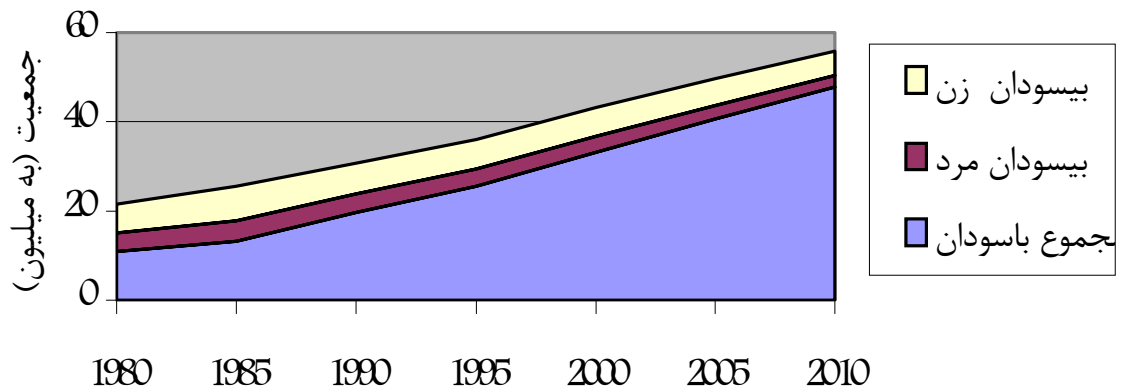


نرخ جمعیت و گروه‌های سنی مختلف (طی سالهای ۹۶ - ۱۹۸۶)

سال	جمعیت بر مبنای میلیون	متوسط نرخ رشد سالانه	رده های سنی ۰ - ۱۴ سال	رده های سنی ۱۵ - ۶۴ سال	رده های سنی ۶۵ سال و بالاتر
۱۹۸۶	۴۹ / ۴	۳ / ۹۱	۴۵ / ۴	۱۵ / ۵	۳ / ۱
۱۹۹۱	۵۵ / ۸	۲ / ۵۹	۴۴	۵۲ / ۹	۳ / ۱
۱۹۹۶	۶۰	۱ / ۴	۲۹ / ۵۱	۵۶ / ۱۲	۴ / ۳۷

منبع : کتاب سال آماری کشور، مرکز آمار ایران

نرخ تخمینی افراد بزرگسال بیسواد و باسواد طی سالهای ۲۰۱۰ - ۱۹۸۰



نرخ باسوادی و بیسوادی مردان و زنان

۴۷/۷	۴۰/۶	۳۳/۲	۲۵/۶	۱۹/۷	۱۳/۲	۱۱	مجموع افراد باسواد
۲/۸	۳/۱	۳/۶	۳/۹	۴/۲	۴/۹	۱/۴	نرخ بی سوادی مردان
۵/۵	۶	۶/۴	۶/۶	۶/۸	۷/۸	۶/۵	نرخ بی سوادی زنان

منبع : کتاب سال آماری کشور، مرکز آمار ایران

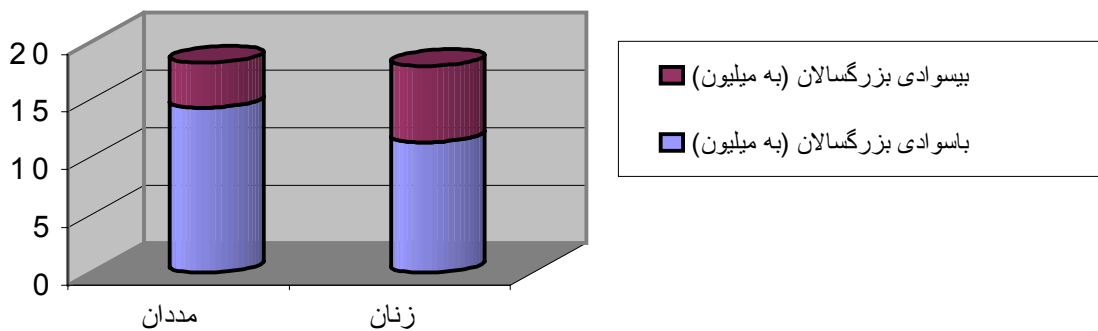


شاخص های اساسی اجتماعی - اقتصادی

سال			
۱۷/۸۰	۱۹۹۷	مجموع GNP به دلار آمریکا	۱
۴/۸	۱۹۹۷	آمار مجموع فراوانی (در صد زنان)	۳
۳۲	۱۹۹۷	آمار مرگ و میر کودکان رده سنی ۱ سال به ازای هر هزار نفر	۴
۳۵	۱۹۹۷	آمار مرگ و میر کودکان زیر رده سنی ۵ سال به ازای هر هزار نفر	۵
۶۹	۱۹۹۷	امید زندگی در هنگام تولد (به سال)	۶

منبع: شماره ۱ بانک جهانی، شماره ۲ سازمان ملل و شماره ۳ تا ۶ سازمان یونیسف

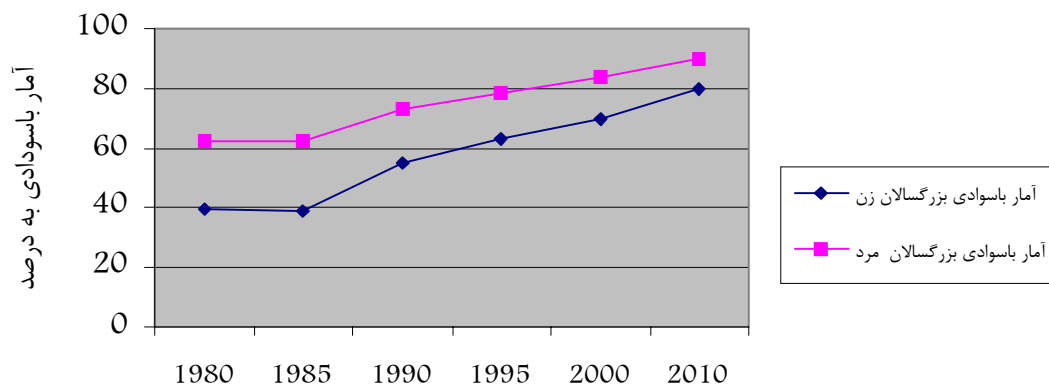
نرخ تخمینی بزرگسالان بیسواد با ذکر جنسیت طی سال ۱۹۹۵



منبع: سازمان یونسکو



آمار باسوادی بزرگسالان با ذکر جنس 1980-2010



نرخ باسوادی و بیسوادی افراد بزرگسال رده های سنی ۱۵ سال و بالاتر (طی سال ۱۹۹۵)

آمار مجموع بزرگسالان با سواد : ۷۱ درصد

جمعیت زنان با سواد : ۱۱/۳ میلیون نفر

جمعیت مردان باسواد : ۱۴/۳ میلیون نفر

مجموع تعداد زبان های مادری : ۴ زبان

منبع : سازمان یونسکو و مرکز آمار ایران

سیاستهای آموزشی

از آنجاییکه سیاست اصلی دولت ایران در حوزه آموزش همواره بر سیاست تمرکززدایی استوار بوده است، کلیه استانهای کشور مجاز به اعمال روشهای گسترشی، تسهیل اصلاحات و یا اداره برنامه‌های مختلف آموزشی می باشند. از جمله سیاستهای آتی دولت ایران در جهت نیل به هدف مذکور می توان به



اعطای قدرت اجرائی بیشتر به استانها و استقرار سازمانهای آموزش و پرورش نسبتاً مستقل در استانها و تفویض بسیاری از مسئولیت‌های وزارت مرکزی به سازمانهای مذکور اشاره نمود.

علاوه بر این، از سال ۱۹۹۹ سیاست مدرسه سالاری در جهت بهبود کیفیت آموزش و سیاست تمرکز زدایی آموزشی در ادارات انسانی آموزش و پرورش به مورد اجرا گذارده می‌شود.

گفتنی است که طی طرح مذکور، علاوه بر اعطای اختیارات بیشتر به مدارس، شورای معلمان، شورای دانش‌آموزان و انجمن‌های اولیا-مربیان تشکیل یافت. این طرح در برنامه‌ریزی و اداره آموزش، شامل والدین و دانش‌آموزان نیز می‌شود. از جمله نقاط قوت طرح مذکور می‌توان به افزایش کمیت ثبت‌نام و حضور تعداد بیشتری از دانش‌آموزان در مدارس اشاره نمود.

از جمله مهمترین سیاستهای آموزشی کشور ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:

۱- بازنگری و اصلاح ساختار برنامه ریزی و برنامه های آموزشی و روزآمد نمودن آنها در

جهت پاسخگویی به نیازهای بومی و رهیافتهای جدید علمی

۲- تقویت و توسعه دوره های تحصیلات تکمیلی و ارتقاء کیفیت علمی آن در جهت تأمین

اعضای هیأت علمی مراکز آموزشی و پژوهشی، رفع نیازهای تخصصی بخشهای مختلف و

کاهش اعزام دانشجو به خارج از کشور

۳- راه اندازی و تقویت دوره ها و مراکز جدید آموزشی در علوم پایه و پیشرفته از قبیل

زمینه های خاص در علوم پایه، تکنولوژی اطلاعاتی و بیوتکنولوژی

۴- ساماندهی و نهادینه نمودن سیاست آموزش استعدادهای خلاق در مراکز آموزش عالی

و وضع مقررات و ضوابط ویژه آموزشی و پژوهشی



۵- فراهم آوردن فرصت و افزایش دسترسی افراد با استعداد به مراکز دانشگاهی در سراسر کشور و حمایت از اقشار محروم جهت دستیابی به امکانات دانشگاهی و تکمیل تحصیلات عالی

۶- تقویت ارتباط، همبستگی و تطابق میان نظام آموزش عالی، توسعه فناوری و بازار کار
۷- تأمین اعضای جدید هیأت علمی

۸- گسترش و تقویت آموزشهای علمی - کاربردی و فنی - حرفه ای با هماهنگی دستگاههای تولیدی و خدماتی

۹- ارتقای کیفیت آموزشی

برنامه ریزی آموزشی

از جمله مهمترین برنامه ریزی های آموزشی که در جهت ارتقای کیفیت آموزشی

مراکز آموزشی صورت گرفته می توان به موارد ذیل اشاره نمود:

۱. گسترش کارائی درونی نظام آموزشی به واسطه شناسائی موانع و برطرف نمودن آنها
۲. تقویت عوامل تسهیل کننده آموزشی و بهره گیری از نتایج مربوطه در برنامه های آموزشی جهت افزایش میزان پیشرفت آموزشی و کاهش میزان تکرار مطالب درسی
۳. گسترش کارائی بیرونی نظام آموزشی به واسطه تغییر و بررسی برنامه ها، عناوین و محتوای کتب درسی در جهت تناسب کمیت و کیفیت مواد آموزشی با نیازهای روزمره و استعدادها قابلیت های بالقوه دانش آموزان
۴. تأکید بر استخدام معلمان متخصص، کاهش تراکم جمعیت کلاس های درسی، بهبود و گسترش تجهیزات کمک آموزشی و استخدام آموزشیاران متخصص در خدمات مشاوره تحصیلی



۵. رشد و گسترش خدمات مشاوره و هدایت تحصیلی متناسب با نیازهای خاص دانش‌آموزان از طریق گسترش و تقویت مراکز ویژه مشاوره تحصیلی
۶. برقراری تعادل میان حقوق و مزایای معلمان استخدامی به احتساب ساعات موظف کاری و تخصص‌های ویژه افراد
۷. بهره‌گیری از روشهای تشویقی آموزشی در جهت افزایش ضریب استخدام معلمان در مناطق محروم از طریق اعطای فوق‌العاده‌های آموزشی و افزایش حقوق پایه آنان
۸. به‌کارگیری ابزار کمک آموزشی و راهبردهای جدید آموزشی در جهت حمایت از روشهای ابتکاری و به‌کارگیری چنین روشهایی در مراکز آموزشی
۹. راه‌اندازی شبکه تلویزیونی آموزشی و انتشار روزنامه آموزشی در جهت تسهیل در امر ارتباطات و انتقال آخرین یافته‌ها، مفاهیم و تجربیات به دانش‌آموزان
۱۰. اجرای تحقیقات کاربردی به منظور شناسایی عوامل مؤثر بر عدم یادگیری و عقب‌افتادگی تحصیلی دانش‌آموزان و تدارک طرح‌های آموزشی بر مبنای نتایج بدست آمده از تحقیقات مذکور
۱۱. طراحی سیستم مدیریت جامع آموزشی از طریق طراحی پایگاه داده‌های جامع (EMIS)

۱۰- گسترش مشارکتهای مردمی در حوزه آموزش

برنامه‌ریزی آموزشی

از جمله مهمترین برنامه‌ریزیهای آموزشی که در جهت گسترش مشارکتهای مردمی

در حوزه آموزش صورت گرفته میتواند به موارد ذیل اشاره نمود:



۱. اجرای سیاست مدرسه- محور در جهت تمرکززدائی نظام آموزشی و گسترش مشارکتهای مردمی در فرایند آموزش.
۲. اعطای اختیارات بیشتر به ادارات کل استانی وزارت آموزش و پرورش با توجه به شرایط خاص استانی در جهت برطرف نمودن مشکلات آموزشی مشارکت همگانی مردم در حوزه آموزش
۳. تصویب « طرح سوم گسترش اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی » جهت مشارکت وزارت آموزش و پرورش با سازمان امور مدیریتی و استخدامی در جهت فراهم نمودن شرایط و تسهیلات لازم جذب مشارکتهای داوطلبانه مردمی و مشارکت بخش خصوصی در آموزش
۴. جذب همکاری و مشارکت والدین و افزایش ارتباط آنها با مدارس و پیگیری و توجه به آموزش فرزندان
۵. گسترش فعالیت‌های شورای آموزش در استانها و شهرستانهای کشور جهت جذب کمکهای مردمی
۶. تشویق و ترغیب شهرداریها و شهروندان به مشارکت هر چه بیشتر در احداث مراکز آموزشی
۷. تشویق شهروندان به احداث مدارس غیردولتی
۸. بهره مندی شهروندان از وام‌های بانکی طولانی مدت و تسهیلات ویژه جهت احداث فضاهای آموزشی
۹. تدوین مقررات ویژه حقوق و مزایای معلمان و کادر تمام وقت مدارس غیردولتی
۱۰. تبدیل فضاهای آموزشی دولتی (فروش یا اجاره آنها) به فضاهای غیردولتی



۱۱. اعطای زمین‌های دارای کاربری آموزشی با قیمت مناسب به‌دارندگان مجوز احداث

مدارس غیردولتی

۱۲. تأسیس صندوق حمایت از گسترش مدارس غیردولتی

۱۳. انتقال بخشی از سهم آموزشی مدارس دولتی به‌مدارس غیردولتی

۱۴. جذب کمک‌های مالی مردمی و افراد خیر در حوزه آموزش

۱۵. استفاده از رسانه‌های جمعی نظیر رادیو، تلویزیون و روزنامه‌ها جهت انتقال صحیح

اطلاعات آموزشی به‌والدین و ارتقاء مشارکتهای مردمی

۱۱- برنامه‌های پیگیری سوادآموزی ویژه نوسوادان

برنامه‌ریزی آموزشی

از جمله مهمترین برنامه‌ریزی‌های آموزشی که درحوزه برنامه‌های پیگیری سوادآموزی ویژه

نوسوادان صورت گرفته میتوان به موارد ذیل اشاره نمود:

۱. افزایش دانش نوسوادان در جهت مشارکت بیشتر آنان در مسئولیت‌های فردی،

خانوادگی و اجتماعی

۲. ارائه آموزشهای فنی- حرفه‌ای جهت ایجاد مهارتهای لازم در افراد

۳. گسترش فرهنگ نوسوادان به واسطه تشویق آنان به مطالعه کتاب و روزنامه، پخش

برنامه‌های ویژه از رادیو و تلویزیون و ارائه آموزش مکاتبه‌ای به آنان

۱۲- گسترش آموزش غیررسمی

برنامه‌ریزی آموزشی

از جمله مهمترین برنامه‌ریزی‌های آموزشی که درحوزه گسترش آموزش غیررسمی صورت گرفته

میتوان به موارد ذیل اشاره نمود:



۱. تشویق و تسهیل احداث مؤسسات علمی، آموزشی و هنری به واسطه اعطای مجوزهای لازم به بخش خصوصی
۲. اختصاص مزایای خاص به مؤسسات آموزشی غیر خصوصی
۳. ارائه آموزشهای غیررسمی از طریق پخش برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی

ساختار نظام آموزشی

آموزش پیش دبستانی: که مشتمل بر دوره آموزش اختیاری ۱ساله ویژه کودکان رده سنی ۵ سال با هدف آمادگی کودکان جهت ورود به مراکز آموزش ابتدایی می باشد.

آموزش ابتدایی: مشتمل بر دوره آموزشی ۵ ساله ویژه کودکان رده های سنی ۶ تا ۱۱ سال می باشد.

آموزش راهنمایی: مشتمل بر دوره آموزشی ۳ ساله ویژه دانش آموزان رده های سنی ۱۴-۱۱سال می باشد.

آموزش متوسطه: مشتمل بر دوره آموزشی ۳ ساله بوده و به ۳ شاخه نظری، فنی حرفه ای و مهارتی (کاردانش) تقسیم می گردد.

شاخه نظری: آندسته از دانش آموزانی که به انتخاب شاخه فوق مبادرت می نمایند ملزم به گذراندن ۹۶ واحد آموزشی تا زمان اخذ گواهینامه آموزش متوسطه در یکی از ۳ رشته ادبیات و علوم انسانی، ریاضی و فیزیک و علوم تجربی می باشند.



شاخه فنی و حرفه‌ای: آندسته از دانش آموزانی که به انتخاب شاخه فوق مبادرت می نمایند در یکی از گروه‌های آموزشی صنایع، کشاورزی، خدمات برق، مواد، صنایع کشتیرانی، کشاورزی، هنر، مدیریت، اقتصاد داخلی، مالی و اداری آموزش دیده و در پایان دوره آموزشی ۳ ساله و پس از گذراندن ۹۶ واحد آموزشی به کسب مهارت‌های لازم جهت احراز شغل مناسب و گواهینامه آموزش فنی و حرفه‌ای نائل می آیند.

شاخه مهارتی (کار دانش): آندسته از دانش آموزانی که به انتخاب شاخه فوق مبادرت می نمایند ملزم به گذراندن ۴۹ واحد عمومی جهت اتخاذ مدرک کلاس اول می باشند. پس از گذراندن ۹۶ واحد درسی گواهینامه مهارت‌های تحصیلی به فارغ التحصیلان اعطاء میگردد. هدف دوره آموزشی مذکور آموزش و تربیت نیروی کاری ماهر و نیمه ماهر در حوزه های خدمات و کشاورزی است.

دوره پیش دانشگاهی: دوره آموزش پیش دانشگاهی دوره آموزشی ۱ ساله ویژه آندسته از دانش آموزانی است که به اتمام مقطع آموزش متوسطه نائل آمده و قصد ورود به دانشگاه‌ها یا سایر موسسات آموزش عالی را دارند.

نهادهای مرکزی آموزش رسمی

در جمهوری اسلامی ایران مسئولیت اداره و نظارت بر امور آموزشی و پرورشی کشور بر عهده ۳ وزارتخانه ذیل میباشد:

۱. وزارت آموزش و پرورش که مسئولیت آموزش پیش دبستانی، ابتدایی، راهنمایی، آموزش متوسطه و بزرگسالان را عهده دار می باشد.



۲. وزارت فرهنگ و آموزش عالی که مسئولیت اداره و رسیدگی بر امور آموزش عالی و تحصیلات دانشگاهی را عهده دار می باشد.

۳. وزارت بهداشت و آموزش پزشکی که مسئولیت اداره و نظارت بر آموزش عالی پزشکی را عهده دار می باشد.

تاریخچه آموزش پیش دبستانی

تاریخچه آموزش پیش دبستانی در ایران به ۸۰ سال پیش باز می گردد.

در سال ۱۲۹۸ مسیونر های مذهبی و اقلیت های دینی به احداث کودکستان ها و مراکز آموزش پیش دبستانی در تهران مبادرت نمودند. در همان اثنا زنده یاد جبار باغچه بان در سال ۱۳۰۳ به احداث باغچه اطفال در شهرستان تبریز مبادرت نموده و چند سال بعد در سال ۱۳۰۷ کودکستان دیگری در شهرستان شیراز دایر نمود. گفتنی است که در آن اثنا تنها از کودکان خانواده های مرفه و کارمندان عالی رتبه ادارات در این مراکز ثبت نام به عمل می آمد. استقبال این خانواده ها از عملکرد مراکز آموزش پیش دبستانی (کودکستان ها) سبب گردید که طی مدت زمان کوتاهی در تهران و چندین شهر بزرگ دیگر کشور، کودکستان هایی توسط بخش خصوصی دایر گردد. از جمله مهمترین برنامه های این مراکز می توان به بازی های مرسوم، آموزش مقدماتی خواندن و نوشتن، نقاشی و بازی با عروسک و اشکال هندسی اشاره نمود. در سال ۱۳۰۳ شورای عالی فرهنگ، به تصویب انحصاری آیین نامه احداث مراکز آموزش پیش دبستانی در شهرستان تهران و در سال ۱۳۰۴ به تصویب این آیین نامه برای سایر شهرهای کشور مبادرت نمود. نخستین امتیاز تاسیس کودکستان توسط وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه در سال ۱۳۱۰ صادر گردید. از این روی سال ۱۳۱۰ آغاز فصل جدیدی در تاریخ آموزش پیش دبستانی ایران محسوب می گردد. نخستین آیین نامه ویژه کودکستانها و مراکز آموزش پیش دبستانی در سال ۱۳۱۲ به تصویب شورای



عالی فرهنگ رسید. در ماده اول این آیین نامه، سن کودکان جهت پذیرش در کودکانها ۴ تا ۷ سال قید شده بود. این در حالیست که در سال ۱۳۳۵، آیین نامه جدیدی جهت اداره کودکانها به تصویب رسید که طی آن سن کودکان، ۳ تا ۶ سال تعیین شده بود. در سال ۱۳۳۴، اداره مستقلی جهت رسیدگی و نظارت بر امور کودکانها تحت نظارت وزارت فرهنگ تاسیس گردید. در سال ۱۳۴۰، اداره امور کودکانهای کشور منحل شده و وظایف مربوطه به اداره کل تعلیمات ابتدایی محول گردید. در آن اثنا دولت به تلاش هایی در جهت احداث کودکانها های دولتی مبادرت نموده و با احداث کودکانها در شهرهای سراسر کشور، کودکان خانواده های طبقه متوسط را تحت پوشش خود قرار داد. تا سال ۱۳۲۲ در سراسر کشور تنها تعداد ۷ کودکان وجود داشت و این در حالیست که طی سال ۱۳۳۱ به ۷۴ و طی سال ۱۳۵۱ به ۴۳۱ مرکز بالغ گردید. در همان اثنا تلاش هایی در جهت تربیت مربیان مراکز پیش دبستانی نیز آغاز گردید. در سال ۱۳۳۶، آموزشگاه های کودکپاری آغاز به فعالیت نمودند. اولین اساسنامه و برنامه درسی این آموزشگاهها طی سال ۱۳۴۵ به تصویب شورای عالی فرهنگ رسید. چندسال بعد تدریس رشته کودکپاری یا آموزش و پرورش پیش از دبستان در برخی دانشکده های علوم تربیتی من جمله مدرسه عالی شمیرانات و دانشگاه ابوریحان آغاز گردید.

در سال ۱۳۵۰، اداره کل تعلیمات ابتدایی به دفتر برنامه ریزی آموزش ابتدایی تغییر نام داده و واحد کودکانها های این اداره، عهده دارمسئولیت طرح و برنامه ریزی آموزش و پرورش پیش دبستانی گردید. در سال ۱۳۵۴، با توجه به توسعه کودکانها و تربیت مربیان کودک، دفتر برنامه ریزی آموزش ابتدایی به دفتر آموزش کودکانها و ابتدایی تغییر نام داده و بالاخره در سال ۱۳۵۹ در اداره کل و سپس در دفتر آموزش عمومی ادغام گردید. طبق آخرین آیین نامه کودکانها که در سال ۱۳۴۹ به تصویب شورای عالی آموزش و پرورش رسید، تشکیل کلاسهای آمادگی ضمیمه آموزش ابتدایی گردیده و سن کودکان کودکان ۳ تا ۶ سال تعیین گردید. در سال ۱۳۵۳، وزارت آموزش و پرورش طبق انتشار بخشنامه ای



به اعمال اصلاحاتی در آیین نامه مذکور مبادرت نمود. مطابق این تغییرات تنها آندسته از کودکانی که از سن ۵ سال تمام برخوردار بودند از حق ثبت نام در کلاسهای آمادگی بهره مند گردیدند.

در گذشته امتیاز تاسیس مهدهای کودک ویژه کودکان رده های سنی ۳ تا ۶ سال به وزارت آموزش و پرورش و مجوز تاسیس مراکز مراقبتی کودکان زیر رده سنی ۳ سال به اتاق اصناف واگذار گردید.

از سال ۱۳۵۴، سازمانهای دولتی موظف به تاسیس مهدهای کودک شده و ضوابط آنها از سوی سازمان زنان تنظیم گردید. در سال ۱۳۵۶، در بودجه کل سازمانهای دولتی، بودجه لازم جهت احداث مهدهای کودک ویژه فرزندان زنان کارمند پیش بینی شده و سازمان زنان مسئولیت تشکیل و نظارت بر آنها را عهده دار گردید. پس از انقلاب اسلامی، بر اساس تصمیم گیری هیات وزیران، با انحلال سازمان زنان، سازمان ملی رفاه خانواده، سازمان تربیتی شهرداری تهران و انجمن ملی حمایت از کودکان، اجازه تاسیس مهدهای کودک به وزارت بهداشت و بهزیستی و سپس به سازمان بهزیستی محول گردید. در حال حاضر صدور مجوز و نظارت بر کلیه مهدهای کودک دولتی و خصوصی بر عهده سازمان بهزیستی کشور است.

از سال ۱۳۷۲ کلیه کلاسهای آمادگی ضمیمه مدارس دولتی به علت کمبود جا منحل گردید. گفتنی است که این کلاسها ۳۰ سال پیش در سال ۱۳۴۹ و با تصویب شورای عالی آموزش و پرورش تشکیل شده بود. از جمله انواع مهدهای کودک که در حال حاضر در سراسر کشور فعالیت دارند میتوان به موارد ذیل اشاره نمود:

- مهدهای کودک خصوصی که توسط بخش خصوصی احداث گردیده اند.
- مهدهای کودک خود محور که وابسته به موسسات دولتی بوده و با کمک هزینه های دولتی و والدین کودکان اداره میگردند.
- مهدهای کودک کارگری که متعلق به کارخانجات بوده و تحت پوشش وزارت کار فعالیت دارند.



— مهدهای کودک ادارات آموزش و پرورش که به ثبت نام از فرزندان زنان شاغل در آموزش و پرورش مبادرت می نمایند.

— مهدهای کودک انجمنهای حمایتی سازمان بهزیستی که به ثبت نام از کودکان تحت پوشش بهزیستی و درصدی از افراد عادی مبادرت می نمایند.

— مهدهای کودک انجمنهای روستایی که به ثبت نام از کودکان روستایی مبادرت می نمایند.

تاریخچه فوق بیانگر این واقعیت است که سهم دولت در تاسیس مهدهای کودک بسیار ناچیز بوده و عمدتاً به تنظیم آیین نامه ها و اعطای مجوزهای قانونی محدود بوده است به نحویکه پس از تشکیل اولین مهدهای کودک، وزارت آموزش و پرورش به تاسیس مهدهای کودک دولتی پس از ۴۲ سال مبادرت نمود. در حال حاضر برای کودکان زنان غیر شاغل مهد کودک دولتی وجود نداشته و کلاسهای آمادگی ضمیمه مدارس دولتی نیز از سال ۱۳۷۲ منحل گردیده است. علاوه بر این تعداد فارغ التحصیلان رشته کودکپاری با توجه به نیاز مهدهای کودک، بسیار اندک بوده و دوره های باز آموزی بهزیستی ویژه مربیان و مدیران، چه از لحاظ مدت زمان و چه از لحاظ تعداد نفرات تحت پوشش هر دوره آموزشی، جوابگوی نیاز مهدهای کودک نمی باشد. بعنوان مثال از سال ۱۳۶۱ تا ۱۳۶۹ یعنی ظرف مدت زمان ۸ سال تنها ۱۲۱۵ نفر از مدیران و مربیان موفق به گذراندن دوره های آموزشی کوتاه مدت بهزیستی شده اند و این در حالیست که این رقم در مقایسه با تعداد مدیران و مربیان مهدهای کودک بسیار ناچیز می باشد.

علاوه بر این تعداد مهدهای کودک نسبت به جمعیت کودکان در ایران بسیار ناچیز می باشد. بعنوان مثال طی سالهای ۱۳۶۰-۱۳۵۹ تعداد مهدهای کودک بر ۲۹۷۱، تعداد کودکان بر ۱۷۲۰۰۲، تعداد کلاسها بر ۶۳۴۰ و تعداد کارکنان بر ۹۳۵۶ نفر بالغ می گردید و این در حالیست که طی سالهای ۶۸-۶۷ تعداد مهدهای کودک بر ۲۵۴۷، تعداد کودکان ثبت نامی بر ۱۷۷۹۷۹، تعداد کلاسها بر ۵۹۵۱، تعداد کارکنان بر ۱۹۸۳ و تعداد کودکان رده های سنی ۱ تا ۶ سال بر ۱۲ میلیون نفر بالغ گردید. ضمناً تعداد



مهدهای کودک خصوصی شهرستان تهران طی سال ۱۳۷۰ بر ۲۰۰ مرکز، طی سال ۱۳۷۱ بر ۱۷۴ مرکز و طی سال ۱۳۷۲ بر ۱۷۰ مرکز بالغ گردید.

آمار فوق نشانگر افزایش دائمی تعداد کودکانی ثبت نامی مراکز آموزش پیش دبستانی و مهدهای کودک و کاهش تعداد مهدهای کودک و کادر ویژه آن می باشد. آمار سال ۶۸-۶۷ مبین این واقعیت است که تنها ۵ درصد کودکان رده های سنی ۱ تا ۶ سال و ۵ درصد کودکان رده های سنی ۳ تا ۶ سال از امکانات آموزشی و تفریحی مهدهای کودک استفاده نموده اند. در ضمن تعداد کودکان هر کلاس بر ۳۰ نفر و نسبت کودکان به کادر آموزشی به نسبت ۲۵ به ۱ بوده است. به عبارت دیگر به ازای هر ۱ پرسنل، ۲۵ کودک وجود داشته است. چنانکه قبلا نیز بدان اشاره گردید رده های سنی ۱ تا ۶ سال در رشد و پرورش شخصیت کودکان، از نقش اساسی برخوردار بوده و از این روی آموزش پیش دبستانی به عنوان بخشی از نظام آموزش عمومی محسوب شده و دولتها به برنامه ریزی و سرمایه گذاری در این عرصه مبادرت می نمایند. در کشور ایران آموزش پیش دبستانی در واقع به بخش خصوصی واگذار گردیده و بدین ترتیب خانواده های کم درآمد و متوسط قادر به بهره گیری از امکانات مهدهای کودک نمی باشند و این درحالیست که کودکان خانواده های مواجه با مشکلات اقتصادی و فرهنگی از نیاز بیشتری به توجه و آموزش برخوردار می باشند. به این ترتیب به دلیل وجود کمبودها، نواقصات زیاد و برنامه های نادرست و عدم برخورداری از کادر مناسب و عدم اولویت دولت به آموزش کودکان در دوره های پیش دبستانی، اکثریت کودکان با مشکلات عدیده ای در روند آموزشی و رشد شخصیتی خود مواجه می گردند.

سرمایه گذاری در امور کودکان پیش دبستانی آثار پیش گیرانه بر آسیب های دوران نوجوانی و جوانی و بزرگسالی دارد. بسیاری از انحرافات اخلاقی ریشه در کمبودهای روحی و روانی دوران کودکی دارند. ارتباط اولیه کودک با الگوهای شخصیتی، آینده او را رقم میزنند. برخلاف تصورات عمومی مبنی بر عدم سود آوری سرمایه گذاری در مهدهای کودک چنین سرمایه گذاری هایی به معنای تربیت نیروی



خلاق ، هدفمند و آگاه آتیه هر ملت و عوامل بازدارنده بسیاری از آسیب های اجتماعی مطرح می باشند . در مقطع آموزش پیش دبستانی ،والدین و مربیان کودک به شناسایی توانایی های بالقوه کودکان و رشد و توسعه چنین توانایی هایی مبادرت نموده، شعور و رفتارهای های روانی کودک شکل گرفته و هدایت صحیح تجربیات کودک به خصوصیات روانی می انجامد که شخصیت او را پرورش میدهند. در جریان حضور در مراکز آموزش پیش دبستانی است که کودک شناخت نزدیک به واقعیتی از خود بدست آورده و خواسته های او به عنوان تبلوری از رشد عاطفی ،عقلی و اجتماعی او شکل می گیرد.

آموزش پیش دبستانی

بر اساس تجربیات و بررسیهای روان شناختی و تربیتی ، سال های اولیه زندگی کودکان نقش اساسی در رشد و پرورش آنان ایفا می نماید چراکه ۸۰ درصد شخصیت کودک ظرف ۶ سال اولیه حیات او شکل میگیرد. براین اساس آموزش و پرورش پیش دبستانی از اهمیت ویژه ای برخوردار بوده و تلاش عمده دولت ها بر این بوده است که هرروزه تعداد بیشتری از کودکان تحت پوشش آموزشهای این دوره قرار گرفته و با توجه به ویژگی ها و نیازهای فردی ،از آموزشهای مناسب و سازنده برخوردار گردند. اولین ارتباطات انسانی- اجتماعی کودکان در دوران پیش دبستانی شکل گرفته و شکوفائی و رشد این ارتباط منوط به آموزش عشق ورزیدن ، محبت نمودن ، ... و نشان دادن راه صحیح برقراری ارتباط توسط والدین و مربیان آنان می باشد . در واقع پایه های اولیه اعتماد به نفس ، مسئولیت پذیری و استقلال و خلاقیت کودکان در دوران پیش از دبستان استوار می گردد. توجه دقیق و مناسب به کودکان به رشد و شکوفائی استعداد های آنان کمک می نماید. مهدهای کودک و مربیان این مراکز نقش اساسی و حیاتی در تربیت و رشد شخصیت کودکان و نیل به اهداف فوق ایفا می نمایند.



برنامه های آموزشی

- از جمله مهمترین برنامه های آموزشی مقطع آموزش پیش دبستانی می توان به موارد ذیل اشاره نمود:
- ۱- برنامه های علمی و عملی آموزشی که بر مشاهده و بازدید ، آموزش زبان فارسی ، ریاضیات مقدماتی ، مفاهیم ابتدایی علوم و اعتقادات مذهبی مشتمل می گردد.
 - ۲- فوق برنامه های آموزشی که بر صنایع دستی ، خمیر بازی ، بریدن و چسباندن اشیاء ، نقاشی ، بازیهای فکری ، قصه گوئی ، شعرخوانی و تمرینات بدنی مشتمل می گردد.

برنامه ریزی و مدیریت آموزشی

اولین مرکز مستقل آموزش پیش دبستانی در سال ۱۹۲۴ در جهت ارائه دوره های آموزش اختیاری (سیستم آموزش غیر اجباری در سیستم آموزش رسمی) احداث گردید در طول دهه ۱۹۸۰ از مراکز فوق تحت عناوین مختلف اعم از مراکز مراقبت روزانه، کودکستانها، مدارس پیش دبستانی یاد می گردید. مراکز مذکور عمدتاً در محل سازمانها و وزارتخانه های دولتی استقرار یافته و به مراقبت از کودکان با والدین شاغل در سازمان یا وزارتخانه مربوطه مبادرت می نمایند. مراکز مذکور به طور خصوصی و تحت نظارت سازمان بهزیستی و تحت سرپرستی وزارت آموزش و پرورش فعالیت می نمایند.

هدف عملی مراکز فوق مراقبت و تربیت کودکان برخوردار از والدین شاغل و ارائه تسهیلات به آنان بود. از جمله تقسیم بندی های به عمل آمده توسط مراکز پیش دبستانی کشور می توان به موارد ذیل اشاره نمود:

کودکان رده های سنی ۴ تا ۱۸ ماه

کودکان رده های سنی ۱۸ ماهه تا ۳ سال



کودکان رده های سنی ۳ تا ۵ سال

کودکان رده های سنی ۵ سال

از مراکز ویژه کودکان رده سنی زیر ۵ سال تحت عنوان (مراکز مراقبتی روزانه) و از مراکز ویژه کودکان رده سنی ۵ سال تحت عنوان مدارس آمادگی یاد می گردد.

مسئولیت برنامه ریزی، آماده سازی و توسعه متدهای آموزشی و تفریحی مراکز پیش دبستانی برعهده اداره برنامه ریزی و توسعه متون درسی کشور می باشد.

وظیفه نظارت بر عملکرد مراکز مذکور به دایره آموزش ابتدایی و مسوولیت تدارک امکانات و تسهیلات رفاهی به ((مدیریت عمومی تعاون و رفاه اجتماعی)) وزارت آموزش و پرورش تفویض گردیده است. معلمین و مربیان مراکز آموزش پیش دبستانی از میان فارغ التحصیلان رشته های تربیتی مراکز تربیت معلم و یا از میان فارغ التحصیلان دانشگاهی علوم تربیتی در حوزه آموزش پیش دبستانی انتخاب می گردد. وجود تغییرات اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی دو دهه اخیر در ایران، افزایش نسبت زنان شاغل و ضرورت مراقبت از کودکان به افزایش نرخ ثبت نام کودکان در مراکز پیش دبستانی منجر گردیده است. برگزاری کنفرانس جامتین و تأکید کلیه کشورهای شرکت کننده بر اهمیت ضرورت ارائه مقطع آموزش پیش دبستانی به کلیه شهروندان باعث اعمال توجه بیشتر به این جنبه از آموزش گردیده است. طی دهه پایانی قرن بیستم به اطمینان از برقراری هماهنگی میان وزارت آموزش و پرورش و سازمان بهزیستی به عنوان دو مجموعه مسئول در جهت رشد و توسعه هر چه بیشتر آموزش پیش دبستانی تأکید شد. با این وجود در نتیجه تمرکز نامحسوس در برنامه ریزی، مدیریت و سرپرستی مقطع آموزش پیش دبستانی، هر یک از سازمانهای دولتی به تنظیم استراتژیها و سیاست جاری خود با توجه به نیازها و امکانات کارشناسان مبادرت می نمایند.



اهداف آموزشی

اهداف مقطع آموزش پیش دبستانی

از جمله مهمترین اهداف مقطع آموزش پیش دبستانی می توان به موارد ذیل اشاره نمود:

۱- رشد جسمانی ، ذهنی ، عاطفی و اجتماعی کودکان بر پایه اصول اخلاقی و مذهبی

۲- افزایش سطح تواناییها و استعدادهاى کودکان

۳- آماده سازی و تربیت کودکان جهت درک مفاهیم علمی و ذهنی

۴- رشد و پویى زبان فارسی همسطح با زبانهای محلی

۵- آماده سازی و تربیت کودکان جهت برقراری همکاریها و معاشرتهای اجتماعی

۶- حمایت از خانواده های کم درآمد در روند تربیتی و تحصیلی فرزندان

از جمله مهمترین اهداف مقطع آموزش پیش دبستانی میتوان به موارد ذیل اشاره نمود:

۱. تربیت کودکان در جهت اجرای اصول اسلامی در زندگی شخصی و اجتماعی

۲. تقویت احساس همکاری و مشارکت کودکان در فعالیتهای اجتماعی و حس مسئولیت پذیری

آنان

۳. افزایش قدرت جسمی و ذهنی، برقراری تعادل جسمی و افزایش مهارتهای پایه کودکان

۴. آموزش زبان فارسی در جهت تقویت ارتباطات و ابزارهای آموزشی کودکان اعم از خواندن ،

نوشتن ، شنیدن و حرف زدن

از سال ۱۹۸۹ نظر به مشکلات زبانی کودکان مناطق دو زبانه کشور حین ورود به مقطع آموزش

ابتدایی ، نرخ بالای تجدید کودکان طی سالهای اولیه آموزش ابتدایی ، عدم تسلط کافی در برقراری

ارتباطات به زبان فارسی و در دسترس نبودن تعداد کافی از مراکز پیش دبستانی، هر ساله کلاسهای



آمادگی یک ماهه قبل از شروع سال تحصیلی در مناطق مذکور تشکیل می‌گردد. گفتنی است که وزارت آموزش و پرورش به فراهم نمودن زمینه‌هایی جهت آمادگی کودکان ساکن مناطق مذکور جهت ورود به مقطع آموزش ابتدایی از طریق تعیین برنامه‌های مورد نیاز و صدور بخشنامه‌های مربوطه اقدام می‌نماید.

استراتژی‌های آموزشی

از جمله مهمترین راهبردهای آموزشی مقطع آموزش پیش دبستانی می‌توان به موارد ذیل اشاره

نمود:

۱. ترغیب اولیای امور وزارت آموزش و پرورش به توجه هر چه بیشتر به سطح آموزش پیش

دبستانی

۲. کسب اطمینان از برقراری حداکثر هماهنگی ممکن میان نهادهای اداره کننده مراکز آموزش

پیش دبستانی در وزارت آموزش و پرورش

۳. اختصاص بیشتر وجوه غیر مستقیم از سوی وزارت آموزش و پرورش به مراکز آموزش پیش

دبستانی

۴. آموزش و تربیت نیروی انسانی ماهر از طریق تمرکز بر آموزشهای دوره پیش دبستانی

۵. گسترش فضاهای مستقل آموزش پیش دبستانی



آموزش ابتدایی

اهداف مقطع آموزش ابتدایی

از جمله مهمترین اهداف مقطع آموزش ابتدایی می توان به موارد ذیل اشاره نمود:

- ۱- برقراری فضای مناسب آموزشی جهت پیشرفت اخلاقی و اعتقادی دانش آموزان
- ۲- پرورش استعدادها و خلاقیت‌های کودکان
- ۳- بهبود قدرت بدنی و جسمانی کودکان
- ۴- آموزش خواندن ، نوشتن ، محاسبه و برقراری معاشرت اجتماعی با سایر اعضاء اجتماع
- ۵- آموزش مسائل بهداشت فردی و گروهی

برنامه های آموزشی

از جمله مهمترین برنامه های آموزشی مقطع آموزش ابتدایی می توان به موارد ذیل اشاره نمود:

علوم قرآنی و تعلیمات دینی انشاء و املاء فارسی

زبان فارسی (خواندن و درک مطلب)

تعلیمات اجتماعی

علوم هنری (نقاشی،خطاطی، کاردستی)

علوم طبیعی و بهداشت ، علوم ریاضی

ورزش و تربیت بدنی

دروس مذکور در هفته ۲۴ ساعت ارائه شده و زمان هر کلاس درس ۴۵ دقیقه می باشد.



مدت زمان دروس آموزشی مقطع آموزش ابتدایی

مواد درسی	کلاس اول	کلاس دوم	کلاس سوم	کلاس چهارم	کلاس پنجم
قرآن	-	-	۲	۲	۲
تعلیمات دینی	-	۳	۲	۲	۲
انشاء فارسی	-	۲	۲	۲	۲
املاء	-	۳	۲	۲	۲
فارسی (خواندن و درک مطلب)	۱۲	۴	۴	۳	۳
تعلیمات اجتماعی	-	-	۲	-	-
هنر (نقاشی، خطاطی، کاردستی)	-	۲۲	-	۴	۴
علوم طبیعی و بهداشت	۳	۳	۴	۳	۳
ریاضی	۵	۵	۴	۴	۴
ورزش	۲	۲	۲	۲	۲
مجموع ساعات هفتگی	۲۴	۲۴	۲۴	۲۴	۲۴

اهداف کیفی آموزش ابتدایی

از جمله مهمترین اهداف کیفی مقطع آموزش ابتدایی می توان به موارد ذیل اشاره نمود:

۱. اعمال تغییرات ساختاری در نظام آموزشی مطابق با نیازهای واقعی جامعه و برنامه توسعه جهانی

به منظور رشد کیفیت و نرخ بهره وری داخلی آموزش و پرورش

۲. ارائه آموزشهای پایه به کودکان استثنایی

۳. اصلاح ساختار اداری و روشهای اجرایی حوزه آموزش

اهداف کمی آموزش ابتدایی

از جمله مهمترین اهداف کمی مقطع آموزش ابتدایی می توان به موارد ذیل اشاره نمود:

۱. دستیابی به نرخ ناخالص ۱۰۶/۵ درصدی ثبت نام کودکان رده های سن ۱۰-۶ سال در مراکز

آموزش ابتدایی طی سال ۱۹۹۸ به نرخ ۱۲۳ درصدی در پایان برنامه اول



۲. دستیابی به نرخ قبولی کودکان رده های سنی ۶-۸ سال در مراکز آموزش ابتدایی از ۷۸ / ۵ درصد طی سال ۱۹۸۳ به ۸۱ درصد طی سال ۱۹۹۸ و ۸۴ درصد در پایان برنامه دوم
۳. بهبود کارایی داخلی و کاهش نرخ مردودی و افزایش نرخ قبولی دانش آموزان مقطع آموزش ابتدایی به نسبت ۷۷ به ۱۰۰

سیاستها، استراتژی‌ها و اولویت‌های مقطع آموزش ابتدایی

از جمله مهمترین سیاستها، استراتژی‌ها و اولویت‌های مقطع آموزش ابتدایی می توان به موارد ذیل اشاره نمود:

۱. اصلاح و تغییر ساختار نظام آموزش ملی مطابق با نیازهای جامعه و توسعه، ارتقا کیفیت و کارایی برنامه های آموزشی مقطع آموزش ابتدایی با رجوع به اسلام، قرآن و سنت پیامبر (ص) در جهت گنجاندن ارزشهای روحی و معنوی در برنامه‌های آموزشی
۲. توجه به قوانین، برقراری همکاریهای گروهی، تعهد به مشارکت در موضوعات سیاسی اجتماعی، توجه به موضوع سلامت روانی کودکان
۳. برقراری هماهنگی میان سیاست‌های فرهنگی سیاسی، اجتماعی و اقتصادی مورد پذیرش وزارت آموزش و پرورش با سایر سیاستگذاران ملی
۴. کاهش نرخ ترک تحصیل و ایجاد علاقه و انگیزه ادامه تحصیل در میان کودکان از طریق اولویت دادن به اجرای سیاست غلبه بر مشکلات و کمبودهای آموزشی مقطع آموزش ابتدایی با توجه به تفاوت‌های قومی و فرهنگی



۵. اعمال سیاستهای انعطاف پذیر در اجرای متدهای متفاوت آموزشی و بهره گیری از نیروی انسانی، فضا، ابزارها و امکانات آموزشی در جهت پاسخگویی به نیازمندیهای محلی مطابق با نوع و سطح آموزش، جنسیت، میزان علاقه مندی و استعداد دانش آموزان
۶. اولویت دادن به آموزش معلمان و اجرای برنامه‌هایی در جهت ارتقاء موقعیت معلمان و تعیین موقعیت آنان در جامعه و اتخاذ سیستم آموزشی واحد به‌عنوان الگوی راهنما
۷. تأکید بر اهمیت ارزیابی پیوسته و اصلاح روشها، سیاستها و برنامه‌های آموزشی
۸. جلوگیری از ارزیابی های انحصاری و مقطعی آموزشی به ویژه در میان دانش آموزان مقطع آموزش ابتدایی
۹. اولویت دادن به ارزیابی پیوسته نرخ مردودین و تجدیدیها، بررسی دلایل و ارائه طرح هایی در جهت رفع مشکلات مذکور
۱۰. ارائه برنامه های آموزش ابتدایی به کودکان سراسر کشور
۱۱. اتخاذ و اجرای برنامه‌های مورد نیاز جهت ثبت نام کلیه کودکان و تمرکز منابع و تسهیلات در جهت جبران کمبودهای مناطق محروم
۱۲. برقراری روابط همکاری با سازمانهای ذیربط، بسیج کلیه منابع و جلب توجه و مشارکت فعال دولت در جهت پرداختن به موضوعات فرهنگی، حمایتی، رفاهی و قانونی
۱۳. تربیت کادر آموزش ابتدایی مناطق محروم و دور افتاده از طریق گسترش موسسات و دانشگاه‌های تربیت معلم



مشکلات اصلی آموزش ابتدایی

از جمله مهمترین مشکلات مقطع آموزش ابتدایی می توان به موارد ذیل اشاره نمود:

۱. عدم کیفیت و انعطاف ناپذیری محتوی و متدهای آموزشی و نادیده انگاشتن خلاقیت، نظم،

مسئولیت پذیری و انجام فعالیت های گروهی

۲. فقر اقتصادی و عدم تقبل هزینه های بالای آموزشی دانش آموزان توسط والدین و تأثیرات سوء

آن بر آموزش فرزندان

۳. عدم تعهد والدین جهت گمارش کودکان رده های سنی ۱۰-۶ سال به مدارس ابتدایی به واسطه

ضعف قوانین آموزشی کشور

۴. عدم صراحت موضوعات آموزشی و عدم هماهنگی موضوعات مذکور با الگوهای پیشرفت کشور

در نتیجه فقدان هماهنگی میان آموزش و بازار کار

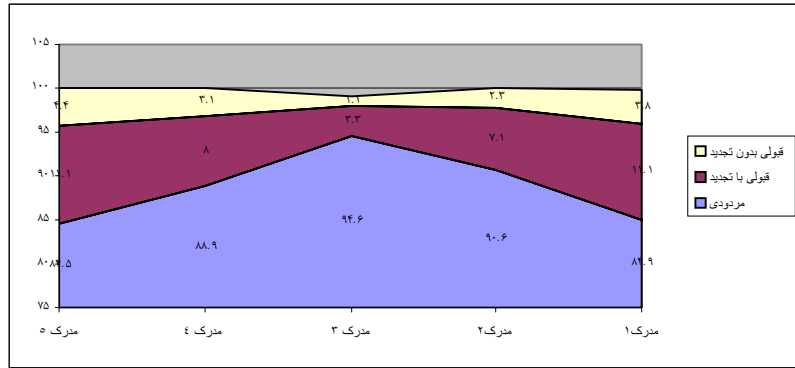
۵. ایجاد وقفه در کیفیت آموزش و روشها و تجهیزات داخلی به واسطه اعمال تغییرات سریع جهانی

در زمینه توسعه علمی

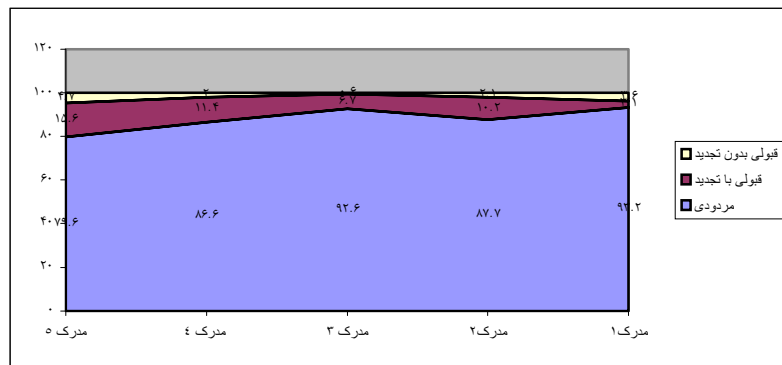


نرخ افت و ارتقاء تحصیلی دانش آموزان طی سال تحصیلی ۱۹۹۰ و ۱۹۹۷ بر مبنای جنسیت

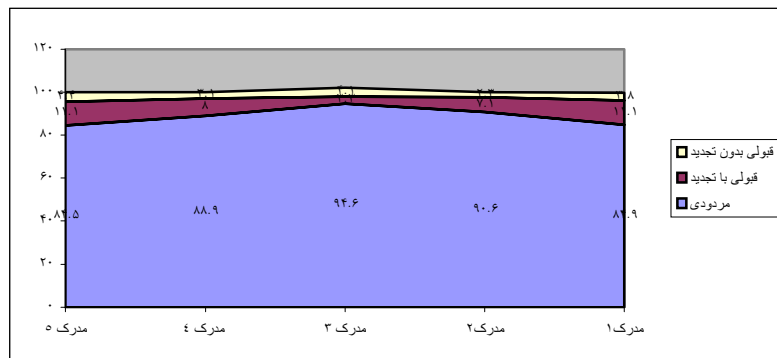
زن



مرد



مردان و زنان

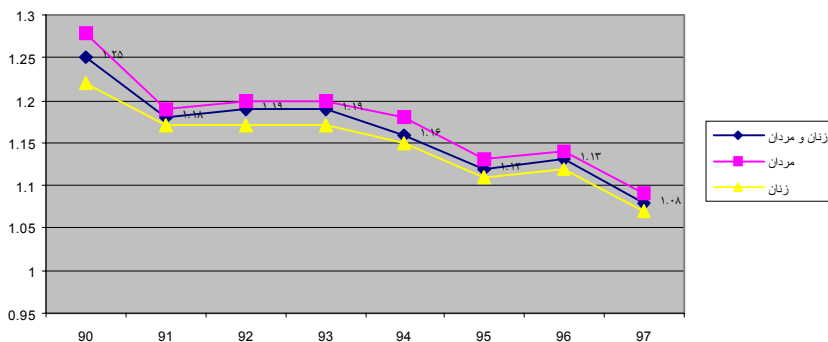




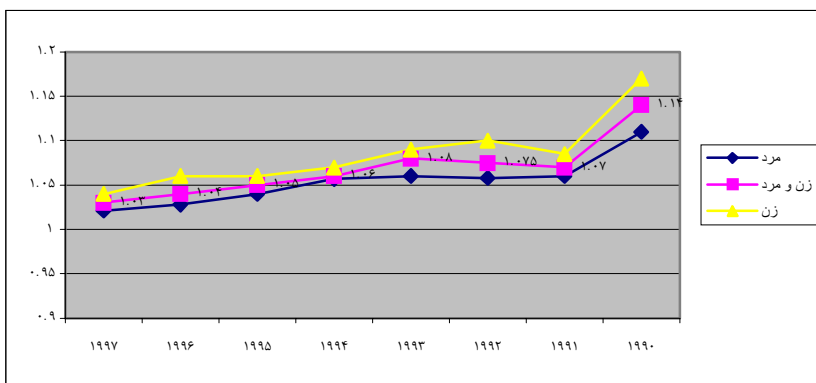
مقایسه نرخ افت تحصیلی دانش آموزان مقطع ابتدایی طی سال های ۱۹۹۰-۱۹۹۷ بر مبنای مناطق

روستایی ، شهری و کشوری

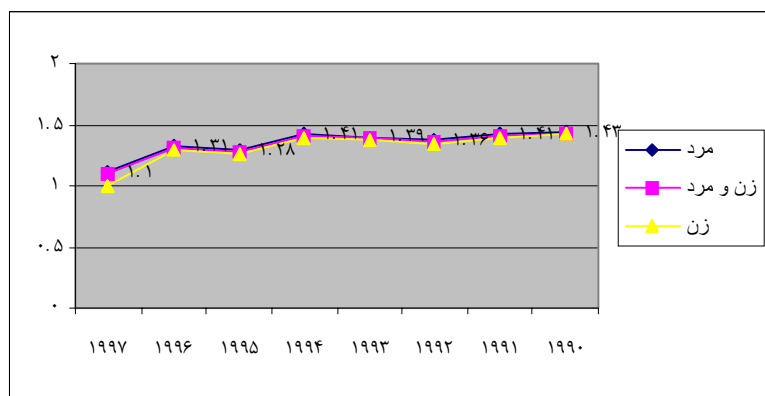
کشوری



مناطق شهری



مناطق روستایی



**نرخ ثبت نام ناخالص**

نرخ ثبت نام ناخالص (GER) دانش آموزان مقطع ابتدایی در معرض نوسانات قرار داشته است. به نحوی که این میزان طی سال ۱۹۹۰ از ۱۰/۶ درصد به ۱۳/۳ درصد در سال ۱۹۹۲ افزایش و در سال ۱۹۹۸ تا ۱۰۹/۵ درصد کاهش یافته است.

نرخ ثبت نام ناخالص (GER) دانش آموزان پسر طی سال ۱۹۹۰ از ۱۱۶/۴ درصد به ۱۱۷/۷ درصد طی سال ۱۹۹۲ و ۱۱۵/۶ درصد طی سال ۱۹۹۸ تنزل یافته است.

نرخ ثبت نام ناخالص دانش آموزان بر مبنای جنسیت (طی سالهای ۱۹۹۰-۱۹۹۸)

سال	۱۹۹۰	۱۹۹۱	۱۹۹۲	۱۹۹۳	۱۹۹۴	۱۹۹۵	۱۹۹۶	۱۹۹۷	۱۹۹۸
مختلط	۱۱۰/۶	۱۱۱/۱	۱۱۳/۳	۱۱۳	۱۱۲/۱	۱۰۸/۹	۱۵۷	۱۰۶/۹	۱۰۷/۲
پسر	۱۱۶/۴	۱۱۶	۱۱۷/۷	۱۱۷	۱۱۶/۲	۱۱۳/۲	۱۱۱/۳	۱۱۱/۱	۱۱۰/۶
دختر	۱۰۴/۴	۱۰۶/۵	۱۰۸/۷	۱۰۸/۸	۱۰۷/۷	۱۰۴/۵	۱۰۲/۵	۱۰۲/۶	۱۰۳/۸

منبع: اداره هماهنگی و ادغام طرحهای آموزشی

نرخ ثبت نام ناخالص GER دانش آموزان دختر نیز طی سالهای ۱۹۹۰ تا سال ۱۹۹۳ دستخوش تغییرات زیادی بوده است بنحویکه از ۱۰۴/۴ درصد به ۱۰۸/۸ درصد رسیده و طی سال ۱۹۹۸ تا میزان ۱۰۲/۳ درصد کاهش یافته است.

دلایل افزایش نرخ ثبت نام ناخالص (GER)

نرخ ثبت نام ناخالص (GER) از تقسیم تعداد دانش آموزان ثبت نامی در آموزش ابتدایی بخش بر کل جمعیت رده سنی ۱۰-۶ سال محاسبه می گردد.



صورت کسر مذکور از جمع دو رقم اصلی و مشخص (تعداد ورودیهای جدید پایه اول و تعداد دانش‌آموزان رده های سنی ۶ تا ۱۷ سال که در پایه‌های آموزشی ۲ تا ۵ آموزش می بینند) حاصل می‌گردد. از سال ۱۹۹۰، با کاهش تعداد گروه‌های رده سنی ۱۰-۶ سال کاهش ناچیزی در تعداد ورودیهای جدید پایه اول مشهود بوده است. و این در حالیست که تا پیش از سال ۱۹۹۰ تعداد دانش‌آموزان پایه‌های ۵-۲ تحصیلی به‌طور قابل ملاحظه ای افزایش یافته است. گفتنی است که تفاوت میان کاهش و افزایش فوق منجر به افزایش تعداد دانش‌آموزان طی سال‌های ۹۳-۱۹۹۰ در مقایسه با سال‌های پیش و همچنین منجر به افزایش صورت کسر گردیده است. اما مخرج کسر که جمعیت گروه‌های رده سنی ۱۰-۶ سال را شامل می‌گردد در مقایسه با سال‌های پیش دستخوش کاهش شده که به خودی خود به افزایش نرخ ثبت نام ناخالص (GER) که از تقسیم تعداد دانش‌آموزان پایه اول بر کل جمعیت گروه سنی ۱۰-۶ سال بدست می‌آید، منجر می‌گردد.

دلایل کاهش نرخ ثبت نام ناخالص (GER)

نرخ ثبت نام ناخالص دانش‌آموزان (GER) از سال ۱۹۹۳ با کاهش روبرو بوده است. میزان کاهش رشد جمعیت دانش‌آموزان و در نتیجه کاهش ورودیهای مقطع آموزش ابتدایی و اعمال تغییرات عمده در قوانین و روند برگزاری امتحانات به‌منظور سهولت در ارتقاء تحصیلی دانش‌آموزان پایه ابتدایی از جمله مهمترین دلایل سیر نزولی نرخ ثبت نام دانش‌آموزان به شمار میرود.

نرخ ثبت نام ناخالص دانش‌آموزان (GER) دختر و پسر از سال ۱۹۹۰ تا ۱۹۹۳ افزایش کرده و از سال ۱۹۹۳ با کاهش روبرو بوده است. طی مقایسات انجام گرفته میان نرخ ثبت نام ناخالص دانش‌آموزان پسر و دختر (GER) مشخص گردید که نرخ ثبت نام ناخالص دانش‌آموزان پسر از دختران بالاتر بوده است که از جمله مهمترین دلایل آن می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:



۱- وجود فرهنگهای رایج مختلف بویژه در مناطق روستایی در خصوص تحصیلات دختران

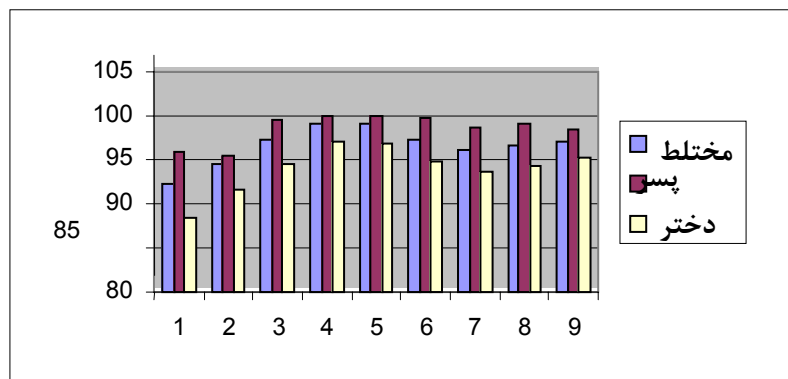
۲- همکاری و مشارکت دختران در امورخانه‌داری و بچه‌داری

۳- کمبود معلمان در مناطق روستایی و دور افتاده

۴- برپایی کلاس‌های مختلط آموزشی در روستاها و مناطق دور افتاده

۵- مشارکت دختران در فعالیتهای تولیدی خانواده نظیر قالیبافی، صنایع دستی و ...

نرخ ثبت نام ناخالص دانش آموزان دختر و پسر (GER)



طبق اطلاعات جدول فوق بالاترین نرخ در استانهای کرمان، لرستان، چهارمحال و بختیاری، اردبیل، گیلان، هرمزگان و مرکزی و پایین‌ترین نرخ در استانهای سیستان و بلوچستان، آذربایجان غربی، یزد، خراسان و کردستان به چشم می‌خورد. طبق جدول فوق پایین‌ترین نرخ GER به استان سیستان و بلوچستان تعلق دارد.

از جمله مهمترین دلایل نرخ بالای GER در چندین استان می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:

۱. مختلط بودن مراکز آموزشی استانی

۲. اجرا و کاربرد متدهای تکراری در مراکز آموزشی استانی

۳. تأخیر در ثبت نام و ثبت نام مجدد جمعیت گروه سنی ۱۰-۶ سال



۴. کاهش جمعیت کودکان رده های سنی ۱۰-۶ سال
- از جمله مهمترین دلایل نرخ پایین GER در چندین استان کشور می توان به موارد ذیل اشاره نمود:
 ۱. تعداد کم معلمان زن در برخی نواحی کشور، بویژه مناطق روستایی
 ۲. تشکیل کلاس های آموزشی مختلط در برخی نواحی کشور
 ۳. ایجاد و رونق حرفه های کاذب
 ۴. مشکلات فرزندان در فعالیتهای تولیدی
 ۵. برخلاف تلاشهای زیادی که جهت افزایش GER در این استانها شده است، اعداد و ارقام در مقایسه با دیگر استانها پایین است.
 ۶. اتخاذ روشهای تکراری، ثبت نام بموقع ورودیه های جدید و تعداد کم دانش آموزان رده های سنی ۶ تا ۱۰ سال
- کلیه عوامل فوق سبب گردیده تا تعداد دانش آموزان مقطع آموزش ابتدایی در مقایسه با جمعیت کلی گروه های سنی ۱۰-۶ سال از کاهش چشمگیری برخوردار باشد.

نرخ ثبت نام خالص (NER)

طی دهه ۹۹-۱۹۹۰ نرخ ثبت نام خالص (NER) از افزایش برخوردار بوده است. به نحوی که طی سال ۱۹۹۰ از ۲/۹۲ درصد به ۹۷ درصد طی سال ۱۹۹۸ افزایش یافت. در همان اثناء نرخ ثبت نام خالص دانش آموزان دختر (NER) نیز نشانگر تغییرات مشابهی بوده و از افزایش ۴/۸۸ درصد به ۳/۹۵ درصدی برخوردار بود. روند مشابهی نیز در خصوص دانش آموزان پسر مشهود می باشد به نحویکه طی سال ۱۹۹۰ از ۹۵/۹ درصد به ۵/۹۸ درصدی طی سال ۱۹۹۸ برخوردار بوده است.



نرخ خالص ثبت نام درمقطع آموزش ابتدایی بر مبنای جنسیت (طی سالهای ۹۸-۹۰)

سال	۱۹۹۰	۱۹۹۱	۱۹۹۲	۱۹۹۳	۱۹۹۴	۱۹۹۵	۱۹۹۶	۱۹۹۷	۱۹۹۸
مختلط	۹۲/۲	۹۴/۶	۹۷/۲	۹۹/۲	۹۹/۲	۹۷/۳	۹۶/۲	۹۶/۷	۹۷
پسر	۹۵/۹	۹۵/۵	۹۹/۶	۱۰۰	۱۰۰	۹۹/۷	۹۸/۶	۹۹	۹۸/۵
دختر	۸۸/۴	۹۱/۶	۹۴/۶	۹۷	۹۶/۹	۹۴/۸	۹۳/۷	۹۴/۳	۹۵/۳

منبع: اداره آموزش هماهنگی و ادغام طرحهای آموزشی

اهداف مقطع آموزش راهنمایی

از جمله مهمترین اهداف مقطع آموزش راهنمایی می توان به موارد ذیل اشاره نمود:

- ۱- افزایش توانائیهای اخلاقی و ذهنی دانش آموزان
- ۲- افزایش تجربیات و دانش عمومی دانش آموزان
- ۳- شناسایی استعدادهای فردی و جهت دهی به چنین استعدادهایی از طریق تشویق جوانان به حضور در مراکز آموزش متوسطه

برنامه های آموزشی

از جمله مهمترین برنامه های آموزشی مقطع آموزش راهنمایی می توان به موارد ذیل اشاره نمود:

- زبان و ادبیات فارسی، ریاضیات، زیست شناسی، تعلیمات دینی
تاریخ، جغرافیا، زبان عربی، علوم اجتماعی، علوم هنری
شناخت حرفه و فن، زبان خارجی، آمادگی دفاعی، علوم قرآنی

مقطع تکمیلی متوسطه

آندسته از دانش آموزانی که درمقطع مقدماتی متوسطه به کسب مدرک علمی پایان دوره نائل آمده اند با گذراندن دوره آموزشی ۳ ساله موفق به اخذ دیپلم متوسطه گردیده و در صورت تمایل با گذراندن دوره ۱ساله پیش دانشگاهی از امکان حضور در آزمون کنکور ورودی دانشگاهها برخوردار می گردند .



علاوه بر این دوره ۵ ساله فنی- حرفه ای نیز جهت تربیت تکنسین در رشته های مربوطه پس از گذراندن دوره مقدماتی متوسطه به علاقه مندان ارائه می گردد.

اهداف مقطع تکمیلی متوسطه

از جمله مهمترین اهداف مقطع تکمیلی متوسطه می توان به موارد ذیل اشاره نمود:

شاخه نظری : ارتقاء دانش عمومی و فرهنگی، شناسایی شایستگی های دانش آموزان و هدایت آنان به رشته تحصیلی مورد علاقه در مراکز آموزش متوسطه و آمادگی آنان جهت ورود به دانشگاه ها و مراکز آموزش عالی

شاخه فنی و حرفه ای : هدایت دانش آموزان به رشته های تحصیلی مربوطه اعم از (صنایع ، خدمات، کشاورزی و....)

شاخه کار و دانش : تربیت کادر ماهر و نیمه ماهر (استاد کار) ، سرپرست ، سر کارگرو ...

مقطع آموزش پیش دانشگاهی

مقطع آموزش پیش دانشگاهی جهت آمادگی دانش آموزان در ورود به دانشگاه ها و مراکز آموزش عالی طراحی گردیده است.

برنامه های آموزشی

از جمله مهمترین برنامه های آموزشی مقطع مذکور می توان به ۶۳ واحد مشترک آموزشی در کلیه مدارس ، ۳۶ واحد ویژه کلیه رشته ها (ریاضی- فیزیک ، ادبیات و علوم انسانی)، ۳۶ واحد ویژه فنی-



حرفه ای ، ۳۲ واحد فنی کار- دانش جهت کسب درجهٔ دوم و ۴۸ واحد جهت کسب درجهٔ اول ، ۳۲ واحد
پیش دانشگاهی شامل نیازهای دروس دانشگاهی و زبانهای خارجی (انگلیسی ، فرانسه ، آلمانی)

نظام آموزش عالی

تاریخچه تحولات آموزش عالی

آموزش عالی در فرهنگ و تمدن پویای ایرانی و اسلامی از قدمت و غنای شایسته ای برخوردار
بوده است . با آغاز عصر رنسانس و پیشرفتهای علمی و صنعتی در کشورهای غربی، در کشور ایران نیز
عناصری از آموزش عالی مبتنی بر الگوی اروپای غربی ایجاد گردید. نخستین بار امیرکبیر علاوه بر اعزام
دانشجو به خارج، با تأسیس دارالفنون در سال ۱۲۲۸ هجری شمسی، از اساتید خارجی جهت تدریس در
دانشکده های تخصصی فنی دارالفنون دعوت به عمل آورد. در همان اثنا دانشگاه تهران و تعدادی از
دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی شکل گرفتند. با تصویب قانون اجازه تأسیس دانشگاه در تهران طی
سال ۱۳۱۳ هجری شمسی، دانشگاه تهران به عنوان مرکز ثقل آموزش عالی ایران شناخته شد.

با تأسیس وزارت علوم و آموزش عالی در بهمن ۱۳۴۶ و تشکیل " شورای مرکزی آموزش" در
سال ۱۳۴۸ ، نخستین گام در جهت تمرکز، تجدید سازمان و اعمال نظارت مرکزی بر دانشگاهها و
مؤسسات آموزش عالی کشور برداشته شد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی در اردیبهشت ۱۳۵۹ لایحه
قانونی تشکیل شورای عالی فرهنگ و آموزش عالی به تصویب شورای انقلاب رسیده و به دنبال آن به
منظور ایجاد تحولی اساسی در دانشگاهها، به درخواست دانشجویان مسلمان و انقلابی ستادی با عنوان
ستاد انقلاب فرهنگی با فرمان حضرت امام خمینی (ره) تشکیل شد. گفتنی است که ستاد مذکور عهده دار
بزرگترین نقش در حوزه سیاستگذاری فرهنگی و آموزشی کشور گردید.



در مرداد ماه ۱۳۶۴ با تصویب قانون "تشکیل وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی"، کلیه اختیارات، وظایف و مسؤولیتهای وزارت فرهنگ و آموزش عالی در آموزش پزشکی به وزارتخانه جدید تفویض گردید. در سال ۱۳۷۹، وزارت فرهنگ و آموزش عالی به منظور انسجام بخشیدن به امور اجرایی و سیاستگذاری نظام علمی کشور به وزارت علوم، تحقیقات و فناوری تغییر نام داده و وظایف برنامه ریزی، حمایت و پشتیبانی، ارزیابی و نظارت، بررسی و تدوین سیاستها و اولویتهای راهبردی در حوزه های تحقیقات و فناوری نیز به وظایف آن افزوده گردید.

ارکان نظام آموزش عالی

از جمله مهمترین نهادهای مرکزی نظام آموزش عالی ایران می توان به موارد ذیل اشاره نمود:

۱- شورای عالی انقلاب فرهنگی

اهم وظایف شورای عالی انقلاب فرهنگی به عنوان بالاترین مرجع سیاستگذاری و برنامه ریزی آموزش عالی کشور به شرح ذیل است:

۱. گسترش و نفوذ فرهنگ اسلامی در شؤون جامعه و تقویت انقلاب فرهنگی و اعتلای فرهنگ

عمومی

۲. تحول دانشگاهها و مدارس، مراکز فرهنگی و هنری براساس فرهنگ صحیح اسلامی و گسترش

و تقویت کارشناسان متعهد و نیروهای فعال ماهر، اساتید، مربیان و معلمین معتقد به اسلام و

استقلال کشور

۳. تعمیم سواد و استفاده از دستاوردها و تجارب مفید دانش بشری جهت نیل به استقلال علمی

وفرهنگی کشور

۴. حفظ، احیا و معرفی آثار اسلامی و ملی



۲- وزارت فرهنگ و آموزش عالی (علوم، تحقیقات و فناوری)

وزارت فرهنگ و آموزش عالی طی سال ۱۳۵۷ با ادغام وزارت علوم و آموزش عالی و وزارت فرهنگ و هنر تشکیل یافت. از جمله مهمترین وظایف وزارت فرهنگ و آموزش عالی مطابق قانون اصلاح قانون تأسیس وزارت علوم و آموزش عالی مصوب ۱۳۵۳ می توان به موارد ذیل اشاره نمود:

الف- بررسی و ارائه اهداف اساسی، خط مشی و برنامه ریزی کلیه سطوح آموزشی و پژوهشهای علمی و برقراری هماهنگی میان برنامه های مذکور

ب - تعیین اصول کلی برنامه های آموزشی و پژوهشی دانشگاه های کشور

ج - تعیین ضوابط اساسی آموزشی و پژوهشی دانشگاهها، مؤسسات آموزش عالی و مؤسسات پژوهشی

د - هماهنگی نمودن ضوابط سازمانی دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی، مؤسسات پژوهشی و ضوابط و اصول کلی مقررات استخدامی اعضای هیأت علمی و سایر کادر دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی کشور پس از تأیید سازمان امور اداری و استخدامی کشور (با توجه به نیازها و مقتضیات خاص هر یک از سازمانهای مربوطه)

هـ- هماهنگ نمودن ضوابط و اصول کلی مقررات مالی و معاملاتی دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی و مؤسسات پژوهشی با همکاری وزارت امور اقتصادی و دارایی و سازمان برنامه و بودجه، در جهت تسهیل فعالیت سازمانهای مذکور

و - برنامه ریزی جامع توسعه آموزش عالی و پژوهشهای علمی به منظور تربیت نیروی انسانی کاردان و متخصص مورد نیاز کشور

ز - تعیین خط مشی کلی در خصوص اعزام دانشجو به خارج و نظارت و سرپرستی بر امور اعزام و تحصیل، بازگشت و به کارگماری دانشجویان مذکور



ح - اتخاذ تدابیر لازم جهت ترویج علوم، هدایت و ارشاد فعالیتهای پژوهشی، حمایت از محققین کشور

و ایجاد تسهیلات لازم جهت انجام فعالیتهای پژوهشی

ط - نظارت بر امور دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی و مؤسسات پژوهشی و ارزشیابی آنها

ی - تعیین ضوابط مربوط به تشخیص ارزش علمی گواهینامه های آموزش عالی، پژوهشهای علمی

دانشگاهها و مؤسسات علمی خارجی و تعیین ارزش مدارک مذکور

ک - فراهم آوردن موجبات تربیت دبیران و کارشناسان آموزشی مورد نیاز مؤسسات آموزش عمومی

ل - صدور مجوز تأسیس، تجهیز و توسعه هرگونه واحد آموزش عالی و یا مؤسسه پژوهشی و

جلوگیری از ادامه فعالیت و یا انحلال هر یک از آنها طبق تصویب شورای گسترش آموزش عالی

م - همکاری با سازمان برنامه و بودجه در جهت بررسی صورت اعتبارات جاری و عمرانی مورد نیاز

دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی

ن - اداره امور نمایندگی ثابت ایران در سازمان یونسکو و امور بورسهای تحصیلی اعطایی از سوی

سازمان امور اداری و استخدامی کشور به دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی و مؤسسات

پژوهشی کشور و توسعه و نظارت در روابط علمی بین المللی در سطح آموزش عالی و پژوهشهای

علمی

دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی

دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی کشور تحت نظارت هیأت امنای دانشگاهها و

مؤسسات آموزش عالی اداره می گردد. مطابق قانون مصوب ۱۳۶۷ شورای عالی انقلاب فرهنگی و هیأت

امنای دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی با ساختاری به شرح ذیل تشکیل می گردند:

الف - وزیر

ب - رئیس دانشگاه



ج - ۴ الی ۶ تن از شخصیت‌های علمی، فرهنگی، اجتماعی، محلی و کشوری که از نقش مؤثرتری در توسعه و پیشرفت دانشگاه مربوطه برخوردار باشند. (این اعضا به پیشنهاد وزیر و تصمیم گیری شورای عالی انقلاب فرهنگی و با حکم رئیس جمهور تعیین می گردند.)

د - نماینده یا رئیس سازمان برنامه و بودجه

گفتنی است که ریاست هیأت امنای دانشگاه برحسب مورد بر عهده وزیر فرهنگ و آموزش عالی یا وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و دبیری هیأت امنای نیز بر عهده رئیس دانشگاه می باشد. از جمله مهمترین وظایف و اختیارات هیأت امنای که به موجب قانون مذکور تعیین گردیده است می توان به موارد ذیل اشاره نمود:

الف - تصویب آیین نامه های داخلی

ب - تصویب قوانین سازمانی و تشکیلاتی دانشگاه ها و نحوه اداره دانشگاه ها و واحدهای تابعه
ج - بررسی و تصویب بودجه دانشگاه ها که از سوی رئیس دانشگاه پیشنهاد می گردد.

جریان‌ات متنوع در آموزش عالی

آموزش عالی در ایران عمدتاً بر آموزش‌های دانشگاهی منتهی به مدارک کاردانی، کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری مشتمل می گردد.

از جمله مهمترین مراکز آموزشی فعال در نظام آموزش عالی ایران میتوان به موارد ذیل اشاره نمود:



مراکز دولتی

در کشور ایران مسوولیت تأمین نیروی انسانی آموزش دیده و متخصص به وزارت علوم، تحقیقات و فناوری تفویض گردیده است، اما در عین حال سایر وزارتخانه ها و دستگاههای اجرایی نیز به نحوی در تربیت نیروی انسانی متخصص مشارکت دارند. با واگذاری آموزشهای پزشکی به وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی در مردادماه سال ۱۳۶۴، کلیه اختیارات، وظایف و مسؤولیتهای وزارت فرهنگ و آموزش عالی در آموزش پزشکی به وزارتخانه جدید انتقال یافت. هدف از این اقدام استفاده آسان تر و مؤثرتر از امکانات و بیمارستانهای تحت پوشش وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی به منظور اجرای برنامه‌های گسترش آموزش پزشکی در سطح کشور بود.

در حال حاضر علاوه بر دانشگاهها و مراکز آموزش عالی وابسته به وزارتخانه های علوم، تحقیقات و فناوری و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، مراکز دیگری نیز با کسب مجوز از وزارت علوم، تحقیقات و فناوری به پذیرش دانشجو مبادرت می نمایند که از جمله این مراکز می توان به آموزشکده های فنی و مراکز تربیت معلم وابسته به وزارت آموزش و پرورش و مؤسسات آموزش عالی وابسته به سایر وزارتخانه ها نظیر وزارت امور خارجه، پست و تلگراف، راه و ترابری و اشاره نمود. روند تحصیلی دانشجویان در دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی به این ترتیب است که آنها جهت تحصیل در یک رشته تحصیلی، در یکی از مراکز آموزش عالی (دانشگاه، دانشکده و آموزشکده فنی) پذیرفته شده، دروس و واحدهای تحصیلی را در مدت زمان معینی به اتمام رسانده و به اخذ یکی از مدارک رسمی کاردانی، کارشناسی، کارشناسی ارشد، دکتری حرفه ای و دکتری تخصصی نائل می آیند. هم اکنون تعداد ۵۴ دانشگاه و مؤسسه آموزش عالی تحت پوشش وزارت علوم، تحقیقات و فناوری فعالیت می نمایند. گفتنی است که وظیفه سیاستگذاری، برنامه ریزی، هدایت تحصیلی، نظارت و ارزیابی، اعطای مجوز تأسیس، توسعه دانشگاه، دوره و رشته و گزینش دانشجو و ... در مراکز آموزش عالی کشور بر عهده این وزارتخانه می باشد. علاوه بر دانشگاهها و



مؤسسات آموزش عالی مذکور طی سال ۱۳۷۱ دانشگاهی تحت عنوان، دانشگاه جامع علمی - کاربردی به منظور تقویت آموزشهای فنی و حرفه ای و تربیت نیروی انسانی ماهر مورد نیاز بخشهای صنایع، معادن، کشاورزی و خدمات تأسیس گردید. این آموزشها که عمدتاً بر دوره های کاردانی و کارشناسی مشتمل می گردد، با همکاری دستگاههای اجرایی، سازمان ها و وزارتخانه های به کارگیرنده دانشجویان مربوطه اجرا میگردد.

مراکز غیردولتی

به منظور افزایش مشارکت عمومی در ارائه خدمات آموزش عالی و کاهش بار مالی دولت در این زمینه و به دلیل افزایش روز افزون تقاضای اجتماعی جهت ورود به مراکز آموزش عالی در ایران، دانشگاهها و مؤسساتی در بخش غیردولتی ایجاد گردیده که از آن جمله می توان به دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی به شرح ذیل اشاره نمود:

دانشگاه آزاد اسلامی

نخستین دانشگاه غیردولتی کشور پس از انقلاب اسلامی طی سال ۱۳۶۱ تحت عنوان دانشگاه آزاد اسلامی تشکیل یافت. دانشگاه آزاد اسلامی در طول سالهای آغازین فعالیت خود با استفاده از فضاهای آموزشی، ساختمانها، تجهیزات و کارگاههایی که از سوی مسؤولین مناطق و افراد خیر در اختیار آنها قرار می گرفت، گسترش یافت. گفتنی است که دانشگاه مذکور، در حال حاضر در بیش از ۱۱۰ شهر کشور فعالیت دارد.



مؤسسات آموزش عالی غیردولتی (غیرانتفاعی)

تجربه راه اندازی دانشگاه آزاد اسلامی، تقاضای روزافزون جوانان جهت ورود به مراکز آموزش عالی و علاقه مندی بخش غیردولتی به مشارکت در آموزش عالی کشور موجب گردید که در سال ۱۳۶۴ شورای عالی انقلاب فرهنگی به تصویب آیین نامه تأسیس دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی غیردولتی و غیرانتفاعی مبادرت نماید. آیین نامه مذکور که به منظور بسیج کلیه امکانات کشور در امر گسترش آموزش عالی مورد تصویب شورای عالی انقلاب فرهنگی قرار گرفت در جهت پیگیری اهداف ذیل به تصویب رسید:

- ارتقاء سطح دانش و فرهنگ جامعه
- تأمین نیروی انسانی متخصص مورد نیاز کشور
- گسترش آموزش عالی در کشور در جهت پاسخگویی به نیازمندیهای جامعه
- بهره گیری از کلیه مدرسین و اساتید کشور در حوزه آموزش عالی
- ایجاد زمینه های مناسب جهت فعالیت همه جانبه مردم جهت گسترش و اعتلای دانش و پژوهش در کشور

لازم به ذکر است که در حال حاضر ۳۲ مؤسسه آموزش عالی غیردولتی (غیرانتفاعی) با برخورداری از تعداد ۱۶۰۹۱ دانشجو در کشور فعالیت دارند.

آموزش از راه دور

دانشگاه پیام نور با برخورداری از ساختار ویژه و متفاوت با نظام آموزشی سایر دانشگاههای کشور و به منظور ارتقاء سطح علمی و فرهنگی جامعه، گسترش آموزش عالی در اقصی نقاط کشور و راهیابی تعداد بیشتری از داوطلبان مستعد به مراکز آموزش عالی، فراهم آوردن امکان ادامه تحصیل برای داوطلبین شاغل یا خانه دار، تأمین بخشی از نیروهای تخصصی جامعه و استفاده مؤثر از نیروها و امکانات علمی



کشور در سال ۱۳۶۶ تأسیس یافت. گفتنی است که برنامه های دانشگاه مذکور جهت برقراری هماهنگی میان آموزش و تحولات سریع اجتماعی طراحی می گردد. طی سالهای اخیر دانشگاه مذکور به ارائه فرصتهای مناسب تحصیلی به شیفتگان و علاقه مندان تحصیلات عالی ارائه مبادرت نموده و تا حدودی پاسخگوی تقاضای آنان جهت ورود به دانشگاه بوده است. شیوه آموزشی این دانشگاه به صورت " آموزش از راه دور " بوده و برنامه های آموزشی به صورتی خاص برای این دانشگاه تنظیم و تدوین می گردد.

در این شیوه آموزشی از ابزار آموزشی نظیر متون درسی خود آموز، نوارهای ویدئویی، کتابهای آموزشی و آزمایشگاهی، روشهای آموزشی مکاتبه ای و تشکیل کلاسهای رفع اشکال حضوری بهره گیری می شود. از سال تحصیلی ۷۸-۱۳۷۷، دانشگاه پیام نور به گزینش دانشجو از طریق برگزاری آزمون سراسری در رشته تحصیلی درمقاطع آموزشی کارشناسی و کاردانی مبادرت نموده است. گفتنی است که این دانشگاه از ۱۴۷ مرکز در سطح کشور برخوردار می باشد. تعداد دانشجویان این دانشگاه طی سال تحصیلی ۷۷-۷۸ بر ۱۴۶۹۹۰ نفر بالغ گردیده که ۷۶۴۳۷ نفر (۵۲ درصد) آن به دانشجویان زن و تعداد ۷۰۵۵۳ نفر (۴۸ درصد) به دانشجویان مرد تعلق دارد.

تعداد کل پذیرفته شدگان دانشگاه مذکور طی سال تحصیلی ۷۸-۷۷ در ۳ گروه علوم انسانی، علوم پایه و فنی و مهندسی بر ۳۳۴۱۸ نفر بالغ گردید که از این تعداد ۱۹۴۴۴ نفر به دانشجویان زن تعلق دارد. دانش آموختگان این دانشگاه طی سال تحصیلی ۷۷-۱۳۷۶ بر ۱۱۷۰۰ نفر بالغ گردید که ۵۱۷۱ نفر از آن به دانشجویان زن تعلق دارد. از جمله مهمترین رشته های آموزشی دانشگاه پیام نور می توان به آمار، ریاضی، شیمی، فیزیک، کامپیوتر، مدیریت بازرگانی، حسابداری، زبان، کتابداری، شیمی، زیست شناسی، زمین شناسی، ادبیات فارسی، روانشناسی، علوم اجتماعی، علوم تربیتی، جغرافیا و الهیات اشاره نمود.



گزینش دانشجو

گزینش دانشجو در مراکز دولتی

به دلیل انبوه متقاضیان ورود به دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی دولتی و به منظور برقراری عدالت اجتماعی و گزینش شایسته ترین افراد و نیز تخصیص امکانات آموزش عالی به افراد مستعد، گزینش دانشجو در مقاطع آموزشی کارشناسی و کارشناسی ارشد به صورت متمرکز صورت می گیرد.

این درحالیست که درمقطع آموزشی دکتری به دلیل لزوم ایجاد تناسب میان علایق دانشجویان درگرایشات تحصیلی و امکانات دانشگاه و محدودیت تعداد داوطلبین و نیز اهمیت گزینش دانشجو از سوی دانشگاههای مجری، گزینش دانشجو به صورت غیرمتمرکز صورت می گیرد. درروش متمرکز، داوطلبین براساس نمرات و ظرفیتهای اختصاصی رشته های آموزشی مورد پذیرش واقع می گردند.

در روش نیمه متمرکز ، ملاک پذیرش علاوه بر نمرات دانشجویان و ظرفیتهای اختصاصی به رشته های تحصیلی، احراز شرایط دیگر نظیر سلامت جسمانی، تواناییها و صلاحیتهای ویژه ای است که از طریق معاینه، مصاحبه، آزمون عملی CFQO مورد بررسی و سنجش قرار می گیرد. براساس ضوابط آزمون سراسری دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی، داوطلبین ملزم به استفاده از سهمیه های منطقه ای (سهمیه مناطق ۳ گانه، سهمیه جانباران، سهمیه شاهد، رزمندگان، آزادگان) می باشند. گفتنی است که استفاده کنندگان سهمیه ها مطابق ضوابط و مقررات متعهد خدمت خواهند بود. مدت تعهد، شرایط و ضوابط هر سهمیه از سوی سازمان سنجش یا وزارتخانه مربوطه از طریق دفترچه های راهنمای انتخاب رشته های تحصیلی دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی به استحضار داوطلبین می رسد. جهت ورود به مقطع آموزش کارشناسی ارشد ، دانشجویان سال آخر مقطع آموزش کارشناسی و دارندگان مدرک کارشناسی از مجوز حضوردرآزمون کارشناسی ارشد باتوجه به تناسب رشته خود برخوردار می



گردند. گفتنی است که آزمون دوره دکتری تخصصی نیز به صورت غیرمتمرکز، توسط دانشگاههایی که به اخذ مجوز دوره دکتری از شورای گسترش آموزش عالی نائل آمده اند، برگزار می گردد. در آزمون مقطع آموزشی مذکور، دانشجویان سال آخر مقطع کارشناسی ارشد و دارندگان مدرک دکتری حرفه ای و کارشناسی ارشد با توجه به تناسب رشته تحصیلی قبلی خود از مجوز حضور در رشته مورد نظر خود در این آزمون برخوردار می گردند. گفتنی است که این آزمون مشتمل بر آزمونهای کتبی، شفاهی و مصاحبه علمی می باشد.

گزینش دانشجو در مراکز غیردولتی

نظام آموزشی در دانشگاه آزاد اسلامی به دو صورت پاره وقت و تمام وقت اجرا می گردد. نظام آموزشی تمام وقت همانند نظام آموزشی دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی دولتی به مورد اجرا گذارده می شود. نظام آموزش پاره وقت نیز در جهت پاسخگویی به نیاز آن دسته از متقاضیانی که به دلایل گوناگون از تحصیل در دوره های آموزشی تمام وقت دانشگاه ها محروم می باشند، در قالب مقاطع آموزشی کاردانی و کارشناسی اجرا می گردد. طول مدت تحصیل در نظام آموزش پاره وقت، بیش از نظام آموزش تمام وقت است. به دانش آموختگان این دوره نیز همانند نظام آموزشی تمام وقت، مدرک تحصیلی مربوطه اعطا می گردد. لازم به ذکر است که دانشگاه آزاد اسلامی به برگزاری آزمون ورودی خود در قالب ۳ آزمون جداگانه (آزمون رشته های پزشکی، آزمون رشته های غیرپزشکی و آزمون رشته های نظام پاره وقت) مبادرت می نماید.

دوره های آموزشی

منظور از دوره تحصیلی در نظام آموزش عالی مجموعه دروسی است که در چارچوب نظام خاصی برای هر رشته تحصیلی ارائه گردیده و به اعطای مدارک دانشگاهی منتهی می گردد. از جمله اصلی ترین



دوره‌های تحصیلی در آموزش عالی کشور ایران می‌توان به دوره‌های آموزشی کاردانی، کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری حرفه‌ای و تخصصی اشاره نمود.

دوره کاردانی: تعداد واحدهای دوره کاردانی بر ۶۸ تا ۷۲ واحد درسی بالغ گردیده، تحصیل در این دوره معمولاً ۲ سال به طول انجامیده و به دانش‌آموختگان این دوره مدرک کاردانی اعطا می‌گردد.

دوره کارشناسی: تعداد واحدهای دوره کارشناسی بر ۱۳۰ تا ۱۴۵ واحد درسی بالغ گردیده، تحصیل در این دوره معمولاً ۴ سال به طول انجامیده و به دانش‌آموختگان این دوره مدرک کارشناسی اعطاء می‌گردد.

دوره کارشناسی ارشد: تعداد واحدهای کارشناسی ناپیوسته بر ۲۸ تا ۳۲ واحد و کارشناسی ارشد پیوسته بر ۱۷۲ تا ۱۸۲ واحد درسی بالغ می‌گردد. تحصیل در دوره کارشناسی ارشد پیوسته ۶ سال و در دوره کارشناسی ارشد ناپیوسته ۲ سال به طول انجامیده و به دانش‌آموختگان آن مدرک کارشناسی ارشد اعطا می‌گردد.

دوره دکتری: تعداد واحدهای دوره دکتری نیز بر ۴۲ تا ۵۰ واحد درسی مشتمل بر واحدهای آموزشی و پژوهشی بالغ می‌گردد. آموزش دوره دکتری ۴/۵ سال به طول انجامیده و به دانش‌آموختگان آن مدرک دکتری (PH.D) اعطاء می‌گردد. از جمله مهمترین شرایط ورود به دوره‌های کاردانی، کارشناسی (پیوسته و ناپیوسته)، کارشناسی ارشد پیوسته و دوره‌های دکتری عمومی (پزشکی، داروسازی، داندانپزشکی و دامپزشکی) می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:



۱- برخورداری از گواهینامه پایان دوره متوسطه (از داخل یا خارج از کشور) مورد تأیید وزارت آموزش و پرورش و یا برخورداری از گواهینامه دوره کاردانی جهت ورود به دوره کارشناسی ناپیوسته که برحسب مورد به تأیید وزارت علوم، تحقیقات و فناوری یا وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی رسیده باشد.

۲- قبولی در آزمون ورودی

۳- سپارش تعهد خدمتی براساس ضوابط و قانون آموزش رایگان یا پرداخت شهریه مطابق تعرفه و مقررات مراجع ذی ربط

برنامه ریزی آموزشی

مسئولیت برنامه ریزی در نظام آموزش عالی کشور ایران برعهده شورای عالی برنامه ریزی است. گفتنی است که شورای مذکور درامر برنامه ریزی، تدوین و تصویب آیین نامه ها و مقررات آموزشی دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی انجام وظیفه می نماید. شورای مذکور از ۹ گروه برنامه ریزی، ۶۸ کمیته تخصصی، ۳ کمیسیون دائمی و بالغ بر ۴۷۰ عضو دائمی برخوردار می باشد. لازم به ذکر است که گروهها و کمیته های تخصصی عموماً از اعضای هیأت علمی دانشگاهها و صاحب نظران مسائل آموزش عالی و برنامه ریزی متشکل می گردد. نظام آموزشی دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی کشور بر نظام واحدی استوار است که حجم دروس آموزشی با تعداد واحدهای آن درس سنجیده شده و قبولی یا مردودی دانشجویان دریک واحد درسی به همان واحد محدود می گردد. دارندگان مدرک دیپلم متوسطه پس از گذراندن دوره پیش دانشگاهی و توفیق در آن از مجوز ورود به دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی برخوردار می گردند دروس رشته های تحصیلی در دوره کارشناسی از لحاظ محتوا بر ۴ دسته دروس عمومی، پایه، اصلی و تخصصی تقسیم می گردد. گفتنی است که دروس عمومی به منظور



توسعه اطلاعات و معلومات عمومی، دروس پایه به منظور تقویت بنیه علمی و ایجاد پیش زمینه مناسب برای دروس اصلی و تخصصی، دروس اصلی به عنوان اساس و مبنای دروس تخصصی و دروس تخصصی در جهت ارتقاء کارایی علمی و عملی دانشجویان ارائه می گردد. دروس دانشگاهی عمدتاً به صورت الزامی و تعدادی به صورت اختیاری ارائه می گردد که شامل دروس مستقل و پیوسته است. دروس مستقل، دروسی می باشند که انتخاب آنها منوط به گذراندن درس یا دروس قبلی یا پیش نیاز است. از لحاظ نحوه آموزش، دروس دانشگاهی به دروس نظری و عملی تقسیم می گردد. دروس نظری حاوی مجموعه ای از دانشهاست که به صورت خطابه، کنفرانس، سمینار و بحث و گفتگو به دانشجویان ارائه شده و دروس عملی نیز مجموعه مهارتهایی است که انتقال آن به دانشجویان طی عملیات کارگاهی، بیمارستانی، آزمایشگاهی و صحرایی صورت می گیرد. در سال ۱۳۷۹ به منظور توسعه مشارکت دانشگاهها در مدیریت آموزش عالی، تمرکززدایی و ارتقاء کیفیت آموزش عالی، اختیارات مربوط به برنامه ریزی آموزشی به دانشگاههای کشور واگذار گردید تا از این طریق، انطباق پذیری هرچه بیشتر برنامه ریزی درسی با نیازهای جامعه و روز آمدن برنامه ها با توجه به تحولات دانش بشری در دانشگاهها حاصل گردد.

هیأت علمی مراکز آموزش عالی

آندسته از افرادی که از مدرک دکتری تخصصی (PH.D) برخوردار باشند، صرف نظر از جنسیت و مذهب (مسلمان، مسیحی، کلیمی و زرتشتی) از مجوز استخدام در دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی برخوردار می گردند. اعضای هیأت علمی آموزشی، مسؤولیت ارائه آموزشهای نظری، عملی، پژوهشی و راهنمایی دانشجویان را بر عهده دارند. از جمله مهمترین وظایف اعضای هیأت علمی دانشگاه ها می توان به تدریس، پاسخگویی به سؤالات درسی، رسیدگی به پایان نامه های تحصیلی، مشاوره و راهنمایی تحصیلی دانشجویان، حضور در جلسات رسمی دانشگاه ها، اجرای طرحهای تحقیقاتی و انجام وظایف



اجرائی اشاره نمود. مبادرت به ۲۴ تا ۳۶ ساعت فعالیتهای تحقیقاتی و حداکثر ۴ ساعت فعالیت آموزشی برای اعضای هیأت علمی که به فعالیت در مؤسسات پژوهشی مبادرت می نمایند، الزامی است.

از جمله مهمترین وظایف اعضای هیأت علمی - پژوهشی دانشگاه ها می توان به موارد ذیل اشاره نمود:

الف - اجرای پروژه های تحقیقاتی مصوب شورای پژوهش

ب - تدریس در دانشگاهها و مؤسسات وابسته به وزارت فرهنگ و آموزش عالی

ج - ارائه خدمات علمی - آزمایشگاهی به مؤسسات آموزشی

د- ارائه خدمات کارشناسی و مشاوره علمی

ه- حضور در سمینارها، کنفرانسها و مجامع علمی - تخصصی

و - حضور در شوراهای مؤسسات آموزشی

به منظور جذب اعضای هیأت علمی دانشگاهها در مراکز آموزش عالی و ارتقاء سطح علمی آنها

قوانین و آیین نامه هایی به تصویب رسیده است که از آن جمله می توان به موارد ذیل اشاره نمود:

۱- دانش آموختگان مقاطع آموزشی کارشناسی ارشد و دکتری که به عضویت هیأت علمی

دانشگاههای وابسته به وزارت فرهنگ و آموزش عالی و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی در آیند،

از امکان گذراندن خدمت نظام وظیفه در یکی از دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی برخوردار می

گردند. همچنین به موجب قانون، مشمولین عضو هیأت علمی که به گذراندن دوره نظام وظیفه

در مراکز آموزش عالی مبادرت می نمایند، در صورت قبولی در آزمون ورودی دوره های تحصیلی

بالاتر داخل یا خارج کشور از حق مرخصی تحصیلی و ترخیص از خدمت برخوردار می گردند.

۲- در صورت تصویب برنامه پیشنهادی اعضای هیأت علمی توسط دانشگاه ها، فرصتهای مطالعاتی در

داخل یا خارج از کشور برای آنان فراهم می گردد.



۳- کلیه اعضای هیأت علمی دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی با پیشنهاد دانشگاه ها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی و تأیید وزارت از حداکثر ۳ بار حضور سالانه در مجامع علمی و بین المللی، آشنایی با تازه های آموزشی و پژوهشی و انتقال دستاوردهای نوین علمی و جهانی به مراکز آموزش عالی بهره مند می گردند. علاوه بر قوانین مذکور، مقررات دیگری نیز در جهت حمایت از اعضای هیأت علمی و ارتقاء سطح آموزش عالی توسط مراجع ذی ربط به تصویب رسیده است که از آن جمله میتوان به موارد ذیل اشاره نمود:

۱- انتخاب اساتید نمونه با توجه به عمل نمود آموزشی، پژوهشی و اجرایی اساتید در دانشگاهها

۲- ادامه تحصیل مدرسین دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی در مقطع آموزشی دکتری

۳- آیین نامه جذب نیروهای متخصص و کارآمد

اقدامات

از جمله مهمترین اقدامات آموزشی کشور ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی در حوزه آموزش عالی می توان به موارد ذیل اشاره نمود:

۱- فراهم نمودن زمینه هایی جهت پرورش استعداد های خلاق در دانشگاهها از طریق تدوین و

اجرای آیین نامه تسهیلات آموزشی ویژه دانشجویان ممتاز، دستورالعمل چگونگی تحصیلات

همزمان در دو رشته تحصیلی در مقطع کارشناسی و آیین نامه دوره دکتری پیوسته در

رشته های تحصیلی ویژه استعداد های درخشان

۲- تبدیل بورسیه تحصیلی اعزام به خارج به تحصیل در دانشگاههای داخل

۳- اعطای بورسیه تحصیلی در مقطع دکتری دانشگاههای داخل و خارج به اعضای هیأت علمی

دانشگاههای سراسر کشور



۴- اعزام دانشجویان بورسیه به خارج از کشور

تعداد دانشجویان بورسیه شاغل به تحصیل در خارج از کشور طی سال ۱۳۷۷، بر ۱۰۵۳ نفر بالغ گردید که از این تعداد ۱۸۲ نفر به گروه علوم انسانی، ۲۲۹ نفر به گروه علوم پایه، ۴۴۹ نفر به گروه فنی - مهندسی، ۱۶۰ نفر به گروه کشاورزی و دامپزشکی و ۳۲ نفر به گروه هنر اختصاص داشته اند. گفتنی است که بیشترین تعداد دانشجویان بورسیه ایرانی به ترتیب به کشورهای انگلستان، کانادا، استرالیا، هند و فرانسه اعزام شده اند.

۵- پذیرش دانشجویان خارجی در دانشگاه های کشور

طی سال تحصیلی ۷۸-۱۳۷۷ بالغ بر ۸۸۵ دانشجو از سایرکشورها به تحصیل در دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی بخش دولتی ایران مبادرت نموده اند که از این تعداد ۶۸ نفر تبعه کشور آذربایجان، ۲۱۰ نفر تبعه کشور افغانستان، ۵۳ نفر تبعه کشور پاکستان، ۱۶۴ نفر تبعه کشور تاجیکستان، ۹۲ نفر تبعه کشور عراق، ۱۹ نفر تبعه کشور ترکیه و ۲۷۹ نفر تبعه کشورهای دیگر بوده اند.

۶- توسعه دوره های تحصیلات تکمیلی بویژه در مقطع آموزشی دکتری تخصصی

طی سال تحصیلی ۷۸-۷۷ در دو بخش دولتی و غیردولتی بالغ بر ۴۸۶۸۱ دانشجوی مقطع کارشناسی ارشد و تعداد ۹۹۹۸ دانشجوی مقطع دکتری به تحصیل در این دوره ها مبادرت نموده اند.

۷- اصلاح هرم هیأت علمی با تأکید بر جذب هیأت علمی برخوردار از مدرک علمی دکتری

در دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی و اعمال تسهیلات لازم جهت ادامه تحصیل مدرسین دانشگاهها از طریق اصلاح دستورالعمل پذیرش دانشجویان دکتری



۸- واگذاری بررسی صلاحیت عمومی داوطلبان عضویت در هیأت علمی دانشگاهها به هیأت

ممیزه دانشگاهها و هیأت ممیزه های منطقه ای

۹- تلاش در جهت افزایش چشمگیر سهم زنان در آموزش عالی به نحویکه طی سال ۱۳۷۷، ۵۲

درصد از پذیرفته شدگان کنکور سراسری به داوطلبین زن در این آزمون اختصاص یافت.

۱۰- ضابطه مند نمودن گسترش رشته‌ها و دوره های تحصیلی مراکز علمی دولتی و غیردولتی

توسط شورای گسترش آموزش عالی از طریق اعمال سیاست پراکندگی و بومی نمودن آموزش

عالی (ضابطه مند نمودن تعیین ظرفیت پذیرش دانشجو در آزمونهای سراسری به تناسب

امکانات و نیازهای آموزشی)

۱۱- افزایش تعداد برنامه های مصوب گروههای ۹ گانه شورای عالی برنامه ریزی

تا سال ۱۳۷۷ بالغ بر ۱۰۳۸ برنامه درسی به تصویب شورای عالی برنامه ریزی رسیده است که

از این تعداد، ۱۶۱ برنامه به گروه علوم پزشکی، ۹ برنامه به گروه دامپزشکی، ۲۰۳ برنامه به

گروه علمی- کاربردی، ۲۶۶ برنامه به گروه علوم انسانی، ۶۰ برنامه به گروه علوم پایه، ۲۱۹

برنامه به گروه فنی و مهندسی، ۸۵ برنامه به گروه کشاورزی، ۴۱ برنامه به گروه هنر و ۶ برنامه

به گروه هماهنگی تربیت معلم تعلق داشته است. همچنین از این تعداد برنامه ۱۴۲ برنامه در

دوره دکتری، ۳۳۴ برنامه در دوره کارشناسی ارشد، ۲۹۰ برنامه در دوره کارشناسی و ۲۷۲

برنامه در دوره کاردانی به اجرا درآمده است.

۱۲- اجرای طرح جامع نظارت از طریق تشکیل دفاتر نظارت و ارزیابی مستقر در دانشگاهها و ابلاغ

اساسنامه شورای نظارت دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی

۱۳- گسترش آموزشهای علمی - کاربردی با هماهنگی وزارتخانه های آموزش و پرورش،

پست، تلگراف و تلفن، جهاد، راه و ترابری، صنایع، فرهنگ و ارشاد اسلامی



گفتنی است که در حال حاضر ۳۹ مؤسسه آموزش عالی علمی- کاربردی تحت پوشش ۱۷ وزارتخانه و ارگان دولتی، به ارائه آموزشهای علمی- کاربردی در دوره های تحصیلی کاردانی و کارشناسی مبادرت می نمایند.

۱۴- توسعه دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی در مناطق محروم و مستعد به منظور محرومیت زدایی آموزشی و فرهنگی

پژوهش و فناوری

سیاستها

از جمله مهمترین سیاستهای کشور ایران در حوزه پژوهش و فناوری مراکز آموزش عالی پس از پیروزی انقلاب اسلامی می توان به موارد ذیل اشاره نمود:

- ۱- افزایش سهم تحقیقات از تولید ناخالص ملی و بهبود شاخصهای کمی تحقیقاتی کشور؛
- ۲- سوگیری تحقیقات در جهت رفع نیازهای اجتماعی و اجرایی و کاربردی تر نمودن طرحهای پژوهشی دانشگاهها و مراکز تحقیقاتی و تبدیل آنها به فناوری ملی
- ۳- ایجاد مراکز و قطبهای تحقیقاتی پیشرفته در سطح ملی، منطقه ای و جهانی متناسب با اولویتهای توسعه همه جانبه کشور
- ۴- تقویت و تجهیز زیرساختهای علمی سخت افزاری و نرم افزاری و وضعیت فناوری ملی
- ۵- فراهم سازی امکان دسترسی پژوهشگران به تجهیزات تحقیقاتی و تشویق محققین، مبتکرین و مخترعین به اجرای هرچه بیشتر طرحهای نیمه صنعتی



۶- احداث و تقویت مراکز پژوهشی مشترک میان دانشگاهها و دستگاههای اجرایی و ارتقاء انگیزه و سطح فعالیت مشترک در سطح ملی

اقدامات

از جمله مهمترین اقدامات کشور ایران در حوزه پژوهش و فناوری مراکز آموزش عالی پس از پیروزی انقلاب اسلامی می توان به موارد ذیل اشاره نمود:

۱- تأسیس انجمنهای علمی در زمینه های علوم انسانی، فنی و مهندسی و علوم کشاورزی گفتنی است که در حال حاضر تعداد انجمنهای علمی کشور از ۶۲ انجمن طی سال ۱۳۷۶ به ۸۰ طی سال ۱۳۷۸ بالغ گردیده است.

۲- تشکیل ستاد ملی سال جهانی ریاضیات در سال ۱۳۷۷

۳- حمایت از برگزاری سمینارهای علمی دانشگاهها و برگزاری نمایشگاه کتب تخصصی خارجی؛

۴- اجرای طرح غدیر در خصوص استفاده مشترک از کتابخانه های دانشگاهها

۵- تقویت مراکز اطلاعاتی و مرکز مدارک علمی ایران

۶- به روز نمودن اطلاعات تجهیزاتی دانشگاهها و مراکز پژوهشی،

طی سال ۱۳۷۸ بالغ بر ۴۲۰۰ عنوان مجله توسط دانشگاه تهران، دانشگاه تربیت مدرس و کتابخانه منطقه ای شیراز خریداری و روگرفت آن به سایر دانشگاهها و مراکز تحقیقاتی ارسال گردید.

۷- برگزاری جشنواره خوارزمی و تشویق مخترعین و مبتکرین جوان به منظور شکوفایی علم و

تحقیق و پژوهش از سوی سازمان پژوهشهای علمی و صنعتی ایران



۸- برقراری ارتباط میان صنعت و دانشگاه و توسعه تکنولوژی در کشور و حمایت از مراکز پژوهشی
غیردولتی از سوی سازمان پژوهش‌های علمی و صنعتی ایران

منزلت و رسالت فرهنگی و اجتماعی

سیاستها

از جمله مهمترین سیاستهای کشور ایران در جهت ارتقاء منزلت و رسالت فرهنگی و اجتماعی مراکز آموزش عالی پس از پیروزی انقلاب اسلامی می توان به موارد ذیل اشاره نمود:

۱- رشد و گسترش فرهنگ گفتگو، نقد و مباحثه علمی و اجتماعی و ایجاد فضای سالم و مطمئن جهت ارتقای فرهنگ، اندیشه، دانش و بینش در دانشگاهها و جامعه

۲- فراهم آوردن زمینه مشارکت کارشناسان دانشگاهیان در فرایند تصمیم سازی، تصمیم گیری، نقد و اصلاح امور جامعه و برنامه ریزی و مدیریت توسعه کشور

۳- سیاست حمایت از تشکلهای علمی، آموزشی، پژوهشی، فنی، سیاسی و فرهنگی دانشجویان و دانشگاهیان در چهارچوب قوانین و مقررات

۴- فراهم نمودن عرصه های فعالیت فکری و علمی دانشجویان در دوران تحصیل جهت کسب تجربیات و آشنایی با افکار، ایده ها و خواستههای آنان از طریق حمایت و زمینه سازی از انتشار نشریات دانشجویی

اقدامات

از جمله مهمترین اقدامات کشور ایران در جهت ارتقاء منزلت و رسالت فرهنگی و اجتماعی مراکز دانشگاهی پس از پیروزی انقلاب اسلامی می توان به موارد ذیل اشاره نمود:



۱- حمایت از تشکلهای علمی، آموزشی، پژوهشی، فرهنگی و ... در میان دانشجویان و دانشگاهیان، از طریق تشکیل کانونهای فرهنگی و هنری و برگزاری همایشهای فرهنگی و حمایت مادی، فکری و معنوی از کلیه کانونها

۲- مشارکت دادن دانشجویان در تصمیم گیریها و برنامه ریزیهای مربوط به مجامع کانونهای فرهنگی، هنری از طریق تشکیل کمیته های برنامه ریزی

۳- حمایت و تقویت برنامه های فرهنگی، هنری و ورزشی دانشگاهها نظیر برگزاری جشنواره ها، مسابقات فرهنگی، هنری، گردهمایی ها، همایشهای فرهنگی، سمینارها و کنگره های علمی و فرهنگی

۴- حمایت از انتشار نشریات دانشجویی در دانشگاههای کشور در زمینه های علمی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، خبری، هنری و ...

لازم به ذکر است که تعداد نشریات دانشجویی تا قبل از سال ۷۶ بر ۵۰ بالغ می گردید که طی سال ۷۸ بر ۳۰۰ نشریه بالغ گردید.

۵ - حفظ و ارتقاء روحیه اسلامی و انقلابی دانشگاهیان و دانشجویان از طریق تشکیل ستاد اسلامی شدن مراکز آموزشی با ریاست وزیر علوم، تحقیقات و فناوری، تشکیل کمیته های علمی - اعتقادی، فرهنگی، مدیریت و اجرای طرحهای تحقیقاتی در خصوص اسلامی شدن دانشگاهها و برگزاری سمینار "دانشگاه، جامعه و فرهنگ اسلامی" در سال ۱۳۷۸

۶- افتتاح و تقویت صندوقهای رفاه و تأمین تسهیلات اعتباری استفاده از وام برای دانشجویان دوره های آموزشی شبانه



روابط علمی، منطقه ای و بین المللی

سیاستها

از جمله مهمترین سیاستهای کشور ایران در جهت ارتقاء روابط علمی، منطقه ای و بین المللی در حوزه آموزش عالی پس از پیروزی انقلاب اسلامی می توان به موارد ذیل اشاره نمود:

- ۱- تقویت و توسعه مبادلات علمی، آموزشی و تحقیقاتی میان دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی داخلی و نهادها و مراکز معتبر علمی و بین المللی
- ۲- تبادل استاد، دانشجو و محقق با مراکز دانشگاهی و پژوهشی معتبر جهان
- ۳- سیاست ارتقاء سطح مشارکت علمی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در نهادها و مجامع علمی بین

المللی

- ۴- اهتمام به توسعه زبان فارسی و فرهنگ اسلامی و ایرانی در منطقه خاورمیانه و آسیا و تقویت کرسیهای آموزش زبان فارسی در مراکز معتبر علمی جهان

اقدامات

از جمله مهمترین اقدامات کشور ایران در جهت ارتقاء روابط علمی، منطقه ای و بین المللی در حوزه آموزش عالی پس از پیروزی انقلاب اسلامی می توان به موارد ذیل اشاره نمود:

- ۱- گسترش همکاریهای آموزشی، پژوهشی و فناوری در چهارچوب کمیسیون های مشترک جمهوری اسلامی ایران با سایر کشورها (بیش از ۱۹ مورد طی سالهای ۷۷ و ۷۸)
- ۲- حضور هیأت عالی رتبه وزارت علوم، تحقیقات و فناوری در بیست و نهمین اجلاس کنفرانس عمومی فرهنگستان علوم جهان (TWAS)، پنجمین اجلاس عمومی شبکه سازمانهای علمی جهان سوم



(TWNSO) و حضور هیأت عالی رتبه وزارت متبوع در کنفرانس جهانی در قرن ۲۱ در بوداپست

مجارستان

۳- انعقاد یادداشت تفاهم علمی و آموزشی میان وزارت علوم، تحقیقات و فناوری با کشورهای ایتالیا،

هلند، یونان، پاکستان، مغرب و ... (طی سالهای ۷۷ و ۷۸)

۴- انعقاد یادداشت تفاهم همکاری میان دانشگاهها و مراکز تحقیقاتی جمهوری اسلامی ایران با کشورهای

ایرلند، ژاپن، کره جنوبی، چین و ... (طی سالهای ۷۷ و ۷۸)

۵- انعقاد قرارداد همکاری با جمهوری فدراتیو روسیه و آفریقای جنوبی طی سال ۱۳۷۹

انجام رایزنی هایی در جهت به عضویت درآمدن وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، دانشگاهها و مراکز

تحقیقاتی جمهوری اسلامی ایران در مجامع علمی و بین المللی جهان

۶- اعزام و پشتیبانی مدرسین زبان و ادبیات فارسی به دانشگاههای کشورهای چین، بنگلادش، ژاپن،

اردن، سوریه، اسپانیا، لهستان و یمن

۷- پذیرش دانشجویان غیرایرانی رشته زبان و ادبیات فارسی و ایران شناسی جهت گذراندن دوره های

کوتاه مدت آموزش زبان فارسی در کشور

مدیریت اجرایی، امور معیشتی و رفاهی

سیاستها

از جمله سیاستهای کشورایران در جهت ارتقاء مدیریت اجرایی، امور معیشتی و رفاهی در حوزه

آموزش عالی پس از پیروزی انقلاب اسلامی می توان به موارد ذیل اشاره نمود:

۱- افزایش سهم آموزش عالی از تولید ناخالص ملی و بودجه عمومی دولت



- ۲- بهبود وضعیت معیشتی و رفاهی اعضای هیأت علمی از طریق افزایش حقوق و مزایا متناسب با شأن و منزلت آنان، حل مشکلات مسکن و تأمین بهداشت و درمان و فراهم آوردن تسهیلات ویژه معیشتی جهت استفاده بهینه از فرصتها و تواناییهای آموزشی و پژوهشی
- ۳- تقویت نهاد مدیریتی دانشگاهها و مراکز پژوهشی کشور از طریق گزینش شخصیت‌های مؤمن و انقلابی علمی، فرهنگی- اجتماعی و زمینه سازی جهت رشد و شکوفایی اندیشه افراد متعهد و جوان در سطوح مدیریت خرد و کلان

اقدامات

از جمله اقدامات کشورایران در جهت ارتقاء مدیریت اجرایی، امور معیشتی و رفاهی در حوزه آموزش عالی پس از پیروزی انقلاب اسلامی می توان به موارد ذیل اشاره نمود:

- ۱- اجرای آیین نامه مدیریت دانشگاهها با تکیه بر افزایش مشارکت اعضای هیأت علمی در تصمیم سازی و تصمیم گیری
- ۲- تدوین و اجرای آیین نامه بهره وری و تشکیل کمیته های بهره وری در دانشگاهها
- ۳- برنامه ریزی جهت آموزش مدیران و بهبود مدیریت و بهره وری در حوزه آموزش
- ۴- افزایش اختیارات رؤسای دانشگاهها
- ۵- افزایش اختیارات هیأت‌های امنای دانشگاهها در زمینه هزینه نمودن اعتبارات
- ۶- افزایش حقوق اعضای هیأت علمی و پرداخت فوق العاده جذب و کارانه به کادر دانشگاهها
- ۷- تدوین طرح کارایی اعضای هیأت علمی
- ۸- تحت پوشش بیمه تکمیلی قراردادن کلیه کادر دانشگاهها و مراکز پژوهشی



ارزیابی داخلی مراکز آموزش عالی

با توجه به اهداف و سیاست‌های وزارت علوم، تحقیقات و فناوری جهت ارتقاء کیفیت آموزش عالی و به منظور فراهم آوردن شرایط مشارکت هر چه بیشتر اعضای هیات علمی در بهبود کیفیت آموزشی، پژوهشی و عرضه خدمات تخصصی جهت توسعه کشور، ارزیابی درونی گروه‌های آموزشی که از آن تحت عنوان (ار.د.گ) یاد می‌گردد، با همکاری سازمان سنجش آموزش کشور صورت می‌گیرد. گفتنی است چنانچه ار.د.گ در گروه‌های آموزشی کلیه دانشگاه‌های کشور صورت گیرد، زمینه مناسبی جهت انجام ارزیابی برونی و اعتبارسنجی فراهم می‌گردد.

تحولات برنامه ریزی آموزشی مراکز آموزش عالی

نظر به راهبردهای برنامه سوم توسعه جمهوری اسلامی و ضرورت پی‌جویی راه‌های تحقق سیاست تمرکز زدایی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری «آیین‌نامه واگذاری اختیارات برنامه‌ریزی درسی» در جهت ارتقاء آموزش عالی و نهادینه نمودن مشارکت دانشگاه‌ها در سطح کلان مدیریت آموزش عالی، طی سال ۱۳۷۹ به دانشگاه‌های سراسر کشور ابلاغ گردید. پس از ابلاغ آیین‌نامه مذکور و طرح موضوع در شورای آموزشی دانشگاه‌ها، مسوولیت بررسی و تعیین راهکارهای اجرایی آیین‌نامه مذکور به دفتر برنامه ریزی آموزشی، نظارت و ارزیابی تفویض گردید.

بدین منظور بلافاصله دفتر برنامه ریزی با پیگیری مستمر و بهره‌گیری از نظرات تنی چند از اعضای هیات علمی دانشگاه‌ها در قالب تشکیل کمیسیونی ویژه، به تدارک و تدوین «آیین‌نامه برنامه ریزی جامع آموزشی دانشگاه‌ها» مبادرت نمود، به گونه‌ای که کلیه اختیارات واگذار شده به دانشگاه را پوشش دهد. آیین‌نامه مذکور پس از طی مراحل اولیه، نهایتاً در جلسه مورخ ۸۰/۴/۱۱ شورای دانشگاه به تصویب نهایی رسید. گفتنی است که آیین‌نامه مذکور مشتمل بر تعیین وظایف و اهدافی جهت تحقق بهینه



اختیارات واگذار گردیده در خصوص برنامه ریزی درسی به دانشگاههای کشور می بود. بر این اساس دفتر برنامه ریزی به منظور نهادینه سازی برنامه ریزی درسی، پیشنهاد تاسیس «کمیسیون برنامه ریزی جامع آموزشی دانشگاه ها» با هدف تحقق اهداف و وظایف مذکور در آیین نامه را ارائه نمود.

کمیسیون جامع برنامه ریزی آموزش عالی

به منظور برنامه ریزی جهت توسعه علمی دانشگاه های سراسر کشور از نظر کمی و کیفی، تدوین طرح جامع آموزشی در چهارچوب سیاستهای حوزه آموزش عالی در برنامه سوم توسعه جمهوری اسلامی ایران، نوآوری و بهره مندی بیشتر از پیشرفت دانش بشری و تبیین آیین نامه واگذاری اختیارات برنامه ریزی درسی به دانشگاهها به استناد مواد قانونی ۱۰ و ۱۱، کمیسیون برنامه ریزی جامع آموزشی دانشگاه تشکیل گردید.

اهداف کمیسیون

از جمله مهمترین اهداف کمیسیون برنامه ریزی جامع آموزشی دانشگاه می توان به موارد ذیل اشاره نمود:

- ۱- نظام مند سازی فرایند برنامه ریزی درسی
- ۲- تقویت، تعمیق و نهادینه نمودن برنامه ریزی درسی
- ۳- روزآمد نمودن برنامه های آموزشی
- ۴- ایجاد تناسب بیشتر میان محتوای دروس آموزشی و نیازمندیهای جامعه
- ۵- طراحی برنامه آموزشی جامع ویژه دانشگاه ها و مراکز آموزش عالی



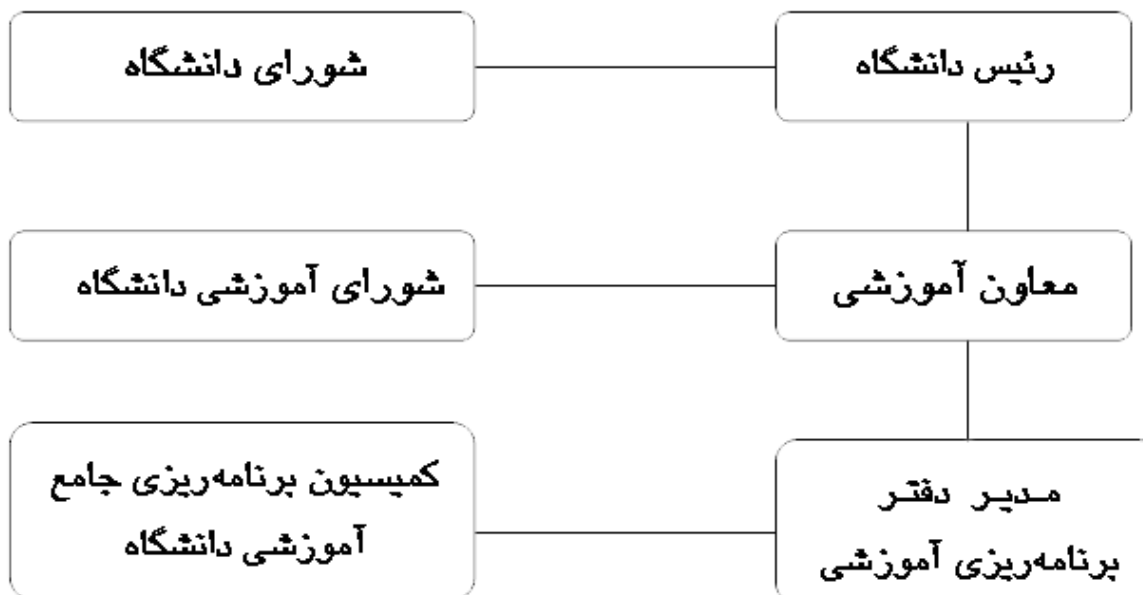
وظایف کمیسیون

از جمله مهمترین وظایف کمیسیون برنامه ریزی جامع آموزشی دانشگاه می توان به موارد ذیل اشاره نمود:

- ۱- مسئله یابی، موضوع شناسی و تعیین راهبردهای آموزشی کشور با توجه به برنامه سوم توسعه
- ۲- طراحی و تدوین برنامه ۱۰ ساله جامع آموزشی دانشگاه
- ۳- ارائه راهبردها و پیشنهادهای تخصصی در حوزه برنامه ریزی درسی
- ۴- پیشنهاد راهکارهای تخصصی به دفتر برنامه ریزی آموزشی جهت نظارت علمی بر طراحی و اجرای بهینه برنامه های آموزشی
- ۵- بررسی پیشنهادات گروههای آموزشی درخصوص نحوه پذیرش دانشجو و مواد امتحانی
- ۶- تدوین اصول و روش های ساماندهی رشته ها، گرایش ها و سرفصل های آموزشی
- ۷- بررسی برنامه های آموزشی پیشنهادی دانشکده ها و اصلاح و پیشنهاد آن به مراجع ذی ربط
- ۸- بررسی و کارشناسی ضرورت یا عدم ضرورت ارائه، حذف یا ادغام رشته ها و گرایشات تحصیلی متناسب با توان علمی گروههای آموزشی
- ۹- تدارک دستورالعمل اجرایی آیین نامه واگذاری اختیارات برنامه ریزی درسی به دانشگاهها



نمودار تشکیلاتی کمیسیون برنامه‌ریزی جامع آموزشی دانشگاه



فعالیت های کمیسیون

از جمله مهمترین فعالیت های کمیسیون برنامه ریزی جامع آموزشی دانشگاه می توان به موارد ذیل

اشاره نمود:

فعالیت های کلان برنامه ریزی

- ۱- طراحی « طرح جامع آموزشی ۱۰ ساله دانشگاهی»
- ۲- بررسی و تصویب « طرح جامع آموزشی ۱۰ساله دانشگاهی»
- ۳- بررسی گزارشات مرحله‌ای « طرح جامع آموزشی ۱۰ساله دانشگاهی»
- ۴- بررسی خط مشی آتی کمیسیون



- ۵- بررسی فرمتهای ۶ گانه برنامه ریزی آموزشی گروههای آموزشی (اعم از تغییر دروس، تاسیس رشته ها، تدوین برنامه ها و سرفصلهای جدید، ادغام رشته ها، حذف موقت و دائم رشته ها)
- ۶- تعیین امکانات گروههای متقاضی راه اندازی رشته های جدید توسط هیاتهای بازدیدکننده
- ۷- تصویب شیوه نامه هیات های بازدیدکننده و گزارش بازدید
- ۸- بررسی راهکارهای تسهیل کننده سایر وظایف کمیسیون (براساس بند ۳ ماده ۲ آیین نامه برنامه ریزی جامع آموزشی دانشگاه)
- ۹- بررسی راهکارهای مربوط به تعمیم فرهنگ برنامه ریزی آموزشی
- ۱۰- تدوین طرح برگزاری کارگاه ارتقاء کیفی روند برنامه ریزی درسی دانشگاه ها

فعالیت‌های اجرایی

کمیسیون برنامه ریزی جامع آموزشی طی سالهای ۸۱- ۱۳۸۰ به تشکیل ۱۵ جلسه و بررسی و تصویب ۴۸ موضوع که عمدتاً در خصوص برنامه ریزی آموزشی گروههای مختلف من جمله تغییر دروس آموزشی و تاسیس رشته ها مبادرت نموده است. گفتنی است که از این تعداد تاکنون ۴۰ مصوبه به طور کامل مراحل اجرایی خود را طی نموده و ۸ مصوبه نیز در حال پیگیری است.

کمیسیون معین برنامه ریزی

کمیسیون معین با هدف طراحی و بررسی اولیه و مقدماتی جهت کارشناسی کیفی و اصولی فعالیت کمیسیون جامع و پیگیریهای لازم در محل دفتر برنامه ریزی و با حضور مدیر دفتر، مدیر گروه تعلیم و تربیت، معاون و کارشناسان دفتر تشکیل می گردد.



از اهم فعالیت های صورت گرفته کمیسیون مذکور می توان به تدارک و تدوین اولیه آیین نامه برنامه ریزی جامع آموزشی دانشگاه، ارائه پیشنهاداتی جهت تحقق اختیارات واگذاری برنامه ریزی درسی به دانشگاهها جهت تسهیل و تسریع این فرایند، تدارک آیین نامه داخلی کمیسیون برنامه ریزی جامع، بررسی پیشنهادات دانشکدهها با حضور نمایندگان گروه آموزشی مربوطه، رسیدگی به امور مربوط به دبیرخانه کمیسیون برنامه ریزی جامع، برگزاری نشست مشترک با روسای کمیته های تخصصی، هماهنگی جلسات کارشناسی و هیاتهای بازدیدکننده و تدارک و تدوین فرمهای ۶ گانه برنامه ریزی آموزشی به شرح ذیل اشاره نمود:

۱- فرم درخواست تغییر برنامه های آموزشی (ویژه تغییرات کمتر از ۶ واحد درسی)

۲- فرم درخواست تغییر یا تدوین برنامه ها و سرفصل رشته های تحصیلی

۳- فرم درخواست راه اندازی رشته یا گرایش تحصیلی جدید

۴- فرم درخواست حذف یا جایگزینی رشته های تحصیلی

۵- فرم درخواست حذف موقت رشته های تحصیلی

۶- فرم درخواست ادغام گرایشات یا رشته های تحصیلی

آموزش غیر رسمی

در جمهوری اسلامی ایران وزارتخانه ها و سازمانهای دولتی و غیر دولتی در ارائه آموزشهای غیر رسمی به شهروندان مشارکت دارند. با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، اصلاحات جامع فرهنگی و آموزشی بر اساس اصول اسلامی صورت گرفت. به نحویکه چند ماه پس از پیروزی انقلاب اسلامی امام خمینی (رحمت الله علیه) رهبر انقلاب، به صدور حکمی در خصوص تشکیل نهضت سواد آموزی باهدف اولیه ارائه



آموزش به شهروندان بی سواد و کم سواد مبادرت نمود. گفتنی است که اجرای تعهدات کنفرانس جهانی (E.F.A) جامتین تایلند طی دهه ۱۹۹۰ به تسریع اجرای چنین فعالیتهایی منجر گردید.

کلیه مساجد کشور نه تنها به عنوان اماکنی جهت برگزاری مراسم مذهبی بلکه به عنوان اماکن تشکیل دهنده کلاس‌های آموزش مسائل مذهبی و فرهنگی به فعالیت پرداختند. علاوه بر این از مساجد همچنین به عنوان اماکنی جهت تشکیل کلاس‌های نهضت سواد آموزی بهره برداری می گردد. علاوه بر این شهرداریهای سراسر کشور اقدام به استقرار، راه اندازی و اداره مراکز فرهنگی و کانونهای فرهنگی سراسر کشور مبادرت می نمایند. گفتنی است که مراکز مذکور به کتابخانه‌ها، سالن‌های مطالعه، سالن‌های اجتماع، کلاس‌های آموزشی و دوره‌های فرهنگی و هنری مجهز می باشند. علاوه بر این از سوی دیگر وزارت آموزش و پرورش به صدور پروانه جهت تشکیل موسسات زبان در جهت ارائه آموزش زبانهای خارجی به گروه‌های سنی مختلف مبادرت نمود. لازم به ذکر است که در حال حاضر تعداد زیادی از موسسات مذکور زبان تحت نظارت وزارت آموزش و پرورش فعالیت می نمایند.

آموزش غیررسمی در سطح بسیار وسیعی در کشور ایران ارائه می گردد. عمده ترین برنامه‌ها توسط سازمان نهضت سوادآموزی، وزارتخانه‌ها، سازمانهای دولتی و غیردولتی و همچنین از طریق برنامه‌های تلویزیونی به مورد اجرا گذارده می شود.

برنامه ریزی و مدیریت آموزشی

در جمهوری اسلامی ایران دولت نقش مهمی در آموزش غیر رسمی ایفا نموده و در این زمینه بودجه و تسهیلات قابل توجهی به آن اختصاص داده است. از آنجاییکه عمده سیاست‌های اصلی مدیران بلند پایه دولت جمهوری اسلامی ایران بر اهداف برنامه‌های E.F.A استوار بوده و بر کیفیت E.F.A تأکید داشت از این روی در سال ۱۹۸۰ به دنبال حکم تاریخی بنیان گذار جمهوری اسلامی ایران (امام خمینی (ره) و در



جهت نیل به اهداف غائی دولت در حوزه آموزش غیر رسمی سازمان نهضت سواد آموزی (L.M.O) با مسئولیت بسیج عمومی در جهت ریشه کنی بی سوادی، دسترسی کلیه شهروندان به آموزش ابتدایی و کاهش نرخ بیکاری بزرگسالان در سراسر کشور تشکیل شد

سازمان نهضت سوادآموزی (LMO)

طبق قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، دسترسی به آموزش در مقاطع مختلف حق مسلم کلیه اقشار جامعه از جمله گروه‌های اقلیت قومی می‌باشد. سازمان نهضت سوادآموزی به‌عنوان سازمان تحت نظارت دولت همواره به پیگیری این اصل در آموزش مبادرت نموده و هیچ‌گونه تبعیضی میان شهروندان ساکن مناطق روستایی یا شهری، مهاجرین، کارگران و... قائل نگردیده است. با توجه به عوامل مختلفی که ریشه در دوره ماقبل انقلاب اسلامی داشته و محرومیت مناطق روستائی در مقایسه با مناطق شهری را سبب گردیده، سازمان نهضت سوادآموزی توجه خود را بر این مناطق متمرکز نموده است.

مقاطع تحصیلی

نظام آموزشی سازمان نهضت سوادآموزی از چهار مقطع آموزش پایه و مقطع آموزش تکمیلی سوادآموزی متشکل می‌گردد.

مقطع ابتدائی

این مقطع، اولین مقطع تحصیلی سوادآموزی محسوب گردیده و ارزش تحصیلی آن برابر با کلاس دوم ابتدائی آموزش رسمی می‌باشد. هدف مقطع مذکور آشنایی فراگیران با الفبای زبان پارسی و ترکیب حروف در جهت ساخت کلمات و جملات می‌باشد. علاوه بر این آموزش مهارت‌های سوادآموزی جهت



کسب مهارت در قرائت و نگارش متون ساده فارسی نیز از اهم اهداف آموزشی این مقطع به شمار می رود. طی این دوره همچنین دانش آموزان از توانائی کافی در جهت محاسبه اعداد جهت برطرف نمودن نیازهای روزانه برخوردار می گردند. گفتنی است که تعداد فراگیران مقطع مذکور طی سالهای ۱۹۹۸-۱۹۹۰، بر ۷۸۷۲۱۲۵ نفر بالغ می گردد که از این میان بالغ بر ۴۲/۲۷ درصد موفق به دریافت گواهینامه مربوطه گردیده اند. لازم به ذکر است که ۷۵/۴٪ از آمار مذکور به دانش آموزان زن تعلق داشته است.

مقطع تکمیلی

این مقطع، دومین مقطع تحصیلی سوادآموزی می باشد که با کلاس سوم ابتدائی آموزش رسمی برابر است. هدف این مقطع آشنا نمودن فراگیرندگان با کلمات، جملات و متون پارسی تا حد کسب توانایی جهت بیان منظور خود و دریافت منظور دیگر سخنوران می باشد. علاوه بر این دانش آموزان مقطع مذکور از مهارت های لازم در شمارش و محاسبه صحیح اعداد و قرائت قرآن مجید برخوردار می گردند. قبولی در این مقطع، از اهمیت به سزایی در روند فراگیری و ثبات آموزشی دانش آموزان برخوردار می باشد. تعداد فراگیران و سوادآموزان مقطع مذکور طی سالهای ۱۹۹۸-۱۹۹۰، بر ۴۶۲۰۳۳۴ نفر بالغ گردید که از این میان تعداد ۲۵۹۷۲۵۴ نفر موفق به حضور در مقاطع بالاتر تحصیلی گردیدند.

مقطع نهائی

مقطع آموزشی مذکور از سال ۱۹۹۰ به منظور افزایش مهارت های خواندن، نوشتن، محاسبه اعداد و آمادگی سوادآموزان جهت حضور در سطح پایه پنجم بزرگسالان ایجاد گردید. ارزش این مقطع با پایه چهارم آموزش ابتدائی برابر است. از آغاز فعالیت این مقطع تا سال ۱۹۹۸، بالغ بر ۱۵۱۳۰۵۳ نفر تحت آموزش قرار گرفته اند که از این تعداد ۶۱ درصد به دریافت گواهی نامه مربوطه نائل آمده اند. لازم به ذکر است که بالغ بر ۶/ ۸۷ دانش آموزان مقطع فوق به دانش آموزان زن تعلق دارد.



پایه پنجم تحصیلی

مقطع تحصیلی پایه پنجم از سال ۱۹۸۹ در جهت فراهم آوردن امکان ادامه تحصیل دانش آموزان در مقاطع بالاتر آموزش رسمی ایجاد گردید. ارزش تحصیلی مقطع مذکور با پایه پنجم آموزش رسمی برابر می باشد. طی سالهای ۱۹۹۸-۱۹۸۹، از تعداد ۶۸۲۸۰۶ نفر ثبت نام به عمل آمد که از این تعداد بالغ بر ۴۰۳۴۰۱ نفر به اخذ گواهینامه مربوطه نائل آمدند. گفتنی است که ۸۶/۸ درصد دریافت کنندگان گواهینامه های آموزشی به دانش آموزان زن تعلق دارد.

دوره های تکمیلی سوادآموزی

به منظور جلوگیری از رجوع به دوره بی سواد و به منظور گسترش آموزش مؤثر و کاربردی، به ویژه ارتقای فرهنگ کتابخوانی در میان افراد کم سواد جامعه، طرح دوره های تکمیلی سوادآموزی برنامه ریزی شده و به اجرا درآمد. گفتنی است که طرح مذکور بطور رسمی از سال ۱۹۹۴ در سطح ملی به اجرا در آمده است. طی سالهای ۱۹۹۵-۱۹۹۸، بالغ بر ۶۶۱۱۴۶ نفر در دوره های مذکور ثبت نام نموده و ۴۲ عنوان کتاب در خصوص موضوعات بهداشتی، دینی، تربیتی، اجتماعی و اقتصادی و ... در میان آنان توزیع گردید. ارزیابی هایی که در خصوص عملکرد دوره های مذکور صورت گرفته، نشان می دهد که اگر چه نتایج طرح مذکور طی دوره های کوتاه مدت عملی نگردیده و تنها از طریق ارائه فعالیتها و ارتقای کیفیت دوره های مذکور در دراز مدت قابل دستیابی می باشد، با این وجود طرح مذکور تأثیر بسزائی در آموزش نوسوادان به همراه داشته است.



طرح‌های سوادآموزی پایه

از جمله مهمترین طرح‌های سوادآموزی پایه می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:

۱. طرح عمومی

ابتدا طرح مذکور که شامل فعالیت‌های اصلی سوادآموزی می‌باشد، در مقطع ابتدائی و مقطع تکمیلی آموزش سوادآموزی به اجرا درآمد و این در حالیست که طی سال ۱۹۸۹، پایه پنجم آموزش بزرگسالان و طی سال ۱۹۹۱، مقطع نهائی نیز بدان اضافه گردید. با اجرای طرح مذکور، تعداد ۱۳/۸ میلیون سوادآموز تحت نظارت L.M.O قرار گرفتند که از این تعداد بالغ بر ۲/۸ میلیون به دانش آموزان مرد و ۱۰/۸ میلیون به دانش آموزان زن تعلق داشت. گفتنی است که ۵۱/۵ درصد از تعداد کل افراد مذکور به‌اخذ گواهینامهٔ مربوطه نائل آمدند جهت‌گیری فعالیت‌های آموزشی طی سال گذشته نمایانگر افت کمیته است. و این در حالیست که سطح ارتقاء آموزشی نشان دهندهٔ افزایش کیفیت برنامه‌های سوادآموزی به‌اجرا در آمده در اماکنی نظیر مساجد، مدارس، منازل و ... می‌باشد.

نرخ ثبت نامی افراد بزرگسال در (LMO) به تفکیک جنسیت

سال تحصیلی	مساجد	مدارس	منازل	سایر اماکن	اماکن عشایری	تعداد کل
۱۹۹۰	۱۸۳۱۷۴	۱۶۳۴۵۲۴	۹۰۵۰۰۴	۳۷۳۲۴	۱۶۴۰۴	۲۷۷۶۴۳۰
۱۹۹۱	۱۳۱۱۸۵	۷۹۰۹۶۹	۹۰۹۳۴۶	۳۰۸۵۹	۱۶۹۰۹	۱۸۷۹۲۶۸
۱۹۹۲	۱۰۳۲۷۶	۶۱۲۶۳۸	۸۷۲۶۷۰	۲۹۰۰۶	۱۵۷۲۴	۱۶۳۳۳۱۴
۱۹۹۳	۸۷۸۷۹	۵۳۱۵۴۱	۸۶۹۶۰۶	۲۹۳۷۱	۱۶۷۲۱	۱۵۳۵۱۱۸
۱۹۹۴	۷۶۵۶۷	۳۷۵۶۶۴	۷۳۴۴۰۲	۲۴۵۰۱	۱۴۶۳۷	۱۲۲۵۷۷۱
۱۹۹۵	۶۸۷۴۶	۳۲۲۲۰۷	۶۹۳۸۹۶	۳۱۶۰۶	۱۰۵۸۰	۱۱۲۷۰۳۵
۱۹۹۶	۵۸۹۸۷	۲۶۹۴۱۵	۶۵۳۳۰۷	۲۹۲۸۹	۱۲۳۰۹	۱۰۲۳۳۰۷
۱۹۹۷	۵۸۳۵۶	۲۵۶۰۷۹	۶۴۲۷۹۳	۳۳۰۵۴	۹۵۳۵	۹۹۹۸۱۷
۱۹۹۸	۴۹۹۹۷	۲۱۹۹۲۳	۵۳۳۹۲۸	۲۸۰۶۸	۷۷۸۲	۸۴۱۶۹۸
کل	۸۱۸۱۶۷	۵۰۱۲۹۶۰	۶۸۱۶۹۵۲	۲۷۳۰۷۸	۱۲۰۶۰۱	۱۳۰۴۱۷۵۸

منبع: سازمان نهضت سوادآموزی (LMO)



۲. طرح سوادآموزی کارمندان و کارگران

مطابق قانون مصوب هیئت دولت، کلیه کادر دولتی اعم از کارمندان، کارگران و افرادی که به فعالیت در بخش خصوصی مبادرت نموده و از توانائی خواندن و نوشتن برخوردار نباشند، موظف به حضور در کلاس‌های سوادآموزی و اخذ حداقل گواهینامهٔ مقطع تکمیلی می‌باشند. آمارها نشان می‌دهند که ۴۵۷۲۶۷ نفر در دورهٔ ۱۹۹۸-۱۹۸۹ ثبت‌نام نموده که ۴۰٪ آن‌ها موفق به اخذ گواهی مربوطه شدند. در پی اجرای موفق این طرح برای کارمندان و کارگران، ریشه‌کن شدن بیسوادی در اکثر مراکز مدیریتی و تولیدی جشن گرفته شد.

۳. طرح سوادآموزی نیروهای مسلح

طبق رهنمودهای فرماندهٔ کل نیروهای مسلح، کلیه واحدهای نیروهای مسلح و پرسنل قضائی موظف به ارائه آموزشهای لازم به سربازان وظیفهٔ بی سواد یا کم سواد تا مقطع تکمیلی آموزشی می‌باشند. بر اساس طرح مذکور تنها آندسته از سربازان وظیفه‌ای که به اتمام مقطع تکمیلی سوادآموزی L.M.O نائل آیند از حق دریافت گواهینامه پایان خدمت وظیفهٔ خود برخوردار می‌باشند. در نتیجه سازمان نهضت سوادآموزی L.M.O با اجرای طرح مذکور به تربیت و آموزش ۳۷۶۷۷۸ نفر در واحدهای اجرائی نیروهای مسلح و پرسنل قضائی نائل آمدند.

۴. طرح سرباز معلمان

طی طرح مذکور سربازان مازاد خدمت وظیفه پس از گذراندن دورهٔ تربیت آموزشی و فرهنگی به‌عنوان معلمان سوادآموزی در مناطق محروم و روستائی به خدمت گمارده می‌



شوند که این امر خود بطور فزاینده‌ای به اجرای هر چه سریعتر برنامه‌های سوادآموزی منجر گردیده است.

تعداد سوادآموختگان نیروهای مسلح، پرسنل قضائی، کارکنان دولت و کارگران (طی سالهای ۱۹۹۸-۱۹۹۰)

سال تحصیلی	پرسنل نیروهای مسلح	پرسنل قضائی	کادر اداری ادارات دولتی	کارگران	تعداد کل
۱۹۹۰	۵۱۳۳۴	۶۲۹۴	۱۵۳۶۲	۶۵۵۱۰	۱۳۸۵۰۰
۱۹۹۱	۴۹۰۹۸	۵۱۸۰	۱۱۳۲۱	۶۵۲۸۵	۱۳۰۸۸۴
۱۹۹۲	۳۸۴۶۹	۵۸۳۹	۱۰۲۰۷	۴۲۹۵۳	۹۷۴۶۸
۱۹۹۳	۳۰۰۳۵	۶۲۹۵	۶۷۷۴	۳۰۵۲۶	۷۳۶۳۰
۱۹۹۴	۲۰۲۷۰	۴۵۰۱	۵۰۶۴	۱۸۲۱۶	۴۸۰۵۴
۱۹۹۵	۱۵۹۷۹	۴۳۶۲	۳۹۰۶	۱۳۷۱۹	۳۷۹۶۶
۱۹۹۶	۱۵۷۶۰	۳۱۲۸	۲۹۸۶	۱۴۳۵۰	۳۶۲۲۴
۱۹۹۷	۱۵۱۷۸	۲۰۵۸	۳۵۵۰	۱۴۵۶۰	۳۵۳۴۶
۱۹۹۸	۱۰۳۴۶	۲۱۳۴	۲۷۲۵	۱۶۳۸۳	۳۱۶۰۶
کل	۲۴۶۴۷۸	۳۹۷۹۱	۶۱۸۹۵	۲۸۱۵۰۲	۶۲۹۶۷۸

۵. طرح سازماندهی سوادآموزی

طی طرح مذکور که در سال ۱۹۹۰ به اجرا درآمد، اعلامیه جهانی آموزش همگانی در جوستین تایلند مورد تأیید قرار گرفت. در نتیجه بالغ بر ۳ میلیون نفر از افراد بی‌سواد در ترم‌های سوادآموزی بزرگسالان ثبت‌نام نمودند.

۶. طرح آموزش عشایر

سازمان نهضت سوادآموزی (LMO) در جهت ارتقاء سطح آموزش عشایر کشور به تربیت و تعلیم معلمان عشایر مبادرت نموده است. معلمان عشایر به نحوی تعلیم دیده اند که حتی



در حین جابجائی عشایر، به تشکیل کلاس‌های آموزشی ویژه کودکان و بزرگسالان در جهت ترویج سوادآموزی در میان اقوام عشایر اقدام می‌نمایند. گفتنی است که به واسطه اجرای طرح مذکور طی سالهای ۱۹۹۸-۱۹۹۹، بالغ بر ۱۳۱۸۷۶ نفر از نعمت سواد برخوردار گردیدند.

۷. طرح آموزش فرد به فرد

بنابر طرح آموزش فرد به فرد کلیه اشخاص بی‌سواد از امکان تعلیم توسط افرادآموزش دیده بهره مند شده، در امتحانات ویژه افراد متفرقه حضور یافته و به اخذ گواهینامه رسمی مربوطه نائل می‌آیند.

۸. سوادآموزان متفرقه

آندسته از افرادی که به دلایل مختلف از حضور در کلاس‌های نهضت سوادآموزی باز مانده و یا افرادی که از امکان حضور مرتب در چنین کلاس‌هایی محروم می‌باشند از حق دریافت مواد آموزشی ویژه دوره‌های آموزش سوادآموزی، مطالعه شخصی و حضور در امتحانات ویژه افراد متفرقه و اخذ گواهینامه مربوطه پس از قبولی در آزمون بهره مند می‌گردند. جهت نیل به منظور فوق سازمان نهضت سوادآموزی (LMO) به صدور گواهینامه‌های تکمیلی برای ۲۵۹۶۳۲ نفر در مقاطع مختلف طی سالهای ۱۹۹۸-۱۹۹۰ مبادرت نموده است.

۹. طرح سوادآموزی افراد فاقد شغل

طبق قانون مصوب هیئت دولت آندسته از افراد بی‌سواد که طبق قانون کار حقوق دریافت می‌نمایند مشروط بر ثبت نام و حضور در کلاس‌های سوادآموزی از حقوق و مزایای خود حتی حین بیکاری بهره مند می‌گردند.



۱۰. طرح سوادآموزی با مشارکت ائمه جماعات مساجد

طبق طرح سوادآموزی با مشارکت ائمه جماعات مساجد، کادر سوادآموزی مساجد، در مراکز استانی و شهرستانهای کشور تشکیل گردید. هدف اصلی اجرای طرح مذکور تشویق و ترغیب افراد بیسواد و کم سواد در کلاسهای سوادآموزی مستقر در مساجد محلی می باشد.

۱۱. طرح سوادآموزی والدین در مدارس

نظر به دستو حضرت امام(ره) در خصوص مشارکت فعال و گسترده وزارت آموزش و پرورش در حوزه آموزش همگانی، مسوولیت اجرای طرح سوادآموزی والدین بی سواد و کم سواد در مدارس سوادآموزی بر عهده مدیران مدارس می باشد. از این روی مدیران مدارس با مشارکت معلمین و اعضاء انجمن اولیاء مربیان و دانش آموزان در جهت برپائی کلاسهای سوادآموزی گام برمی دارند.

۱۲. طرح آموزش پیگیر

پس از اتمام مقاطع آموزشی پایه، همواره نگرانی بازگشت تدریجی سوادآموزان به دوره بی سوادی وجود داشته است. از این روی اجرای آندسته از طرحهای آموزشی که به گسترش و پیشرفت آموزش مؤثر و کاربردی منجر گردیده و از بازگشت مجدد سواد آموختگان به بی سوادی ممانعت به عمل آورد، حائز اهمیت بسیار می باشد. در ایران با افزایش نرخ باسوادان و کاهش بیسوادی طی سال ۱۹۹۴، فعالیت‌هایی تحت عنوان «آموزش پیگیر» به مورد اجرا درآمده است که از آن جمله می توان به موارد ذیل اشاره نمود:

۱- تدوین و انتشار کتب آموزشی مطابق نیاز و علاقه نوسوادان بزرگسال به واسطه انجام

تحقیقات علمی



۲- تلخیص و انتشار ۱۰۰ عنوان کتاب آموزشی و علمی در خصوص مبانی دینی، بهداشتی،

اجتماعی، اقتصادی، تربیتی و خانوادگی

۱۳. طرح تشکیل گروه‌های پیگیر سوادآموزی

گروه‌های مذکور با هدف افزایش دانش نوسوادان در رشته‌های مختلف آموزشی، تقویت مهارت‌های سوادآموزی افراد و هدایت افراد از آموزش‌های حضوری به نیمه حضوری و در نهایت آموزش غیرحضوری تشکیل گردید. گروه‌های مذکور متشکل از آندسته از افرادی است که به فراگیری موفقیت آمیز سوادآموزی پایه (مقاطع ابتدائی و تکمیلی) نائل آمده‌اند. در گروه‌های مذکور ۳۸ عنوان کتاب تلخیص شده و آسان فهم در خصوص موضوعات دینی، اخلاقی، خانوادگی، بهداشتی، اجتماعی و اقتصادی مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد. این گونه فعالیتها از سال ۱۹۹۵ آغاز شده و بالغ بر ۶۷ هزار نفر در این گروهها حضور یافته و از آموزش‌های لازم بهره‌مند گردیده‌اند.

تعداد گروه‌های پیگیر سوادآموزی و سوادآموزان در حال آموزش طرح آموزش پیگیر به تفکیک جنسیت و مناطق

سال	گروه	سوادآموزان مرد	سوادآموزان زن	مناطق شهری	مناطق روستائی
۱۹۹۵	۷۶۹۲	۱۱۰۵۹	۱۰۲۰۱۰
۱۹۹۶	۱۱۹۰۷	۱۴۲۲۷	۱۵۱۶۱۴	۸۳۸۷۴	۹۱۹۶۷
۱۹۹۷	۱۴۹۲۳	۱۸۰۳۸	۱۸۱۳۳۸	۸۹۶۹۹	۱۰۹۶۷۷
۱۹۹۸	۱۳۷۲۴	۱۵۲۵۰	۱۶۷۶۱۵	۸۱۴۷۸	۱۰۱۳۷۸
کل	۴۸۲۴۶	۴۷۵۱۵	۵۰۰۵۶۷	۲۴۵۰۶۰	۳۰۳۰۲۲

منبع: سازمان نهضت سوادآموزی (L.M.O)



۱۴. طرح آموزش از طریق وسایل ارتباط جمعی

با توجه به این واقعیت که امروزه وجود وسایل ارتباط جمعی و ترکیبی از آنها به بهبود آموزش و افزایش کمیت و کیفیت برنامه های آموزشی منجر گردیده، سازمان نهضت سوادآموزی به اجرای طرحهای رسانه ای ذیل در حوزه سوادآموزی مبادرت می نماید:

۱۵. طرح چاپ «نیم صفحه» ویژه نوسوادان

از ژانویه ۱۹۹۰، هر پنجشنبه نیمی از صفحات روزنامه دولتی «اطلاعات» به مقالات آموزشی و انتقال پیامهای مختلف به نوسوادان اختصاص می یابد. به واسطه انتشار مقالات مذکور در خصوص موضوعات مختلف، سازمان نهضت سوادآموزی به برقراری ارتباط با مخاطبین خود مبادرت نموده است. در حال حاضر تعداد خوانندگان مقالات مذکور به ۴۰ هزار نفر بالغ می گردد.

۱۶. طرح برنامه رادیویی جویبار دانش

از سال ۱۹۹۴، طرح برنامه رادیویی جویبار دانش در جهت ارتقاء فرهنگ مطالعه و استفاده بهتر نوسوادان به اجرا درآمده است.

۱۷. طرح «مجله نهضت» رادیو پیام

از سال ۱۹۹۷، برنامه های ویژه ای اعم از برنامه های علمی، مذهبی، اجتماعی، تاریخی و آموزشی مناسب برای کم سوادان تدارک دیده شده و هر جمعه از رادیو پیام پخش می گردد.



۱۸. طرح برپائی نمایشگاه‌های کتاب

از آنجاییکه نمایشگاه‌های کتاب و کتابهای موجود در آن عموماً تنها برای افراد باسواد قابل استفاده می باشد از این روی افراد نوسواد و کم‌سواد اغلب مورد غفلت واقع شده و کتابهای مناسب آنان در بازار کتاب یافت نمی‌گردد. سازمان نهضت سواد آموزی (L.M.O) جهت مقابله با این نقیصه به برپایی نمایشگاه‌های مختلف ویژه افراد کم سواد و نوسواد در استانها و شهرستانها مبادرت می نماید.

۱۹. طرح تجهیز کتابخانه‌های عمومی شهری و روستایی ویژه نوسوادان

با تأیید هیئت امنای کتابخانه‌های عمومی کشور، یک قفسه در هر کتابخانه به کتابهای مناسب نوسوادان اختصاص یافته است. هدف از این کارگسترش فعالیت‌های آموزشی و ارتباطی میان سوادآموزان و کتابخانه‌ها و تشویق آنان به پرداختن به مطالعه شخصی می باشد. با همکاری دبیرخانه هیئت امنای کتابخانه‌های کشور، بالغ بر ۳۰۰ هزار عنوان کتاب ویژه نوسوادان در موضوعات مختلف به کتابخانه‌های شهری و روستایی اهداء گردیده است. گفتنی است که تعداد اعضای کتابخانه‌های مذکور بر ۱۲ هزار نفر بالغ می‌گردد.

۲۰. طرح برگزاری مسابقات کتابخوانی

مسابقات کتابخوانی متعددی توسط سازمان نهضت سواد آموزی (LMO) و با همکاری دیگر سازمانهای دولتی با هدف تشویق نوسوادان به کتابخوانی در میان افراد نوسواد برگزار می‌گردد. از جمله مهمترین این مسابقات میتوان به مسابقات آشنائی با زندگی رسول اکرم(ص) و ائمه اطهار(ع) با حضور ۲۳۰ هزار نوآموز کشور اشاره نمود. گفتنی است که از سال ۱۹۹۶ بالغ بر ۶۰ میلیون نسخه کتاب طی مسابقات مذکور مورد مطالعه قرار گرفته است.



۲۱. طرح ارائه خدمات مکاتبه‌ای

به منظور ارائه خدمات آموزشی و افزایش دانش افرادی که برای شرکت در کلاس‌ها و برنامه‌های آموزشی، وقت کافی ندارند و برای ایجاد خوداتکائی در سوادآموزان و گسترش فرهنگ عمومی، ...

شرکت خدمات پستی جمهوری اسلامی ایران برای رؤسای گروهها (به عنوان نماینده سازمان نهضت سوادآموزی) بسته‌های آموزشی را برای توزیع میان سوادآموزان تهیه می‌کند و سپس آن‌ها را بعد از مطالعه به LMO برمی‌گرداند. این برنامه ۲۰ هزار کم‌سواد را پوشش می‌دهد. آن‌ها هر کتاب را در یک ماه مطالعه کرده و سپس آن را پس می‌دهند. هدف نهائی این برنامه ایجاد ارتباط بین کم‌سوادان و مراکز اطلاعاتی نظیر کتابخانه‌ها می‌باشد.

۲۲. طرح برقراری همکاری میان نهادهای مختلف

LMO معتقد است که سوادآموزی مهارتی است که دارای قابلیت‌های گسترده و گوناگونی در حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است که مساعدت و همکاری دیگر وزارتخانه‌ها، بخش‌های دولتی یا سازمانهای بین‌المللی را می‌طلبد.

از جمله مهمترین طرح‌های مذکور (طرحهای مشترک) می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:

۲۳. طرح تجهیز کتابخانه‌های عمومی شهری و روستایی

از آنجائی که سوادآموختگان و نوسوادان به مطالعه کتابهای غیر از کتب درسی خود نیازمندند، در کنار انتشار ۱۵ کتاب تحت عنوان «مطالعه همراه خانواده» ۴۰ عنوان کتاب برای فعالیتهای گروه‌های پیگیری سوادآموزی چاپ و منتشر شده‌اند. به علاوه، L.M.O با همکاری هیئت امنای کتابخانه‌های عمومی و وزارت جهادسازندگی فعالیت فرهنگی مشترکی انجام داده است



و در نتیجه بخش ویژه‌ای برای نوسوآدان دکتآبخانه‌هآعمومی شهرها و روستاها اختصاص یافته است.

مشکلات عمدهٔ سازمان نهضت سوادآموزی (LMO)

از جمله مهم‌ترین مشکلاتی که سازمان نهضت سوادآموزی (LMO) با آن دست به گریبان است می‌توان موارد ذیل اشاره نمود:

۱. سیاستگذاری نادرست آموزشی در سطح ملی و سازمانی

ریشه‌کنی کامل بیسوادی در کشور، به حرکت ملی و همکاری کلیه سازمانهای ذیربط نیازمند است و این درحالیست که سهم عمده‌ای از چنین وظیفه‌ای منحصرآ توسط سازمان نهضت سوادآموزی صورت می‌گیرد. از این روی کلیه مراجع مسئول موظف به همکاری دراین حوزه می‌باشند. توقف افزایش تعداد افراد بی‌سواد، جلوگیری از رشد بی‌سوادی را می‌طلبد و این درحالیست که با تحت پوشش قرار نگرفتن کلیه کودکان واجد شرایط در برنامه‌های سوادآموزی امید به برطرف نمودن بیسوادی در آینده ذهی خیال باطل خواهد بود. در شرایط کنونی کشور، عدم اتخاذ سیاستهای منسجم آموزشی در حوزه سوادآموزی به عدم تشویق و ترغیب افراد بیسواد به حضور در کلاس‌های آموزشی و عدم طراحی برنامه‌های تبلیغی مناسب و کمبود منابع مالی تبلیغاتی منجر گردیده است.

۲. عدم اتخاذ روشها و متدهای صحیح آموزشی مطابق با تنوع نیازهای سوادآموزان، به ویژه

سوادآموزان بزرگسال

۳. عدم گسترش و تثبیت آموزش به واسطه هزینه‌های بالای آموزشی و محدودیت‌های مالی



۴. تشکیل سهم عمده ای از کلاس‌های آموزشی در محوطه خارج از مدارس و در اماکنی نظیر

مساجد، ساختمانهای استیجاری و چادرهای عشایری

۵. محدودیت نیروی انسانی

کمبود نیروی انسانی ماهر و متخصص در آموزش این دوره‌ها سبب گردیده است که سطح

موفقیت‌های آموزشی از سطح معیار و استاندارد پایینتر باشد. از سوی دیگر به واسطه تنوع

سوادآموزان در مناطق روستائی، تربیت نیروی انسانی کافی برای تمامی آنان با مشکلاتی روبرو

است.

۶. محدودیت‌های مالی

از آنجائی که فعالیت‌های سازمان نهضت سوادآموزی در برگیرنده حوزه‌های گسترده‌ای

می‌باشد، تدارک بودجه کافی جهت برطرف نمودن نیازهای آن با مشکلاتی روبرو است.

۷. ضعف ساختار سازمانی به واسطه وجود فقر در میان خانواده‌های بیسواد و کم سواد، وجود موانع

و تعصبات فرهنگی، وجود تنوعات فرهنگی در میان طوایف و اقوام مختلف، عدم تاثیر دانش

پایه بردار آمد خانواده‌ها، وجود مناطق محروم، کمبود نیروی انسانی در مناطق روستائی، ضعف

همکاری سایر سازمانها، حقوق ناکافی معلمان، کمبود کتابهای درسی مناسب و دیگر منابع

آموزشی، طولانی شدن دوره‌های آموزشی

سیاستهای اخیر سازمان نهضت سوادآموزی

بالاترین شاخص سوادآموزی در ایران به ۹۰٪ طی دهه ۲۰۰۱-۱۹۹۱ بالغ می‌گردد. این نسبت برای

بزرگسالان رده سنی زیر ۴ سال بر ۹۵٪ و برای بزرگسالان رده سنی بالای ۴۰ سال بر ۸۵٪ بالغ می



گردد. با وجود تعداد قابل توجه باسوادان برخوردار از مهارت‌های آموزشی پایه و علیرغم پایان سیاست‌های مبارزه با بی‌سوادی از طریق تشکیل کلاس‌های حضوری و نیمه‌حضوری نهضت سوادآموزی، همچنان آمار بزرگسالان بی‌سوادی زیر رده سنی ۴۰ سال کشور بر ۱/۵ میلیون نفر بالغ می‌گردد. از آنجائی که برگزاری کلاس‌های حضوری، به نقض مقررات آموزشی کنونی کشور منجر گردیده و از لحاظ اقتصادی نیز توجیه‌پذیر نمی‌باشد، از این روی جهت برطرف نمودن این معضل و باسوادی ۱/۵ میلیون بزرگسال زیر ۴۰ سال، سازمان نهضت سوادآموزی طی سالهای اخیر به اجرای سیاست انعطاف‌پذیری و ادامه مبارزه با بیسوادی در مناطق محروم، از طریق برپایی کلاسهای آموزشی نیمه‌حضوری، آموزش از راه دور، و آموزش نفر به نفر مبادرت مینماید.

راه کارها و طرحهای آتی سازمان

از جمله مهمترین طرح های آتی سازمان نهضت سوادآموزی می توان به موارد ذیل اشاره نمود:

۱. اجباری نمودن مقطع آموزش یک ساله پیش دبستانی
۲. نوسامانی ساختار سازمانی و مدیریتی، به منظور ایجاد همبستگی میان مراجع و مقامات رسمی مراکز آموزش پیش دبستانی، وزارت آموزش و پرورش و سازمان تأمین اجتماعی
۳. حمایت از کودکان رده سنی ۵ سال جهت حضور در دوره های آموزشی آمادگی
۴. احداث فضاهای آموزشی مطابق با نیازهای گروه‌های سنی مختلف
۵. آموزش و استخدام کارشناسان، مدیران، معلمان و دیگر کارشناسان مراکز آموزش پیش دبستانی
۶. بهره‌برداری از امکانات موجود مراکز استانی IRIB (صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران) و رسانه‌های ارتباط جمعی ملی در جهت تقویت و تسهیل آموزش پیش دبستانی



۷. برنامه‌ریزیهای آموزشی جهت اولویت بخشیدن به آموزشهای خارج از مدارس دختران و آموزش

کودکان مناطق محروم

۸. افزایش نرخ ثبت نام دانش آموزان در سطح ملی از ۹۷ درصد به ۱۰۰ درصد

۹. احداث مدارس جدید در مناطق محروم با بهره‌گیری از منابع دولتی و غیردولتی

۱۰. استخدام افراد محلی برخوردار از مدارک دانشگاهی به‌عنوان معلمان در مناطق محروم

۱۱. فراهم نمودن و ارائه کتب درسی، لوازم‌التحریر، البسه و تغذیه رایگان به دانش‌آموزان مناطق

محروم جهت ترغیب آنان به حضور در مدارس

آموزش بزرگسالان

از جمله مهمترین نهادها، وزارتخانه‌ها و سازمانهای دولتی و غیر دولتی مسوول آموزش بزرگسالان میتوان به سازمان نهضت سواد آموزی L.M.O، وزارتخانه‌های جهاد سازندگی و کشاورزی و سخنگوی دولت جمهوری اسلامی ایران اشاره نمود.

نظر به نقش قاطع L.M.O در آموزش بزرگسالان در سال ۱۹۸۷ شورای پشتیبانی آموزشی تحت ریاست رئیس‌شورا به تشکیل جلساتی جهت طراحی و تصویب استراتژی‌ها و یافتن راه‌حلهای علمی جهت مبارزه با بی‌سوادی تشکیل یافت.

برنامه‌ریزی آموزشی

از جمله مهمترین برنامه‌ریزی‌های آموزشی که در حوزه آموزش بزرگسالان صورت گرفته می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:

۱. تغییر ساختار دوره‌های آموزش حضوری به آموزش مکاتبه‌ای و نیمه حضوری

۲. برطرف نمودن بیسوادی در افراد رده‌های سنی ۴۰-۱۰ سال



۳. تحکیم و تثبیت مهارت‌های سوادآموزان و نوسوادان در جهت جلوگیری از بازگشت آنان به دوره

بیسوادی

۴. ثبت نام کودکان در مدارس رسمی

۵. اعمال محدودیتهایی در هدایت افراد بیسواد و کم سواد رده های سنی زیر ۴۰ سال

به کلاس های سوادآموزی

۶. استفاده از منابع عمومی و خصوصی جهت مبارزه با بیسوادی من جمله رسانه های جمعی

مانند رادیو، تلویزیون و نشریات

اهداف و استراتژی ها

استراتژی ها

از جمله مهمترین راهبردهای آموزشی آموزش بزرگسالان طی برنامه ۵ ساله اول توسعه اقتصادی،

اجتماعی و فرهنگی میتوان به موارد ذیل اشاره نمود:

۱. تعیین و تعریف سطح آموزش در جامعه و توسعه کشور، تعیین و تعریف مسئولیت های

مکمل دولت و مردم در آموزش و ارتقای انگیزه های ملی جهت برقراری مشارکت و همکاری های

مردمی

۲. تأکید بر آموزشهای عملی، علمی و فنی و حرفه ای در چارچوب برنامه های جاری آموزشی

۳. تلاش در جهت کسب اطمینان از همکاری سازمانهای مربوطه به منظور اصلاح قوانین و مقررات

موجود در جهت برخورداری همگانی از تسهیلات اجتماعی من جمله قانون ممنوعیت کار ویژه

کودکان رده های سنی ۶ تا ۱۰ سال

۴. تأکید بر انسجام و تقویت روشهای آموزشی جهت جلوگیری از بیسوادی و اولویت دادن به نو

آوری و اتخاذ روشهای مناسب جهت یادگیری موثر و قابل کاربرد برای افراد شاغل



از جمله مهمترین راهبردهای آموزشی آموزش بزرگسالان طی برنامه ۵ ساله دوم توسعه اقتصادی اجتماعی و فرهنگی می توان به موارد ذیل اشاره نمود:

۱. توسعه و تشویق آموزش بزرگسالان زیر رده سنی ۴۰ سال به واسطه اتخاذ متدهای مدرن آموزشی

۲. توسعه آموزش مکمل بزرگسالان

اهداف کیفی

از جمله مهمترین اهداف کیفی مقطع آموزش بزرگسالان می توان به موارد ذیل اشاره نمود:

۱. ریشه کنی بی سوادی بین افراد رده های سنی ۶-۳۵ سال

۲. برقراری ثبات میان نوآموزان و جلوگیری از بازگشت بی سواد

سیاستها ، استراتژی ها و اولویتها

از جمله مهمترین سیاستها، استراتژی ها و اولویت های آموزش بزرگسالان می توان به موارد ذیل اشاره نمود:

۱. ریشه کنی بی سوادی بین رده های سنی ۶-۳۵ سال

۲. تمرکز بر سیاستگذاری آموزش بزرگسالان با تأکید بر تفویض قدرت اجرایی به مناطق و نهادهای

محلی

۳. اولویت دادن به نوآوری و اجرای روشهای آموزش کاربردی مناسب کشاورزان ، صنعتگران ،

روستاییان و زنان



۴. ارزیابی فعالیت‌های سوادآموزی در مراکز آموزش ابتدایی مناطق محروم و هماهنگی کامل با

برنامه‌های وزارت آموزش و پرورش

برنامه‌های عملی

از جمله مهمترین برنامه‌های عملی آموزش بزرگسالان که در جهت مبارزه علیه بی‌سوادی توسط

نهضت سوادآموزی L.M.O به اجرا در آمده است می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:

طرح سوادآموزی کارکنان و کارگران

با اجرای طرح مذکور طی سالهای ۱۹۹۸ - ۱۹۹۰، بالغ بر ۱۷۱ / ۵۷ / ۴ نفر به واسطه اجرای

طرح مذکور از مهارت‌های سوادآموزی برخوردار گردیدند.

طرح سرباز معلم

طی طرح مذکور افراد با تحصیلات دیپلم و بالاتر به گذراندن دوره خدمت وظیفه نظامی پس

از گذراندن دوره تعلیمات آموزشی خود به‌عنوان معلمین سوادآموزی در مناطق روستایی و

عقب مانده گمارده شدند که با پیشرفت فزاینده برنامه‌های سوادآموزی همراه بود.

طرح بسیج سوادآموزی

طرح مذکور طی سال ۱۹۹۰ همزمان با تصویب اظهارنامه جهانی آموزش در جامتین تایلند به

اجرا درآمد که در نتیجه آن از حدود ۳ میلیون نفر بی‌سواد در کلاس‌های سوادآموزی ثبت

نام به عمل آمد.

طرح سوادآموزی نیروهای مسلح

با اجرای طرح مذکور طی سالهای ۱۹۹۸ - ۱۹۹۰، بالغ بر ۳۷۶۷۶۹ نفر از نعمت سواد برخوردار

گردیدند.



طرح سواد آموزی قبایل چادر نشین

با اجرای طرح مذکور طی سالهای ۹۸ - ۱۹۹۰، بالغ بر ۸۷۶ / ۱۳۱ نفر از نعمت سواد برخوردار گردیدند.

طرح سواد آموزی زندانیان

طرح فراگیر سواد آموزی (پیگیری فعالیتهای آموزشی)

از جمله مهمترین سیاستهای به اجرا در آمده در طرح مذکور می توان به موارد ذیل اشاره نمود:

۱. اجرای سیاست تداوم در آموزش

۲. طرح خواندن با خانواده

۳. طرح تداوم گروهها

۴. آموزش از رسانه های گروهی

۵. برپایی مسابقات کتابخوانی

۶. تجهیز کتابخانه های شهری و روستایی ویژه نوسوادان

طی دهه اخیر اجرای برنامه های موفقیت آمیز سواد آموزی، اجرای دوره های فراگیر سواد آموزی،

تقویت مهارت های خواندن و نوشتن، تشویق افراد بیسواد و کم سواد به مطالعه و ارتقاء

مهارت های حرفه ای توسط سازمان نهضت سواد آموزی L.M.O به اعطای ۳ جایزه بین المللی

ذیل به سازمان مربوطه منتهی گردید:

دیپلم افتخار و جایزه NOMA (سال ۱۹۹۰)

نشان افتخار سواد آموزی (سال ۱۹۹۸)

جایزه Malcom Adisa Shia (سال ۱۹۹۹)



با وجود این آموزش بزرگسالان با مشکلات متعددی مواجه بوده است که از آن جمله میتوان به

دلایل اصل ذیل اشاره نمود:

۱. طبیعت غیر قابل اجرا و عدم وضوح مواد درسی

۲. کمبود نیروی انسانی

۳. فضای آموزش نامناسب و غیرآموزشی مراکز سواد آموزی نظیرخانه های مسکونی، مساجد

و.....

۴. کمبود بودجه و مواجه با مشکلات مالی

۵. فقر مالی و فرهنگی مردم بی سواد و کم سواد

۶. غیر قابل دسترس بودن بعضی از مناطق عقب مانده بخاطر دوری آنها

۷. تدارک عمده منابع مالی طرحهای سواد آموزی توسط دولت و تدارک تنها بخش ناچیزی از

بودجه توسط افراد خیر و موسسات خیریه و سازمانهای غیر دولتی

آموزش استثنائی

تاریخچه آموزش استثنائی در ایران به بیش از هفتاد سال پیش باز می گردد. تلاشهای اولیه عمدتاً

بر آموزش بصری، شنیداری و ذهنی دانش آموزان عقب افتاده در بخش غیردولتی مشتمل می گردید.

با مطرح شدن طرح «آموزش و پرورش همگانی» طی کنفرانس jomtien و تصویب این طرح در

مجلس شورای اسلامی، سازمان آموزش استثنائی در سال ۱۹۹۳ تحت نظارت وزارت آموزش و پرورش

تأسیس یافت.

از جمله مهمترین اهداف نظام آموزش و پرورش استثنائی می توان به موارد ذیل اشاره نمود:



۱. جبران ناتوانیهای فیزیکی و ذهنی کودکان ناتوان از طریق طراحی سیستم آموزش و پرورش و برنامه های توانبخشی در جهت نوسامانی موقعیت اقتصادی و اجتماعی کودکان استثنایی
۲. تغییر و اصلاح سیاستهای آموزش استثنائی با توجه به آخرین متدهای جهانی مطابق با نیازهای کودکان ناتوان در شرایط خاص و محیطزندگی آنان
۳. تشکیل گروههای متفاوت آموزشی از کودکان و دانش آموزان ناتوان با توجه به نیاز آنها به آموزشهای خاص، در نظر گرفتن نیازهای هر گروه در پیش دبستانی و دبستان و راهنمایی و دبیرستان و تأکید بر آموزش حرفه ای و تلاش برای نام نویسی کلیه کودکان که نیازهای خاص دارند.

۴. مشارکت در پیشگیری از ناتوانیهای جسمی و ذهنی مادرزادی، عقب ماندگی های حین و پس از زایمان کودکان از طریق بالابردن آگاهی عمومی و معرفی عوامل مسبب ناتوانیهای مذکور در کودکان

دانش آموزان استثنائی

طی دهه ۱۹۹۰، سازمان آموزش استثنائی به ثبت نام تعداد بیشتری از دانش آموزان مبادرت می نماید. طبق آخرین آمار بدست آمده طی سال ۱۹۹۱، از تعداد ۳۱۱۵۸ دانش آموز و طی سال ۱۹۹۸ از تعداد ۳۶۷،۵۹۹ دانش آموز ثبت نام به عمل آمد.

نرخ ثبت نام کودکان استثنائی در مقطع آموزش ابتدایی بر مبنای جنسیت

سال	۱۹۹۰	۱۹۹۱	۱۹۹۲	۱۹۹۳	۱۹۹۴	۱۹۹۵	۱۹۹۶	۱۹۹۷	۱۹۹۸
تعداد دانش آموزان کلاسهای مختلط	۳۱۱۵۸	۳۶۷۷۸	۴۰۶۱۷	۴۴۱۰۹	۵۰۲۶۲	۵۴۹۳۸	۵۸۰۷۱	۶۳۴۵۹	۵۹۳۶۷
دانش آموزان پسر	۱۹۵۴۵	۲۲۹۶۹	۲۵۵۸۴	۲۶۸۴۶	۳۰۹۱۷	۳۳۵۹۸	۳۵۶۲۷	۳۹۵۹۹	۳۶۴۶۴



دانش آموزان دختر	۱۱۶۱۳	۱۳۸۰۹	۱۵۵۳۳	۱۷۲۶۳	۱۹۳۴۵	۲۱۳۴۰	۲۲۳۴۴	۲۴۳۶۰	۲۲۹۰۳
------------------	-------	-------	-------	-------	-------	-------	-------	-------	-------

منبع: اداره هماهنگی و ادغام طرحها

معلمین آموزش استثنائی

تعداد معلمین مراکز آموزش ابتدایی استثنائی طی سال ۱۹۹۰، بر ۴۷۱۳ نفر بالغ گردید که با توجه به افزایش تعداد دانش آموزان این رقم طی سال ۱۹۹۸ به ۸۱۳۴ نفر افزایش یافت. تعداد معلمین که از شرایط انجمن علمی برخوردار می باشند از ۵۰/۶٪ طی سال ۱۹۹۰ به ۸۱/۷٪ طی سال ۱۹۹۸ بالغ گردیده است.

نرخ معلمین آموزش استثنائی با صلاحیت انجمن علمی

سال تحصیلی	تعداد کل	تعداد معلمین سازمان آموزش استثنائی		درصد معلمین با صلاحیت آکادمیک
		تعداد معلمین دیپلمه	درصد معلمین دیپلمه	
۱۹۹۰	۴۷۱۲	۲۲۷۵	۵۱	۵۰/۶
۹۱	۵۴۱۵	۲۳۹۵	۶۲	۵۴/۶
۹۲	۵۷۵۹	۲۴۰۷	۳۸	۵۷/۵
۹۳	۵۸۱۲	۲۳۵۳	۴۲	۵۸/۷
۹۴	۵۸۱۰	۲۱۸۰	۵۰	۶۷/۲
۹۵	۶۹۷۵	۱۸۹۴	۴۱	۷۲/۲
۹۶	۷۰۹۲	۱۵۸۱	۲۶	۷۷/۳
۹۷	۷۵۲۱	۱۴۷۹	۲۳	۸۰
۹۸	۸۱۳۴	۱۴۵۳	۳۴	۸۱/۷

منبع: سازمان آموزش استثنائی



نرخ دانش آموزان مواجه با ناتوانی‌های متفاوت جسمی و ذهنی برحسب جنسیت

سال تحصیلی	دانش آموزان نابینا و نیمه نابینا	دانش آموزانی با ناتوانیهای متعدد	دانش آموزان ناتوان از لحاظ حرکتی و فیزیکی	دانش آموزانی با مشکلات رفتاری	دانش آموزان ناشنوا و کم شنوا	دانش آموزان عقب مانده ذهنی
	۱۱۹۲	-	-	۳۹۴	۸۴۹۴	۲۱۰۷۸
۱۹۹۱	۷۱۰	-	-	۳۵۴	۴۸-۰	۱۳۶۸۱
	۴۸۲	-	-	۴۰	۳۶۹۴	۷۳۹۷
	۱۳۵۱	۵۳۸	۷۵۲	۴۶۶	۹۵۱۱	۲۴۱۶۰
۹۱	۷۷۴	۴۰۸	۴۹۱	۳۷۲	۵۴۰۳	۱۵۵۲۱
	۵۷۷	۱۳۰	۲۶۱	۹۴	۴۱۰۸	۸۶۳۹
	۱۴۷۲	۳۵۵۸	۳۶۶	۶۲۹	۹۷۱۲	۲۴۸۸۰
۹۲	۸۳۷	۲۳۶۴	۲۴۹	۵۱۶	۵۵۱۸	۱۵۶۱۸
	۶۳۵	۱۲۱۲	۱۱۷	۱۱۳	۴۱۹۴	۹۲۶۲
	۱۴۸۵	۳۳۳۶	۶۹۱	۵۶۷	۱۰۲۰۵	۲۷۸۲۵
۹۳	۸۵۶	۲۱۸۶	۴۸۰	۴۵۵	۵۷۴۲	۱۷۱۲۴
	۶۲۶	۱۱۵۰	۲۱۱	۱۱۲	۴۴۶۳	۱۰۷۰۱
	۱۶۳۴	۲۱۵۶	۱۰۶۶	۹۲۷	۱۱۳۱۴	۳۳۱۶۴
۹۴	۹۳۴	۱۴۱۸	۶۸۶	۶۷۰	۶۳۰۸	۲۹۰۱
	۷۰۰	۷۳۸	۳۸۰	۲۵۷	۵۰۰۶	۱۲۲۶۳
	۱۶۸۱	۲۲۱۹	۵۸۱	۵۰۷	۱۱۴۸۳	۳۸۴۶۷
۹۵	۱۰۳۳	۱۴۰۵	۳۴۵	۴۱۴	۶۴۱۸	۲۳۹۸۳
	۶۴۸	۸۱۴	۲۳۶	۹۳	۵۰۶۵	۱۴۴۸۴
	۱۶۶۳	۲۷۲۰	۵۶۷	۲۴۹	۱۱۲۶۴	۴۱۵۹۹
۹۶	۹۸۴	۱۷۲۱	۳۴۱	۲۱۱	۶۲۲۶	۲۶۱۴۴
	۹۷۹	۹۹۹	۲۲۵	۳۸	۵۰۳۸	۱۵۴۵۵
	۱۷۵۹	۳۴۷۰	۶۸۵	۳۷۲	۱۱۳۵۰	۴۵۸۲۳
۹۷	۱۰۱۸	۲۲۰۷	۳۳۲	۲۷۴	۶۳۳۶	۲۸۸۳۲
	۷۴۱	۱۲۶۳	۲۵۳	۹۸	۵۰۱۴	۱۶۹۹۱
	۱۷۹۷	۳۰۶۳	۶۳۵	۲۲۸	۱۱۲۱۱	۴۲۴۳۳
۹۸	۱۰۶۷	۱۹۱۴	۴۰۵	۱۶۱	۶۴۳۴	۲۶۶۸۳
	۱۷۳۰	۱۱۱۴	۲۰۳	۶۷	۴۹۷۷	۱۵۷۵۰



آموزش معلمان

از جمله مدارک علمی مورد نیاز جهت تدریس در سطوح مختلف آموزش و پرورش می توان به موارد ذیل اشاره نمود:

مقطع آموزش پیش دبستانی

سطح اول : دارندگان دیپلم متوسطه علوم تجربی و ریاضی - فیزیک با ۵ سال سابقه تدریس در سازمان نهضت سوادآموزی ، دانشجویان دوره های ۲ ساله و ۴ساله تربیت معلم و دارندگان مدرک علمی تربیت معلم

سطح دوم : مدرک علمی کاردانی آموزش معلمان در یکی از رشته های درسی

سطح سوم : دارندگان مدرک علمی کارشناسی در رشته های دبیری و یا رشته های ۱۴ گانه

تخصصی دروس آموزشی

دوره های آموزش ضمن خدمت

هدف اصلی برگزاری دوره های آموزش ضمن خدمت افزایش سطح دانش معلمان، تأمین نیروی انسانی متخصص مورد نیاز مقاطع مختلف آموزشی و احراز صلاحیت آموزشی جهت تدریس در مقاطع مختلف آموزشی است. نحوه حضور معلمان در دوره های آموزش ضمن خدمت در حالت کلی اختیاری و در مواردی نظیر آموزش پیش از استخدام ، آموزش در مراحل آغازین استخدام و تدریس در مقاطع ویژه آموزشی نظیر مقطع پیش دانشگاهی و افزایش پایه حقوق اجباری است.

دوره های مذکور در قالب دوره های آموزشی فشرده تابستانی و عادی طی سال تحصیلی به معلمان ارائه می گردد. گفتنی است با وجود اهمیت فوق العاده دوره های مذکور تنها ۱۰ درصد از معلمان در آن



حضور می یابند. از جمله مهمترین دروس آموزشی دوره های آموزش ضمن خدمت می توان به دروس اختصاصی رشته های آموزشی و دروس عمومی اعم از عقاید و ارزشهای مذهبی، زبان و ادبیات فارسی، بهداشت، محیط زیست و زبانهای خارجه اشاره نمود.

طرح های آموزشی

از جمله مهمترین طرحهای آموزشی وزارت آموزش و پرورش ایران می توان به موارد ذیل اشاره نمود:

۱. طرح توسعه مشارکت مردمی در امر مدرسه سازی

از جمله مهمترین اقدامات وزارت آموزش و پرورش در جهت ارتقاء آموزش کشور می توان به تلاش در جهت افزایش مشارکت گسترده مردم در حوزه آموزش اشاره نمود. از سال ۱۹۹۰ تلاشهای گسترده ای در جهت استفاده از نقش مردم و جذب مشارکتهای مردمی صورت گرفته است که از آن جمله می توان به احداث ۱۷۶۴۵ باب کلاس درس توسط افراد خیر اشاره نمود.

علاوه بر این افراد خیر زیادی از طریق پرداخت پول، کمکهای جنسی، اهداء زمین و مصالح ساختمانی در امر مدرسه سازی سهیم بوده اند.

۲. طرح «کلبه زدائی» در مناطق محروم کشور

طبق آخرین آمار بدست آمده، بالغ بر ۱۶۰۰۰ کلاس درسی در فضاهای نامناسب مناطق محروم و آسیب پذیر کشور اعم از کلبه ها، چادرها و خانه های خشتی تشکیل می یافت. از این روی به منظور محرومیت زدائی، «سازمان نوسازی، گسترش و تجهیز مدارس» وابسته



به وزارت آموزش و پرورش اقداماتی جهت اجرای طرح «کلبه‌زدائی» در مناطق محروم کشور به عمل آورد. گفتنی است که در روند اجرای طرح مذکور استانهای سیستان و بلوچستان، هرمزگان، کرمان و کهگیلویه و بویراحمد از اولویت خاصی برخوردار بوده‌اند. به نحویکه طی سال ۱۹۹۷، بالغ بر ۱۰۱۸ کلاس درسی و طی سال ۱۹۹۸، ۴۵۶ کلاس درسی جایگزین کلبه‌ها و چادرهای آموزشی استانهای مذکور گردید.

۳. طرح‌های بین‌المللی آموزشی

طی دهه ۹۰، وزارت آموزش و پرورش به برقراری همکاری مناسبی با آژانس‌های بین‌المللی نظیر سازمان یونیسف، یونسکو، UNFPA، UNHCR، ISESCO در جهت اجرای طرحهای مشترک آموزشی مبادرت نمود که از جمله مهمترین طرحهای مذکور می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:

۱. طرح‌های مشترک آموزش و پرورش و سازمان یونیسف

الف: طرح آموزش دختران به ویژه دختران روستایی

ب: طرح آموزش کودک به کودک

پ: برگزاری دوره‌های ویژه آموزش معلمان

ت: فراهم آوردن و گسترش ابزار آموزشی ویژه کودکان استثنایی

ث: طرح تقویت روشهای ارزیابی تحصیلی کودکان در بدو ورود به مقطع آموزش ابتدائی

ج: طرح ارتقاء بهداشت در برنامه‌های آموزشی مدارس

چ: ارزیابی توانائی‌های اساسی (A.B.C.) کودکان

۲. طرح‌های مشترک آموزش و پرورش و سازمان یونسکو

الف: برپائی کارگاه‌های آموزش علمی (طی سال ۱۹۹۶)

ب: برپائی کارگاه‌های آموزشی ویژه آموزش استثنایی (طی سال ۱۹۹۷)

پ: برپائی کارگاه علمی-کاربردی بهبود کیفیت آموزشی (۱۹۹۶)



۴. طرح آموزش و پرورش دختران

از جمعیت ۶۰ میلیونی کشور ایران ۵،۴۸ درصد به جمعیت زنان تعلق دارد. مطابق (بندهای ۱۹، ۲۰ و ۳۰) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران دولت موظف به ارائه آموزش رایگان به کلیه شهروندان بدون در نظر گرفتن جنسیت، رنگ، نژاد، قومیت و ... آنان می باشد. در حال حاضر بیش از ۴۶ درصد از دانش آموزان کشور به جمعیت دانش آموزان دختر تعلق دارد. در نظام آموزش و پرورش پس از انقلاب، مدارس دخترانه و پسرانه از یکدیگر تفکیک گردیده و از تدریس معلمان مرد در مدارس شهری دخترانه و از تدریس معلمان زن در مدارس شهری پسرانه جلوگیری به عمل آمد. از طرفی پس از انقلاب اسلامی با اسلامی شدن جامعه و فضای عمومی (ضرورت استفاده اجباری از حجاب اسلامی) سبب گردیده تا خانواده‌های سنتی و مذهبی نسبت به آموزش دختران و زنان حساسیت کمتری نشان دهند. به عبارت دیگر میزان نابرابری های جنسی در زمینه آموزش نسبت به قبل از انقلاب کاهش یافته است. اما با این حال وضعیت آموزش دختران و زنان ایرانی با کاستی های فراوانی روبروست. براساس پرسشنامه سال ۱۳۷۳ سازمان یونسکو که نهضت سواد آموزی برای آن سازمان تکمیل نمود بالغ بر ۳۴ درصد از جمعیت رده سنی ۱۵ سال کشور بی سواد بوده و همچنان در مقابل هر ۱۰۰ مرد بی سواد، ۱۵۰ زن بی سواد مشاهده می گردد. هر چند که پس از انقلاب اسلامی در ایران تغییر و تحولات عمده ای در طرز تفکر خانواده‌های سنتی نسبت به آموزش دختران و زنان ایجاد گردیده اما با این حال همچنان در جامعه ایرانی آموزش پسران نسبت به آموزش دختران از اولویتهای بیشتری برخوردار می باشد. گفتنی است که عوامل فرهنگی و اقتصادی در زمینه وجود نابرابریهای جنسیتی در عرصه آموزش و پرورش نقش اساسی در بروز چنین تبعیضاتی داشته است به نحوی که ۱ میلیون و ۶۸۹ هزار دانش آموز دختر به علت کمبود امکانات در مناطق محروم کشور از تحصیل باز مانده اند. به عبارت دیگر مانع اصلی در مقابل مدرسه رفتن دختران و زنان فقر و نیاز به کار کودکان به ویژه در مناطق روستایی بوده است. علاوه بر این کمبود جدی امکانات



آموزشی نیز از جمله عوامل بازدارنده تحصیل دختران محسوب می گردد که از آن جمله می توان به متوسط سرانه فضای آموزشی دختران (۲۷,۳ متر مربع در مقابل سرانه ۵ متر مربعی پسران) و اختصاص تنها تعداد ۱۱ سالن ورزشی به زنان در مقابل ۱۰۰۰ سالن ورزشی متعلق به دانش آموزان پسر اشاره نمود. بخش عمده ای از مجموعه دخترانی که به مدارس راه نیافته و یا در مقاطع آموزش ابتدایی و راهنمایی به ترک تحصیل مبادرت می نمایند در شهرهای کوچک و روستایی جذب کارگاههای قالی بافی می گردند. این دختران که اغلب زیر رده سنی ۱۵ سال قرار دارند توسط کارفرمایان جهت فعالیت در بازار کار انتخاب می شوند، زیرا قانون کار شامل آنها نمی گردد. نرخ سواد آموزی زنان در کشور بر ۲,۷۴ درصد و نرخ بیسوادی زنان بر ۸,۲۵ درصد بالغ می گردد که این خود در نتیجه اعمال روشهای غیرمنعطف آموزشی و وجود نابرابری در فرصتهای آموزشی بوده است. علاوه بر این ۷,۵ درصد دختران رده های سنی ۱۵ تا ۱۷ سال مناطق شهری در مقطع آموزش ابتدایی و ۱,۹ درصد در مقطع آموزش راهنمایی به ترک تحصیل مبادرت می نمایند. علاوه بر این از تعداد کل مدارس شبانه روزی تعداد ۹۱۶ مرکز شبانه روزی به دانش آموزان پسر و تعداد ۳۱۰ مرکز به دانش آموزان دختر و از ۱۲۰۰ کانون فرهنگی کشور تنها ۳۵۰ کانون به دانش آموزان دختر تعلق دارد. ۳,۴ درصد از دختران رده های سنی ۴-۶ سال نیز از ورود به مدارس آموزش و پرورش محروم گردیده و بدین طریق تبعیضات، امکانات ناچیز و فقر اقتصادی و اجتماعی به عدم حضور برخی از دختران در مدارس و مراکز آموزشی و یا ترک تحصیل منجر می گردد.

نتیجه گیری

روابط مجموع نظام آموزشی و اداری در اصل جزئی از روابط انسان با انسان در مفهوم کلی آن است. فرهنگ و آموزش و پرورش به همان اندازه که مخلوق روابط اجتماعی و اقتصادی جامعه است خود نیز در ایجاد وضعیت و موقعیت اجتماعی و اقتصادی جامعه یا اعمال تغییراتی در آن تاثیر گذار می باشد. کودکان یا دانش آموزان ذخیره های اجتماعی می باشند که میزان رشد و توسعه اجتماعی و اقتصادی جامعه و رفاه



نسبی و شرایط مساعد تحصیلی در یک فضای غیر متشنج تعیین کننده آن است که چه مقدار از استعدادها، مهارتها و تواناییهای جسمی و روحی آنان در بطن نظام فرهنگی و آموزشی جامعه شکفته شده و به می رسد. اگر چنانچه در محیط های آموزشی نا آرامی، تناقضهای رفتاری، دوگانگی، برخورد و تمایز سلطه یابد، امکان حرکت با ظرفیت کامل دانش آموزان میسر نمی باشد. در آموزش طبقاتی رشد و توسعه به خطر می افتد زیرا در این نوع از شهروندان بر مبنای درآمد اقتصادی تقسیم بندی شده و آندسته از افرادی که از ثروت بیشتری برخوردار باشند، از امکانات آموزشی بیشتر و جامعتری نسبت به کل جمعیت کشور برخوردار می گردند. در نظام آموزشی کشور ایران، عمده هدف دانش آموزان قبولی در آزمون ورودی دانشگاه ها و پیگیری پاسخ گزینه های آزمون دانشگاهی میباشد. متاسفانه نظام آموزشی گذشته و حال حاضر کشور به تولید فکر و اندیشه در دانش آموزان منجر نگردیده است. زمانی میتوان از اعمال تغییر و تحولات اساسی در نظام آموزشی کشور سخن گفت که ماهیت، طرز تلقی و نگرش حاکم بر نظام آموزش و پرورش کشور تغییر یافته و از بینشی باز، آزاد، نقاد و منطبق با نیازهای زمانه برخوردار گردد. اگر در نگرشها تغییراتی بنیادی اعمال نگردد، واحدی نیمسالی و یا واحدی - سالی نمودن واحدهای درسی نتیجه چندانی به بار نخواهد آورد. جهت موفقیت در آموزش تغییر نظام فکری سیستم اداری حاکم بر آموزش و پرورش الزامی است و این درحالیست که متاسفانه برنامه ریزان آموزش و پرورش کشور عمدتاً به اعمال تغییراتی مبادرت می نمایند که به کاهش بودجه آموزش و پرورش از بودجه کل کشور منجر گردیده و این چنین نگرشی بیش از بیش به ایجاد معضلات آموزش و پرورش کودکان و نوجوانان کشور می انجامد. بر اساس آمار سرشماری سال ۱۳۷۵، از جمعیت ۶۰ میلیونی کشور، بالغ بر ۲۳٫۷ میلیون نفر از جمعیت کشور از افراد رده سنی زیر ۱۵ سال متشکل می گردد. طبق آمار فوق از مجموع جمعیت ۹۰۸۰۶۷۶ نفری کودکان رده های سنی ۱۴-۱۰ سال تنها ۸۷ درصد به تحصیل مبادرت داشته



و ۱۳ درصد از نعمت آموزش بی بهره بوده اند. طبق آمار فوق از جمعیت کودکان رده های سنی ۹-۶ سال کل کشور بالغ بر ۹۱ درصد به تحصیل مبادرت داشته و ۹ درصد نیز از نعمت آموزش بی بهره بوده اند.

۵. طرح آموزش زنان

مطابق ماده ۲۱ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مسئولیت تضمین برگزاری دوره های آموزشی و رعایت حقوق زنان در کلیه جنبه ها برعهده دولت می باشد. بنابراین دولت تلاش زیادی در زمینه ارتقای موقعیت اجتماعی زنان و بازیابی حقوق معتبر آنان نموده است. به نحوی که طی دو دهه گذشته از اعمال تبعیض میان زنان و مردان جلوگیری شده و تا حدود زیادی کاهش یافته است. این موضوع به خصوص در طول اجرای برنامه های اول و دوم طی سالهای (۱۹۹۴-۱۹۹۹ و ۱۹۹۳-۱۹۸۹) به اجرا در آمد. سیاست ملی زنان در جمهوری اسلامی ایران به اجرای اهداف و سیاست های دولت در خصوص پیشرفت سریع زنان روستایی از طریق رشد کمی سواد و توسعه تسهیلات آموزشی به عنوان یکی از اهداف اصلی خود تأکید دارد. طبق ماده ۳۰ قانون اساسی، سواد حق مسلم کلیه شهروندان ایرانی می باشد که زنان را نیز شامل می گردد. از جمله مهمترین سیاست های که در جهت نیل به اهداف فوق تبیین و تدوین گردیده می توان به موارد ذیل اشاره نمود:

۱. حذف بی سواد و ارائه فرصت های برابر آموزشی و دوره های آموزش مستمر به زنان و دختران

روستایی

۲. افزایش دوره های آموزش رسمی و غیر رسمی ویژه زنان و دختران روستایی

۳. توسعه آموزش فنی و حرفه ای و فراهم نمودن ترتیبات لازم جهت اشتغال دختران و زنان روستایی

به فعالیت در رشته های کاری مورد نیاز

۴. تلاش جهت توسعه دوره های آموزش کاربردی به فراخور نیازهای زنان و دختران روستایی



۵. توسعه متدولوژی آموزشی و تأکید بر تدوین برنامه‌های آموزشی و مواد درسی که به بهترین وجه ممکن با وضعیت زندگی زنان روستایی مطابق باشد.

۶. طرح آموزش و پرورش پناهندگان

کشور ایران در زمره کشورهای قرار دارد که از بیشترین تعداد جمعیت پناهندگان برخوردار می‌باشد. نقطه اوج پذیرش پناهندگان به اوایل سال ۱۹۹۱ بالغ بر ۱/۴ میلیون پناهنده می‌رسد. به دنبال جنگ خلیج فارس و در نتیجه جنگ ایران و عراق حدود ۱/۴ میلیون پناهنده وارد خاک ایران شدند. در حال حاضر کشور ایران از بیشترین رقم پناهندگان جهانی برخوردار می‌باشد. طبق آخرین آمار بدست آمده طی سال ۱۹۹۷ کل جمعیت پناهندگان کشور بر ۲/۱ میلیون بالغ می‌گردد که ۱/۵ میلیون آن به شهروندان افغانی و بیش از ۵۰۰ هزار نفر (نیم میلیون) به شهروندان عراقی تعلق داشته است.

از جمعیت ۲/۱ میلیون نفر پناهنده گان افغان و عراقی مستقر در کشور ایران بالغ بر ۵۰ درصد به جمعیت کودکان پناهنده تعلق دارد. از این روی نیازهای آموزشی و بهداشتی پناهندگان امر مهمی محسوب شده و بطور مؤثری توسط دولت ایران و UNHCR برآورده شده است. وزارت آموزش و پرورش مسئولیت آموزش کلیه دانش‌آموزان پناهنده اعم از افغانی و عراقی را برعهده دارد.

۷. طرح آموزش والدین

برنامه‌های آموزش والدین توسط مراکز انجمن‌های اولیاء- مربیان طرح‌ریزی شده و با همکاری وزارت آموزش و پرورش، PTA (انجمن اولیاء- مربیان) و مدیران مدارس کشور به مورد اجرا گذارده می‌شود. از جمله مهمترین اهداف آموزش والدین میتوان به موارد اشاره نمود:

۱. افزایش سطح آگاهیهای خانواده‌ها

۲. برقراری انسجام فرهنگی در جامعه

۳. هماهنگی روشهای آموزشی در خانه و مدرسه



۴. استفاده از قابلیت‌های خانوادگی

۵. همکاری و مشارکت در برنامه‌های آموزش خانواده

۸. طرح آموزش خانواده

این نوع آموزش عمدتاً به منظور بهبود کیفیت ارتباطات میان اعضاء خانواده و والدین و فرزندان ارائه می‌گردد. محتوای موضوعات دوره‌های آموزشی خانواده به صورت نظام‌مند مورد بازبینی قرار گرفته تا با شرایط جدید سازگار گردد. در حال حاضر، تعداد ۵ دوره آموزشی در جهت برطرف نمودن نیازهای آموزشی خاص خانواده‌ها به شرح ذیل در حال اجرا می‌باشد:

الف) دوره آموزشی «جوان و خانواده»

ب) آموزش کودکان و خانواده در مقطع آموزش پیش دبستانی

ج) آموزش خانواده و کودکان در مقطع آموزش ابتدایی

د) آموزش خانواده و کودکان در مقطع آموزش راهنمائی

ه) آموزش خانواده و کودکان در مقطع آموزش دبیرستان

از سال ۱۹۹۰ بالغ بر ۳۸۹۷۴۰۰ نفر از والدین در دوره‌های مذکور حضور یافته که ۷۵٪ از آنان را مادران دانش آموزان تشکیل می‌دهند. این دوره‌ها عمدتاً در مناطق شهری برگزار شده و بدلیل کمبود مربیان و مشکلات ایاب و ذهاب و حمل و نقل، بندرت در مناطق روستائی برگزار می‌گردد. بدلیل تنوع نیازهای آموزشی و سطوح متفاوت دانش خانواده‌ها، محتوای آموزشی، با توجه به نیازهای خاص و سطح دانش دانش آموزان تهیه می‌گردد. گفتنی است که بالغ بر ۲۵ درصد از خانواده‌ها تا کنون در دوره‌های آموزش خانواده حضور داشته‌اند. دوره‌های مذکور به منظور ارتقای سطح آگاهیهای خانواده‌ها و هماهنگ نمودن روشهای آموزش طراحی می‌گردد. بدلیل تنوع دوره‌های آموزش والدین و نیازمندیهای متعدد آن، تلاشهای زیادی در جهت برآوردن نیازهای آنان صورت می‌گیرد. تحقیقات به عمل آمده نشان می‌دهد که



این دوره‌ها نیازهای آموزشی والدین را برآورده نموده و والدین نیز از نظرات موافقی نسبت به آنها برخوردار می‌باشند. به‌علاوه، این دوره‌ها تأثیر تربیتی بر دانش آموزشی والدین داشته و به برقراری هماهنگی میان روشهای آموزشی خانه و مدرسه و ارتقاء سطح کیفیت «آموزش همگانی» منتهی می‌گردد.

تأمین بودجه برنامه‌های آموزش خانواده

از سال ۱۹۹۰ به‌منظور فراهم نمودن مواد آموزشی مورد نیاز برنامه‌های آموزش خانواده، بالغ بر ۱۴ کتاب تدریس ویژه کلاس‌های آموزش خانواده تدوین و تألیف گردیده است. کتابهای مذکور شش بار تجدید چاپ شده و بیش از ۴۲،۰۰۰ نسخه از آن در میان والدین توزیع گردیده است. در همان اثناء، ۵۲ دوره آموزش معلمان برگزار گردیده، بالغ بر ۳۵۰۰ نفر از افراد واجد به گذراندن دوره‌ها نائل آمده و گواهینامه ویژه تدریس در کلاس‌های آموزش خانواده دریافت نموده‌اند. همچنین تعداد ۱۰۰ عنوان کتاب در خصوص موضوعات مختلف مورد نیاز خانواده‌ها به‌عنوان کتاب آموزشی انتشار یافته است. طی سال ۱۹۹۳ «شورای جامع آموزش و مشاوره خانواده» به‌منظور برنامه‌ریزی دوره‌های آموزش خانواده تأسیس گردید. شورای مذکور از چند تن از اساتید و کارشناسان آموزشی که مسئولیت هدایت برنامه‌های آموزش خانواده را عهده دار می‌باشند متشکل می‌گردد. مراکز انجمن اولیا - مربیان نیز به اجرای طرحهای تأیید شده توسط این شورا مبادرت می‌نمایند.

طرحهای عملی آموزشی

برنامه‌های عملی

از جمله مهمترین برنامه‌های عملی آموزشی میتوان به موارد ذیل اشاره نمود:

۱. برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (طی سالهای ۱۹۹۳ - ۱۹۸۹)
۲. برنامه دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (طی سالهای ۱۹۹۸ - ۱۹۹۴)



اهداف و استراتژی

از جمله مهمترین اهداف و راهکارهای برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی دولت ایران (طی سالهای ۱۹۹۳ - ۱۹۸۹) میتوان به موارد ذیل اشاره نمود:

۱. اتخاذ راهکارهای مناسب جهت اعمال تغییرات ساختاری و غلبه بر مشکلات و کوتاهی‌های داخلی، به ویژه در خصوص رشد کیفیت آموزشی

۲. تعیین و تبیین مسئولیت‌های دولت در ارائه آموزشهای آزاد و تشویق و ترغیب شهروندان به ثبت نام کودکان در مدارس

۳. افزایش مشارکت دانش آموزان دختر در سطوح مختلف آموزشی

۴. گسترش آموزش در مناطق روستایی و دور افتاده کشور

از جمله مهمترین اهداف و راهکارهای برنامه دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی دولت ایران (طی سالهای ۱۹۹۸ - ۱۹۹۴) میتوان به موارد ذیل اشاره نمود:

۱. تقبل هزینه‌های آموزشی مناطق محروم و اختصاص سهم بیشتری از منابع دولتی به این مناطق

۲. اعمال توجه بیشتر به آموزش زنان و دختران

۳. پیگیری سیاست تدارک امکانات آموزشی و تشویق و ترغیب معلمان با تجربه به تدریس در مناطق محروم

۴. فراهم آوردن فرصت‌های یکسان آموزشی در مناطق مختلف کشور و ممانعت از اجرای سیاستهای تبعیض نژادی



مدارس قبل و پس از انقلاب

قبل از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران دوگونه مدرسه (مدارس دولتی و مدارس ملی) فعالیت داشتند. مدارس پولی که به آنها لقب ملی داده شده بود غالباً با ارائه فوق برنامه های خاص سعی در جلب نظر دانش آموزان داشته و عمدتاً برای آندسته از خانواده هائی دایر شده بود که از توانائی پرداخت هزینه های بیشتر جهت تحصیل فرزندان خود برخوردار بودند. تعداد مدارس ملی بسیار اندک بوده و به لحاظ سطح آموزش با مدارس عادی یا دولتی تفاوتی نداشت. پس از پیروزی انقلاب بحث یکسان سازی مدارس طرح گردیده و جهت جلوگیری از نظام طبقاتی در آموزش و پرورش، کلیه مدارس غیر دولتی بر مبنای تصمیم شورای انقلاب منحل و مسوولیت برنامه ریزی آموزشی کشور و نظارت بر اجرای اینگونه برنامه ها مستقلاً به دولت واگذار گردید. این درحالی بود که چند سال پس از پیروزی انقلاب بحث مدارس خصوصی به دلایل زیر مطرح گردید:

۱ - رشد جمعیت و میزان نیاز متناسب با امکانات کثیر آموزشی برای افراد لازم التعلیم

۲ - بروز محدودیتهای دولتی در تامین هزینه های آموزشی و پرورشی با شروع جنگ ایران و عراق

۳ - مواجه با کسر بودجه آموزشی و پرورشی در مدارس کشور

بنا به دلایل فوق باردیگر اجازه صدور مجوز جهت احداث مدارس خصوصی به مناطق آموزشی اعطاء گردید. در خرداد سال ۱۳۶۷، قانون مدارس غیر انتفاعی که طی لایحه ای تسلیم مجلس شورای اسلامی شده بود، در قالب ۲۱ ماده و ۱۵ تبصره به تصویب رسیده و به این ترتیب، مدارس غیر دولتی، به از سر گیری فعالیت خود مبادرت نمودند. از این روی میتوان مدارس کشور را در قالب ۳ گروه ذیل طبقه بندی نمود:

۱ - مدارس دولتی

۲ - مدارس نیمه دولتی



۳ - مدارس غیردولتی

در حال حاضر در کل کشور ۷۵ درصد مدارس، به مدارس دولتی، ۱۷ درصد به مدارس نمونه مردمی سابق و ۸ درصد به مدارس غیر انتفاعی اختصاص دارد.

(۱) مدارس دولتی: این مدارس تا مدتی قبل به دو دسته تقسیم می گردید:

الف (مدارس نمونه دولتی

ب (مدارس عادی دولتی

آموزش رایگان

آموزش در کشور ایران خدمت دولتی محسوب می گردد. بر اساس مواد قانونی ۱۹ ، ۲۰ و ۳۰ قانون اساسی حکومت جمهوری اسلامی ایران، دولت موظف به ارائه برنامه های آموزش ابتدایی و متوسطه رایگان به کلیه شهروندان ایرانی بدون در نظر گرفتن جنسیت، رنگ، نژاد، قومیت و ... آنان می باشد. در سال تحصیلی جاری نسبت به سال ۷۶-۱۳۷۵ ، ۲۷۹ هزار مورد از مردودی دانش آموزان کاسته شده و به ۲۰۰ میلیارد ریال صرفه جوئی اقتصادی منجر گردید. قطع صدور گواهینامه آموزشی به دانش آموختگان رده پنجم ابتدائی نیز به ۱۰ میلیارد ریال صرفه جوئی اقتصادی منجر گردیده است. دو نوبتی شدن آزمونهای مقاطع مختلف آموزشی، به جای سه ثلثی بودن نیز از جمله دیگر اقداماتی است که منجر به صرفه جویی اقتصادی گردیده است. طرح مذکور طی مراحل آزمایشی در برخی مناطق آموزش و پرورش به اجرا در آمده که در صورت نتیجه بخش بودن در سراسر کشور و طی دوره های مختلف تحصیلی اجرا خواهد گردید. علاوه بر این در جهت نیل به هدف فوق طی سالهای اخیر، کمیته ای علمی با ۱۴۰ شیوه علمی جهت کاهش هزینه ها و صرفه جویی و کاستی از هزینه های وزارت آموزش و پرورش تشکیل



گردد. کسب بهره وری بیشتر و کاستن از بار تصدی دولت، تامین مشارکت مردم و تمرکز زدائی از جمله سیاستهای اصلی آموزش و پرورش محسوب می گردد.

دولت ایران با سیاست سپارش کار مردم به دست مردم در واقع درجهت برطرف نمودن مشکلات و مسائل آموزشی و پرورشی از طریق خصوصی نمودن موسسات آموزشی کشور تلاش می نماید. اگر به قوانین گذشته نگاهی داشته باشیم، خواهیم دید که ماده ۱ قانون آموزش کشور مصوب مرداد ماه سال ۱۳۵۳ به تامین ابزار و امکانات تحصیلی کودکان و نوجوانان ایرانی در این خصوص پرداخته و مقرر داشته که کلیه کودکان و نوجوانان ایرانی که واجد شرایط تحصیلی باشند می بایستی بدون هیچگونه مانعی به تحصیل پرداخته و هیچکس نمیتواند آنان را از تحصیل باز دارد. علاوه بر این به موجب ماده دوم از قانون فوق الذکر در هر محل که موجبات تحصیل مراحل آموزش ابتدائی و راهنمائی کودکان که اجباری و می باشد فراهم گردد، پدر، مادر یا سرپرست قانونی کودک که وظیفه مراقبت و تربیت کودک بر عهده آنان میباشد، نسبت به ثبت نام و فراهم نمودن موجبات تحصیل کودک تحت سرپرست خود موظف بوده و در صورتیکه از انجام این وظیفه خودداری نمایند، وزارت آموزش و پرورش بر مبنای آمار ارسالی اداره کل ثبت احوال در خصوص ثبت نام کودکان واجد شرایط تحصیل اقدام می نماید. این درحالیست که اداره آموزش و پرورش نه در گذشته و نه در حال حاضر در هیچ یک از نقاط ایران اساساً اقدام به ثبت نام کودکان ننموده، بلکه همواره این والدین کودکان بوده اند که با مراجعه به مدارس نسبت به ثبت نام فرزندان خود اقدام نموده اند.

مدارس نمونه دولتی

از سال ۱۳۶۵ مدارس نمونه دولتی جهت مقاطع آموزش راهنمائی و متوسطه تحصیلی دایر گردید. این مدارس کاملاً دولتی بوده و هزینه های خدماتی، تجهیزاتی و پرسنلی آن از طریق دولت پرداخت می شده است. در این مدارس علاوه بر حسن اخلاق (مطابق ماده ۱۰ اساسنامه مدارس نمونه



مردمی) برخورداری از حداقل معدل کتبی ۱۶ جهت فارغ التحصیلان پایه پنجم ابتدائی و ۱۵ جهت فارغ التحصیلان پایه سوم راهنمایی تحصیلی ضروری می بوده است. بنا بر آمار و ارقام دولتی بیش از ۲۰۰ آموزشگاه نمونه دولتی با بیش از ۳۰ هزار دانش آموز در سراسر کشور دایر شده بود. لازم به تاکید است که به دلیل مشکلات آموزشی و کمبود کلاس، بودجه و ... تعداد ناچیزی از دانش آموزان به تحصیل در مدارس مذکور مبادرت می نمودند.

مدارس عادی دولتی

در این نوع مدارس نیز کلیه هزینه ها توسط دولت پرداخت شده و ظاهراً پرداخت شهریه در آن ممنوع می باشد. اما در عمل این امر رعایت نمی گردد چراکه در اوایل و طول سال تحصیلی، انجمن اولیا و مربیان به اخذ مبالغی بصورت داوطلبانه، اجباری و از والدین دانش آموزان مبادرت می نماید.

تعداد مردودین مقاطع آموزش ابتدایی و راهنمایی مدارس دولتی طی سال تحصیلی ۷۶-۷۷ بر ۱,۴۲ میلیون نفر بالغ گردیده و آموزش و پرورش از این بابت متحمل ضرر مالی ۷۰۰ تا ۱۰۰۰ میلیارد ریالی گردید. امکانات محدود از جمله کمبود فضای آموزشی از جمله دلایل اصلی این افت تحصیلی محسوب می گردد. علاوه بر این در کلاسهای پر جمعیت مدارس دولتی مقداری از وقت محدود معلمان صرف آمادگی دانش آموزان جهت معطوف نمودن توجه به برنامه های آموزشی می گردد. علاوه بر این معلمان مدارس مذکور از رسیدگی و نظارت بر تکالیف آموزشی یکا یک دانش آموزان باز می مانند. در ضمن یکی از عوامل مهم یادگیری و تحریک ذوق کودکان به یادگیری، ارائه فرصت پرسش به آنهاست و این درحالیست که در کلاسهای مدارس دولتی این کار عملی نیست. بدلیل کمبود فضای آموزشی و ضرورت جذب کودکان واجب التعلیم، کلاس های دو و سه نوبته در مدارس دولتی دایر گردیده (هرچند که در حال حاضر برگزاری کلاس های سه نوبته ممنوع شده است) و در نتیجه تعداد ساعات حضور دانش آموزان در مدارس کاهش می یابد. ارتباط معلمان با والدین در مدارس دولتی بدلیل کثرت دانش آموزان در پایین



ترین سطح قرار دارد. نیاز به ۲۰۰ هزار کلاس جدید در مدارس عادی دولتی نمایانگر ژرفای کمبود و نابسامانی آموزش عادی دولتی است. جهت حذف مدارس دونوبته در استان اصفهان به ۱۱ هزار کلاس جدید آموزشی، نیاز است. ۴۲ درصد کلاسهای استان اصفهان، دونوبته بوده و تعداد ۳ هزار کلاس درس استیجاری، با قدمت بالای ۳۵ سال، در سطح این استان وجود دارد که نوسازی آنها، حداقل ۵ سال بطول میانجامد. میانگین قدمت مدارس استان اصفهان ۲۱٫۵ سال است که برخی از آنها، در آستانه تخریب قرار دارند. بدین ترتیب با وجودیکه پرداخت شهریه مدارس مذکور برای والدین بسیار گران تمام میشود اما با این وجود والدین دانش آموزان به سوی ثبت نام دانش آموزان در مدارس غیر انتفاعی سوق می یابند.

مدارس نیمه دولتی

مدارس نیمه دولتی نیز خود به ۳ گروه مدارس ذیل تقسیم می گردد:

الف) مدارس نمونه مردمی

ب) مدارس استعدادهای درخشان

ج) مدارس شاهد

مدارس نمونه مردمی

مدارس نمونه مردمی در زمره مدارس نیمه دولتی قرار داشته و از محل امکانات دولتی و اخذ شهریه از دانش آموزان تامین اعتبار می گردد. مدارس مذکور از سال ۷۱ - ۱۳۷۰، در تهران و سایر مناطق کشور فعالیت داشته اند. بنا بر آمار وزارت آموزش و پرورش طی سال تحصیلی ۷۷-۱۳۷۶، بیش از ۳۰۰ واحد از این نوع مدارس در سراسر کشور برای مقاطع ابتدائی، راهنمائی و متوسطه تشکیل شده اند که حدود ۵۰ درصد آنها در شهرستان تهران مستقر میباشند.



طبق آخرین آمار بدست آمده طی سال تحصیلی ۷۷-۱۳۷۶، در تهران از ۱ میلیون و ۸۰۰ هزار دانش آموز در حدود ۱۵ درصد در مدارس نمونه مردمی به تحصیل مبادرت می نمایند.

شهریه سالیانه مدارس نمونه مردمی مبلغی بالغ بر ۲۰۰ تا ۴۵۰ هزار ریال می باشد. ماده ۹ از اساسنامه این مدارس میزان شهریه، یا به بیان خود اساسنامه میزان کمکهای مردمی را متغیر اعلام نموده است. این میزان، هر ساله بسته به شهر، ناحیه و برنامه های آموزشی تعیین می گردد. ضمناً علاوه بر اخذ شهریه در طول سال تحصیلی در این مدارس به عناوین گوناگون من جمله تشکیل کلاسهای فوق برنامه، آموزش زبان انگلیسی، اجرای برنامه های ویژه و... مبالغی دیگری نیز از دانش آموزان دریافت می گردد. ورود به این نوع مدارس از طریق شرکت در آزمون ورودی صورت میگیرد. اساسنامه مدارس نمونه مردمی مشخصاً پس از مدتها بحث و گفتگو سرانجام در سال ۱۳۷۲ به تصویب رسید. از جمله مهمترین اهداف مدارس مذکور میتوان به موارد ذیل اشاره نمود:

۱ - " تقویت انگیزه مشارکت های مردمی در امور آموزشی و پرورشی "

۲ - " فراهم آوردن زمینه های مناسب جهت رشد و شکوفائی استعداد های تحصیلی دانش آموزان "

۳ - " ارتقاء سطح تعلیم و تربیت به واسطه بهره گیری از کمکها و مشارکت های مردمی "

طبق ماده ۱۱ اساسنامه مدارس نمونه مردمی، ۳۰ درصد ظرفیت مدارس مذکور به دانش آموزان با استعداد فاقد امکانات مالی اختصاص می یابد. مطابق ماده ۱۲ نیز گزینش دانش آموزان مدارس مذکور به " ضوابط علمی و اخلاقی " منوط می باشد. لازم به ذکر است که با احداث مدارس غیر انتفاعی به تدریج رشد این گونه مدارس در سطح کشور کاهش یافت. تعداد مدارس مذکور در آغاز فعالیت از افزایش رو به رشدی برخوردار بود تا آنجا که به رغم صراحت قانون اساسی حضور مدارس غیر انتفاعی موجه گردید.



این درحالی بود که به تدریج رشد مدارس نمونه مردمی متوقف شده و کاربرد آن از میان برداشته شد. به بیان دیگر از مدارس نمونه مردمی، تحت عنوان جاده صاف کن مدارس غیر انتفاعی یاد گردید چراکه بخش خصوصی طبعاً به سرمایه گذاری در حوزه هایی با آزادی عمل بیشتر تمایل می نمود. با توجه به تناقضات و مشکلات به وجود آمده توسط مدارس نمونه مردمی در سطح آموزشی مدارس و نیز با احداث مدارس غیر انتفاعی، وظایف مدارس مذکور به پایان رسید، در نتیجه طی سال تحصیلی ۷۸ - ۱۳۷۷ مدارس نمونه مردمی از تقسیم بندی مدارس کشور حذف گردید.

مدارس شاهد

سهمیه ای بین ۴۰ تا ۶۰ درصد مدارس شاهد متعلق به خانواده شهداست. گفتنی است که دانش آموزان عادی نیز با پرداخت شهریه معمول از مجوز حضور در این مدارس برخوردار می گردند. مدارس شاهد شهریه تحصیلی سالیانه متغیر بین ۱۰۰ تا ۲۰۰ هزار ریال از دانش آموزان دریافت می نمایند. به طور کلی می توان گفت که هزینه مدارس مذکور توسط وزارت آموزش و پرورش و بنیاد شهید پرداخت می گردد. گفتنی است که تعداد این نوع مدارس در سطح کشور بسیار اندک می باشد.

تعداد آموزشگاههای شاهد و مدارس نمونه مردمی (طی سالهای ۷۱ - ۱۳۷۰)

مدارس نمونه مردمی سابق			مدارس شاهد			
دبیرستان	راهنمائی	دبستان	دبیرستان	راهنمائی	دبستان	تعداد
۸۶	۱۳۹	۳۵	۶۳	۱۵۷	۳۴۶	آموزشگاه
۷۴۴	۸۳۱	۳۵۹	۵۱۷	۱،۰۲۱	۲،۷۸۳	کلاسها
۲۳،۳۸۱	۲۴،۹۰۸	۱۲،۴۲۱	۱۳،۰۰۹	۱۲۶،۴۹۶	۷۲،۶۸۸	تعداد کل دانش آموزان
۱۶،۸۸۴	۱۵،۸۴۸	۴،۷۰۲	۷،۰۲۸	۳۸،۸۳۹	۱۱۵،۱۱۵	دانش آموز پسر
۶،۴۹۷	۹،۰۶۰	۷،۷۱۹	۵،۹۸۱	۱۱،۳۸۱	۳۳،۸۴۹	دانش آموز دختر
۱٫۶	۰٫۸	۰٫۱	۱٫۲	۰٫۹	۰٫۶	درصد به کل
۱٫۳	۰٫۷	۰٫۱	۰٫۸	۳٫۶	۰٫۷	نسبت مدارس به کل دانش آموزان



مدارس استعداد‌های درخشان

مدارس استعداد‌های درخشان نیز با هدف تحصیل دانش آموزان تیز هوش و برجسته احداث گردید. از سال تحصیلی ۱۳۶۲، ۲ مرکز آموزشی در شهرستان تهران به گزینش دانش آموزان دختر و پسر تیز هوش مبادرت نمودند. گفتنی است که ۲ مرکز فوق تحت نظارت " دفتر آموزش کودکان استثنایی " فعالیت می نمود. داشتند. این در حالی بود که در سال ۱۳۶۴، سازمان ملی پرورش استعداد‌های درخشان تحت نظارت هیئت امناء آغاز به فعالیت نمود. گفتنی است که کلیه هزینه های سازمان مذکور توسط وزارت آموزش و پرورش تامین و پرداخت می گردد. در حال حاضر در ۲۹ شهر کشور، تقریباً ۶۰ مرکز آموزشی ویژه تیز هوشان با بیش از ۱۵ هزار دانش آموز دایر می باشد. شهریه مدارس استعداد‌های درخشان بین ۵۰۰ تا ۱ میلیون و ۴۰۰ هزار ریال متغیر بوده و ورود به این مدارس از شرایط ویژه و دشواری برخوردار می باشد. به نحویکه آندسته از دانش آموزانی که از معدل تحصیلی ۱۹ در پایه پنجم ابتدائی برخوردار می باشند در آزمون ورودی که توسط سازمان ملی پرورش استعداد‌های درخشان برگزار می گردد، حضور یافته و در صورت قبولی از مجوز حضور در این مراکز آموزشی برخوردار می گردند.

مدارس غیر انتفاعی

در خرداد ماه سال ۱۳۶۷، قانون مدارس غیر انتفاعی در قالب ۲۱ ماده و ۱۵ تبصره به تصویب رسیده و مدارس خصوصی به از سرگیری فعالیت مجدد خود چند سال پس از انقلاب نائل آمدند. مطابق ماده ۱ قانون تاسیس مدارس غیر انتفاعی مصوب مجلس شورای اسلامی در مورخ ۶۷/۳/۵ مدارس غیر انتفاعی در زمره مدارس محسوب می گردد که از محل مشارکتهای مردمی و مطابق اهداف، ضوابط، برنامه ها و دستورالعمل های عمومی وزارت آموزش و پرورش و تحت نظارت وزارتخانه مذکور احداث و اداره می گردند. منظور از غیرانتفاعی بودن مدارس مذکور صرف انحصاری درآمد حاصله مدارس در جهت



هزینه‌های جاری و توسعه آتی مدارس می باشد. ماده ۷ اساسنامه درخصوص شهریه ، از صراحت بیشتری برخوردار بوده و به معرفی منابع مالی این دسته از مدارس به شرح ذیل می پردازد:

الف) شهریه تحصیلی دریافتی از اولیای دانش آموزان

ب) کمکهای دریافتی از اولیای دانش آموزان ، افراد خیر ومؤسسات خیریه

به این ترتیب بند(ب) از ماده ۷ به جهت تاکید بر اخذ مبالغی از اولیاء دانش آموزان علاوه بر شهریه تحصیلی معمول منظور گردیده است. مطابق اساسنامه سطح و هزینه های آموزشی، هر ساله به پیشنهاد موسس یا موسسان و تایید آموزش و پرورش تعیین می گردد . بنابراین پرداخت شهریه تحصیلی از جمله شروط اولیه ثبت نام جهت ورود به مدارس غیر انتفاعی می باشد. با وجودیکه وزارت آموزش و پرورش به تعیین نرخ واحد مبادرت نموده، اما با این وجود روسای مدارس غیرانتفاعی جهت بی اثر نمودن نرخ های تعیین شده وزارت آموزش و پرورش به اشکال و طرق مختلف من جمله ساخت سالن های ورزشی ، آزمایشگاه ، دایر نمودن کلاسهای درسی فوق العاده و ...به اخذ مبالغی از اولیای دانش آموزان مبادرت می نمایند. در آغاز قرار بود مدارس غیر انتفاعی با هزینه و سرمایه شخصی یا مردمی احداث گردند، اما شواهد نشان داده است که موسسین مدارس مذکور، با نیت وامهای کم بهره بانکی و دریافت کمکهای مختلف از وزارت آموزش و پرورش ، قدم به این راه گذاشته اند. طبق اطلاعات بدست آمده مدارس مذکور به واسطه دریافت وام های ۱۰۰ میلیون تومانی با بهره های کم و خرید زمین دولتی احداث می گردند. ضمنا مدارس غیر انتفاعی موظفند درقبال کمک های دریافتی از دولت یا افراد خیراز دانش آموزانی که از قدرت پرداخت شهریه برخوردار نمی باشند ثبت نام به عمل آورند . علاوه بر این به ازای تعدادمعلمین رسمی آموزش وپرورش که به تدریس درمدارس مذکور مبادرت می نمایند،می بایستی از ۴ دانش آموز بی بضاعت من جمله دانش آموزان خانواده ه های فرهنگیان بطور رایگان یا با تخفیف شهریه ثبت نام نمایند.. در اوایل مدارس غیرانتفاعی از کیفیت قابل توجهی برخوردار بودند و این درحالیست که از زمان افزایش



بعد کمی از بعد کیفی آموزش کاسته شده و برخی از افراد سود جو با اجاره خانه‌های مسکونی و با اعمال تغییرات ظاهری مختصر، مبادرت به تاسیس مدارس غیر انتفاعی می نمودند. از این روی در سال ۱۳۷۷ وزارت آموزش و پرورش جهت جلوگیری از وقوع چنین اقداماتی تاسیس مدارس غیر انتفاعی جدید در فضاهای استیجاری رامنوع نمود. بر اساس مصوبه جدید شورای نظارت برمدارس غیر انتفاعی، مجوز تاسیس مدارس غیر انتفاعی تنها در صورت خریداری یا احداث فضای آموزشی مناسب به متقاضیان واگذار می گردد. گفتنی است که موسسات خیریه از این مقررات مستثنی بوده و با صلاحدید شورای نظارت استان از مجوز احداث مدارس غیر انتفاعی در فضاهای استیجاری مطلوب برخوردار می باشند.

تعداد دانش آموزان کشور طی سال تحصیلی ۵۹ - ۱۳۵۸ از ۶۵۶٫۱۸۴٫۸ نفر به ۲۸۲٫۰۴۴٫۱۴ نفر طی سال ۶۹ - ۱۳۶۸ افزایش یافته است. این درحالیست که تعداد کل دانش آموزان طی سال ۱۳۷۲ بر ۸۰۰٫۰۰۰٫۱۷ بالغ گردید (مرکز آمار ایران - سال ۷۶)

طی برنامه ۵ ساله دولت پیش بینی شد تعداد ۶۱۴ هزار نفر دانش آموز تحت پوشش مدارس غیر انتفاعی قرار گیرند که از این تعداد ۱۳۰ هزار نفر به تحصیل در مراکز آموزش ابتدائی و تعداد ۱۱۳ هزار نفر به تحصیل در مراکز آموزش متوسطه مبادرت می نمایند.

برنامه مذکور از سال ۱۳۶۸ با تاسیس ۸ واحد آموزشی به اجرا در آمد. طی سال های ۷۰-۱۳۶۸ تعداد مدارس مذکور در مراکز آموزش ابتدائی، راهنمایی و متوسطه بر ۵۲۴ واحد بالغ گردید.

این رقم طی سال تحصیلی ۷۳ - ۱۳۷۲ بر ۲۱۰۰ و طی سال ۷۵ - ۱۳۷۴ بر ۳ هزار و طی سال تحصیلی ۷۸ - ۱۳۷۷ بر ۸ هزار واحد بالغ گردید. این درحالیست که در برنامه اول دولت قرار بر این بود که تعداد این نوع مدارس به ۵ درصد و در برنامه دوم به ۱۰ درصد بالغ گردد. براساس اسناد و مدارک موجود در سازمان مدارس غیرانتفاعی طی سال تحصیلی ۷۷ - ۱۳۷۶ بالغ بر ۳۶۵ میلیارد و ۲۴۸ میلیون ریال صرفه جویی در سرانه دانش آموزی برای دولت حاصل گردیده است. در یک گزارش آماری از وضعیت



مدارس غیر انتفاعی بین سال های ۷۵ - ۱۳۷۴ و ۷۶ - ۱۳۷۵ میانگین افزایش مدارس مذکور در فاصله ۲ سال تحصیلی بر ۱۴٫۳۳ درصد و ۲۷٫۰۵ درصد بالغ گردید.

آمار مدارس ، دانش آموزان و درصد رشد مدارس غیرانتفاعی طی (سال تحصیلی ۷۶-۱۳۷۵)

تعداد دانش آموزان			تعداد مدارس			سال
متوسطه	راهنمایی	ابتدایی	متوسطه	راهنمایی	ابتدایی	تحصیلی
۱۱۹۶۳۰	۳۷۶۰۷	۴۷۴۶۶	۳۴۵۵۷	۹۹۱۲۹۹	۳۸۴۳۰۸	۷۴-۷۵
۱۵۰۶۵۰	۵۶۲۹۸	۵۲۸۲۶	۴۱۵۲۶	۱۳۴۳۵۴	۴۴۶۳۳۴	۷۵-۷۶
۴۹٫۷	۱۱٫۲۹	۲۰٫۱۷	۱۸٫۳۹	۱۶٫۱۵	۸٫۴۴	درصد(میانگین)
	٪۲۷٫۰۵			٪۱۴٫۳۳		رشد

- آمار مدارس و تعداد دانش آموزان هنرستانها ، در دوره متوسطه، منظور گردیده است .

- در مقطع آموزش ابتدایی ، آمار دانش آموزان به احتساب مقطع آمادگی میباشد.

از جمله عمده ترین معایب مدارس غیرانتفاعی میتوان به جذب معلمین مدارس دولتی به مدارس غیر انتفاعی بدلیل امتیازات مدارس غیر انتفاعی اعم از کلاس های آموزشی با ظرفیت پایین جمعیتی، محوطه آموزشی گسترده و امکانات آزمایشگاهی ، آموزشی و فوق برنامه و ... بیشتر و گوناگون اشاره نمود. درمقابل از جمله عمده ترین مزایای مدارس غیر انتفاعی میتوان به حمایت ۴۰۰ میلیارد ریالی مدارس غیر انتفاعی به اعتبار آموزش و پرورش و فراهم آوردن بیش از ۳۰ هزار فرصت شغلی و ۷۰۰۰ فضای آموزشی اشاره نمود.طبق ماده ۵ اساسنامه مدارس مذکور، مدیران مدارس غیر انتفاعی ملزم به برخورداری از شرایط ذیل می باشند:

الف) اعتقاد و التزام عملی به مبانی و احکام اسلامی و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

ب) برخورداری از سلامت روانی و عدم نقص عضو

ج) عدم وابستگی به رژیم گذشته و گروههای منحرف غیر قانونی

د) آشنایی با مسائل آموزشی



ه) تاهل برای مردان

و) تابعیت جمهوری اسلامی

ز) برخورداری از حداقل سن ۳۰ سال

سیاست تشکیل مدارس غیر انتفاعی که ظاهراً جهت برطرف نمودن مشکلات و معضلات آموزش و پرورش توسط دولت به تصویب رسیده و توسط بخش خصوصی به اجرا درمیآید، در واقع به طبقاتی شدن آموزش و تسری آن منجر گردیده است.

مدارس مستقل

مدارس مستقل در زمره مدارس غیر رسمی کشور قرار داشته و جهت ارائه دوره های آموزشی به افراد محروم از حضور در کلاسهای منظم و رسمی آموزشی تاسیس گردیده است.

از جمله مهمترین دوره های آموزش مستقل در مراکز آموزشی کشور ایران می توان به موارد ذیل

اشاره نمود:

کلاسهای شبانه (ویژه افراد بالای ۱۸ سال)

کلاسهای نهضت سوادآموزی در مقاطع آموزشی ۳ گانه

کلاسهای آموزش فنی- حرفه ای در حوزه صنایع، کشاورزی، مدیریت، بازرگانی، خدمات، صنایع

دستی و بهداشت (کمکهای اولیه)

مدارس خصوصی

با پیروزی انقلاب اسلامی که حادثه تاریخی مهمی برای کشور ایران محسوب می گردید، تغییرات چشمگیری در ساختار کلیه مسائل اجتماعی و آموزشی کشور اعمال گردید. به منظور تأمین عدالت اجتماعی، پس از پیروزی انقلاب اسلامی، کلیه مدارس، دولتی اعلام شده و تا سال ۱۹۸۹ مدارس خصوصی در کشور فعالیت نداشتند. این در حالیست که از سال ۱۹۹۰، طبق قانون مجلس شورای اسلامی



تأسیس مدارس خصوصی مجاز اعلام گردید. در ابتدا سهم اقدامات خصوصی در خدمات آموزشی بسیار محدود و ضعیف بود. اما افزایش بحران‌های اقتصادی کشور به همکاری سریع، منظم و فعال بخش خصوصی در خدمات آموزشی نیازمند بود. در نتیجه تعداد مدارس خصوصی در مقطع ابتدائی از ۹۲ واحد طی سال ۱۹۹۰ به ۲۱۷۵ واحد در سال ۱۹۹۵ افزایش یافته و تعداد دانش‌آموزان ثبت‌نامی در این مدارس از ۶۶۴۲ نفر طی سال ۱۹۹۰ به ۲۶۲۸۶۷ نفر طی سال ۱۹۹۸ افزایش یافت. تعداد دانش‌آموزان مدارس خصوصی از سال ۱۹۹۰ تاکنون در حال افزایش بوده است. به عبارت دیگر تعداد دانش‌آموزان مدارس خصوصی نسبت به تعداد کل دانش‌آموزان طی سالهای ۱۹۹۷-۱۹۹۰ به ترتیب بر $۰/۳۲\%$ ، $۰/۵۷\%$ ، $۱/۰۳\%$ ، $۱/۶۱\%$ ، $۲/۶۱\%$ و ۳% بالغ می‌گردد.

نرخ سواد آموزی از گذشته تا حال

طی سال ۱۲۸۵ در آستانه انقلاب مشروطه جمعیت کشور ایران بر ۹ میلیون نفر بالغ می‌گردید که از این تعداد تنها چند دهم درصد از نعمت سواد برخوردار بودند. طی سال ۱۳۰۰ (آغاز حکومت پهلوی) جمعیت کشور بر ۹۷ میلیون نفر با حدود حدود یک در صد افراد با سواد بالغ گردید. این در حالیست که در شهریور ۱۳۲۰ پس از ۲۰ سال حکومت رضا شاهی از ۸ ر ۱۲ میلیون نفر جمعیت حدود چهار درصد از نعمت سواد برخوردار بودند. در پایان دهه ۱۳۲۰ که از آن تحت عنوان دوران آشفتگی همراه با آزادی نسبی یاد می‌گردد جمعیت ایران بر ۱۶۲ میلیون و شمار افراد با سواد به ۸ درصد بالغ گردید. (سالنامه آماری کشور- تهران: مرکز آمار ایران ۱۳۷۶) از سال ۱۳۳۵ به بعد شمارش نسبتاً دقیقی از جمعیت کشور در گروه‌های سنی گوناگون و جمعیت با سواد کشور وجود داشته است. در آبان همان سال جمعیت رده سنی بالای ۶ سال کشور بر ۱۵ میلیون و نسبت با سواد آن بر ۱۲٫۲۴ درصد بالغ گردید. پس از گذشت ۱۰ سال (آبان ۱۳۴۵) نسبت افراد با سواد کشور بر ۶۸٫۲۸ درصد و طی سال ۱۳۵۵ (آستانه



انقلاب اسلامی)، بر ۴۷٫۵ درصد بالغ گردید. به عبارت دیگر در سال ۱۳۵۵ جمعیت رده سنی ۶ سال به بالای کشور بر ۲۷٫۱۱ میلیون نفر و شمار دانش آموزی و دانشجویی کشور جمعاً بر ۳۷۴ ۸۷۸ ۷ نفر بالغ گردید. به دیگر سخن از هر ۳٫۵ نفر یک نفر به آموزش اشتغال داشت در مهرماه ۱۳۶۵ نرخ با سوادی افراد رده سنی ۶ سال بر ۶۱٫۷۸ درصد و در آبان ۱۳۷۵ بر ۷۹٫۵۱ درصد بالغ گردید. (سالنامه آماری مرکز آمار ایران سال ۱۳۷۶) در آبان ۱۳۷۵ جمعیت رده سنی ۶ سال به بالای کشور بر ۵۲٫۳ میلیون نفر افزایش یافت. در همان اثناء جمعیت دانش آموزی و دانشجویی کشور بر ۸٫۱۹ میلیون نفر افزایش یافته و بدین ترتیب به ازای هر ۲٫۶ نفر یک نفر به آموزش مبادرت داشتند. (سالنامه آماری مرکز آمار ایران، سال ۱۳۷۶)

مطابق اصل ۷ اعلامیه حقوق کودکان کلیه کودکان محق به برخورداری از تعلیم و تربیت رایگان و اجباری می باشند. مطابق اصل مذکور کودکان می بایستی از تعلیم و تربیتی برخوردار گردند که به ارتقاء فرهنگ عمومی آنان و توانایی آنان بر رشد توانایی ها، قضاوت های فردی، حس مسوولیت اخلاقی و اجتماعی منجر گردد. مطابق اصل مذکور کودکان می بایستی از فرصت کامل جهت پرداختن به بازیها و تفریحات گوناگون با اهداف تعلیم و تربیت برخوردار گردند. این در حالیست که جامعه و مقامات دولتی نیز ملزم تلاش در جهت تامین این حقوق می باشند. علاوه بر این ماده ۲۸ کنوانسیون حقوق کودک و ماده ۲۶ بند اول کنوانسیون حقوق بشر موکداً بر تحصیل رایگان کودکان تاکید دارند. از این روی تحصیل و آموزش حق مسلم هر کودکی است و دولت مکلف به فراهم نمودن ابزار آموزشی و پرورشی رایگان برای کودکان می باشد. با وجودیکه نمیتوان با دستاویزهایی چون فقر خانوادگی، نیاز به دستمزد کودکان، بعد مسافتی و دوری راه و... کودکان را از تحصیل منع نمود. اما متأسفانه با آغاز هر سال تحصیلی بخش عظیمی از دانش آموزان با مشکلات بیشمار اقتصادی و اجتماعی گریبانگیر بوده و به دلایل اقتصادی و اجتماعی از ادامه تحصیل باز میمانند. طبق آمار اعلام شده توسط سازمان نهضت سواد آموزی در آغاز سال



تحصیلی ۱۳۷۷ بالغ بر ۴ میلیون نفر از جمعیت زیر ۴۰ سال کشور بی سواد می باشند. به گزارش سازمان مذکور علیرغم کلیه فعالیت ها همچنان ۱۰ میلیون نفر از مردم کشور از نعمت سواد محروم می باشند و این در حالیست که بر اساس اساسنامه سازمان مذکور افرادی که از ۵ کلاس سواد برخوردار باشند با سواد تلقی گردیده و بر این اساس ۵۰ درصد از جمعیت کشور از سواد ابتدائی برخوردار می باشند.

طبق آمار دولتی نشریه زن - شماره ۱۳۳ سال اول - چهارشنبه ۲۳ دی ۱۳۷۷ طی سالهای ۷۶-۷۷ آمار مردودین مقطع آموزش ابتدائی بر ۱ میلیون و ۴۰۰ هزار کودک بالغ گردیده، مبلغی بالغ بر ۵۰۰ هزار ریال برای هر دانش آموز هزینه گردیده و در مجموع از بابت مردودی این تعداد دانش آموز خسارتی بالغ بر ۷۰۰ میلیارد ریال به دولت و جامعه وارد گردیده است. به موجب گزارش سال تحصیلی ۷۷ - ۷۶ آموزش و پرورش، هزینه سرانه آموزشی هر دانش آموز بر رقمی بالغ بر ۲ میلیون ریال در سال بالغ می گردد. به موجب گزارش کانون اصلاح تربیت تهران، ۵۳ درصد اتهام نوجوانان که پس از بیکاری به دام بزهکاران حرفه ای افتاده اند، سرقت میباشد که ۶۸ درصد این نوجوانان تا مقطع آموزش ابتدائی تحصیل نموده اند. در سال ۱۳۷۵ تعداد ۳۶۸ هزار کودک رده های سنی ۱۰ تا ۱۴ سال و یک میلیون و ۵۴۷ هزار کودک رده های سنی ۱۵ تا ۱۹ سال جهت کمک به اقتصاد خانواده به فعالیت در کارگاهها و موسسات خدماتی اشتغال داشته اند. گفتنی است که آمار فوق کودکان و نوجوانان روستایی شاغل در کشتزارها، مزارع و کارگاه های قالی بافی را شامل نمی گردد. در همان اثناء تعداد ۳ میلیون و ۱۵۰ هزار دانش آموز پس از گذراندن دوره راهنمایی از ورود به مراکز آموزش متوسطه باز مانده و اجباراً به ترک تحصیل مبادرت نمودند. با بررسی و مقایسه آمار و تعداد دانش آموزان محروم از تحصیل و شاغل مشخص میگردد که بخش عمده کودکان جویای کار در جوامع شهری و روستایی بدون انجام هیچگونه فعالیت سازنده به حال خود رها می شوند. بی سبب نیست که خطرات و آسیب های اجتماعی در این بخش از جامعه متمرکز دارد. از سوی دیگر، طبق آخرین آمار بدست آمده طی سال تحصیلی ۷۷ - ۷۸ قریب به ۲۰ میلیون



دانش آموز در تعداد ۱۱ هزار مدرسه به تحصیل مبادرت می نمایند. به عبارت دیگر هر ساله نزدیک به یک میلیون نفر به جمعیت دانش آموزی کشور افزوده شده و در مقابل تدبیر اساسی جهت آماده سازی موسسات آموزشی کشور جهت پذیرش این تعداد دانش آموز صورت نگرفته است. به این ترتیب هر ساله گروه زیادی از جوانان و نوجوانان کشور از دستیابی به امکانات آموزشی محروم میگردند.

تعداد دانش آموزان مقاطع مختلف آموزشی (طی سالهای ۱۳۷۷ و ۱۳۷۵)

سال ۱۳۷۵	سال ۱۳۷۷	دوره
۹,۰۲۰,۳۷۸	۹,۴۰۰,۰۰۰	ابتدائی،
۵,۱۵۳,۴۹۴	۵,۳۵۰,۰۰۰	راهنمایی
۳,۶۷۶,۲۲۰	۳,۷۸۰,۰۰۰	متوسطه (جدید و قدیم)
۱۰۸,۲۵۱	۱۴۰,۰۰۰	پیش دانشگاهی،
۱۷,۹۵۸,۳۴۳	۱۸,۶۷۰,۰۰۰	جمع

منبع: سر شماری نفوس و مسکن سال ۱۳۷۵

اغلب صاحب نظران بر این باورند که اولین گام در جهت توسعه اقتصادی، آموزش نیروی انسانی است. تحقق توسعه اقتصادی به انسانهایی با ذهن و نگرش معقول و نوین نیازمند است. این درحالیست که تنها وجود انسانهایی که از جهت فرهنگی متحول گردیده اند، به توسعه اقتصادی کشور منجر نمی گردد بلکه لازم است که در چار چوب برنامه های آموزشی مناسب، از تخصصهای جدیدی نیز بر خوردار گردند. در هر نظام سیاسی، تربیت نیروی انسانی مشخصاً در زمره وظایف و ظایف سیستم آموزشی آن کشور محسوب می گردد. در کشور ایران نیز بودجه آموزش و پرورش عمومی بر ۳/۵ درصد از تولید ناخالص داخلی بالغ می گردد. این در حالیست که در سایر کشورهای جهان معمولاً بودجه عمومی دولتی حوزه آموزش و پرورش از ۲ تا ۶ درصد تولید ناخالص داخلی متشکل می گردد. بی تردید آموزش و پرورش به بودجه بیشتری جهت ارتقاء کیفیت آموزشی و نیل به پوشش آموزشی صدر صدر تا پایان مقطع آموزشی



نیازمند می باشد. در واقع تعلیم و تربیت به عنوان یک پدیده اجتماعی جزء لاینفک زندگی بشمار رفته و اهمیت و تاثیر آن در بهبود وضعیت اجتماعی - اقتصادی، صنعتی، سیاسی، فرهنگی و... یک کشور بر کسی پوشیده نیست. اگر جامعه ای صاحب درآمد ارزی فراوان بوده اما از وظیفه پرورش و تربیت نیروی انسانی لازم و متخصص خطور نماید، یقیناً رشد و توسعه اقتصادی در آن کشور فراهم نگردیده و به استقلال اقتصادی دست نمی یابد زیرا توسعه کشاورزی، صنعتی، اقتصادی، تکنولوژی، بهداشتی، درمانی و... به آموزش و پرورش بستگی دارد. بر این اساس سیستم آموزشی میبایست با در نظر داشتن نیازمندیهای کشور جهت نیل به توسعه اقتصادی نسبت به برنامه ریزی آموزشی و تربیت نیروی انسانی متخصص و ماهر همت گمارد. طبیعتاً سرمایه گذاری در آموزش و پرورش در این چار چوب نه تنها به هدر نرفته، بلکه بازده اقتصادی آن بسیار بیش از سرمایه گذاری در سایر بخش ها خواهد بود.

با توجه به مختصات فوق میبایست بررسی نمود که آیا دولت ایران توانسته به سرمایه گذاری و برنامه ریزی دقیق در این عرصه بپردازد؟

نرخ باسوادی افراد رده سنی ۶ سال

طبق برآورده های به عمل آمده در آغاز طرح ۵ ساله اول، درصد باسوادان رده سنی ۶ سال کشور بر ۷۹/۷٪ طی سال ۱۹۹۳ و ۸۶/۱٪ طی سال ۱۹۹۸ بالغ می گردد. عملکردها نشان می دهند که برنامه های سوادآموزی کمی از میزان پیش بینی شده عقب تر بوده اند. طی سال ۱۹۹۸ نرخ باسوادی مردان بر ۸۴/۶٪ و نرخ باسوادی زنان بر ۷۴/۲۱٪ بالغ می گردد. اختلاف جنسیت در سوادآموزی طی سال ۱۹۸۶، ۱۹٪ بوده که طی سال ۱۹۹۱ به ۱۳/۶٪ و طی سال ۱۹۹۶ به ۱۰/۴٪ کاهش یافته است که این خود نشان دهنده سیر نزولی اختلاف جنسیت در سوادآموزی است.



جمعیت افراد باسواد رده های سنی ۶ سال و بالاتر در مناطق شهری/روستائی به تفکیک نرخ باسوادی و جنسیت

سال	جمعیت رده سنی ۶ سال و بالاتر (بر مبنای هزار)			نرخ باسوادی (بر مبنای درصد)		
	تعداد کل	مرد	زن	تعداد کل	مرد	زن
سراسر کشور						
۱۹۸۶	۳۸۷۰۹	۱۹۸۲۲	۱۸۸۸۷	۶۱/۷۸	۷۱/۰۲	۵۲/۰۸
۱۹۹۱	۴۳۸۵۶	۲۳۶۷۵	۲۲۱۸۱	۷۴/۰۷	۸۰/۶۴	۶۷/۰۶
۱۹۹۶	۵۲۲۹۵	۲۶۵۳۴	۲۵۷۶۱	۷۹/۵۱	۸۴/۶۷	۷۴/۲۱
مناطق شهری						
۱۹۸۶	۲۱۲۱۰	۱۰۹۰۷	۱۰۳۰۴	۷۳/۱۱	۸۰/۳۶	۶۵/۴۳
۱۹۹۱	۲۶۵۲۱	۱۳۷۲۷	۱۲۷۹۵	۸۱/۹۲	۸۶/۷۲	۷۶/۷۷
۱۹۹۶	۳۲۵۰۰	۱۶۵۹۳	۱۶۹۰۷	۸۵/۷۱	۸۹/۵۶	۸۱/۷
مناطق روستائی						
۱۹۸۶	۱۷۳۰۷	۸۸۱۸	۸۴۸۸	۴۸/۳۷	۵۹/۹۵	۳۶/۳۳
۱۹۹۱	۱۹۰۴۷	۹۷۹۹	۹۲۴۸	۶۳/۶۸	۷۲/۶	۵۴/۲۲
۱۹۹۶	۱۹۶۲۵	۹۸۵۷	۹۷۶۸	۶۹/۶۱	۷۶/۷۴	۶۲/۴۱

منبع: شاخص های جمعیتی ایران (طی سالهای ۹۶-۱۹۵۶)، مرکز آمار ایران

نرخ باسوادی افراد رده های سنی ۱۵ سال و بالاتر

بررسی جمعیت باسواد کشور که بالای ۱۵ سال دارند نشاندهنده افزایش از ۶۲/۹٪ در ۱۹۹۰ به ۷۵/۵٪ در سال ۱۹۹۸ می باشد که افزایش ۱۲/۶٪ را نشان می دهد. این نرخ رشد برای مردان از ۷۱/۹٪ به ۸۱/۶٪ و برای زنان از ۵۳/۱٪ به ۶۹/۲٪ می باشد. به علاوه، نسبت زنان باسواد به مردان بالای ۱۵ سال از ۰/۷۳ در سال ۱۹۹۰ به ۰/۸۶ در سال ۱۹۹۶ افزایش یافته است.



درصد جمعیت باسواد بالای ۱۵ سال به تفکیک (۱۹۹۰-۱۹۹۸)

سال	۱۹۹۰	۱۹۹۱	۱۹۹۲	۱۹۹۳	۱۹۹۴	۱۹۹۶	۱۹۹۷	۱۹۹۸
مرد/زن	۶۲/۹	۶۵/۲	۶۶/۹	۶۸/۵	۷۰/۱	۶۱/۵	۷۲/۹	۷۵/۵
مرد	۷۱/۹	۷۳/۹	۷۵/۲	۷۶/۴	۷۷/۶	۷۸/۶	۷۹/۷	۸۱/۶
زن	۵۳/۱	۵۵/۸	۵۸/۲	۶۰/۳	۶۲/۳	۶۴/۲	۶۵/۹	۶۹/۲

منبع: مرکز آمار ایران

بررسی شاخصه های باسوادی طی دهه ۹۰ نشان می دهد که نرخ باسوادی افراد رده های سنی ۲۴-۱۵ سال از ۸۴/۶٪ طی سال ۱۹۹۰ به ۹۵/۴٪ طی سال ۱۹۹۸ افزایش یافته و افزایش ۱۰/۸ درصدی مشهود می باشد. نرخ باسوادی زنان از ۷۸/۱٪ طی سال ۱۹۹۰ به ۹۳/۴٪ طی سال ۱۹۹۸ افزایش یافته است. نرخ باسوادی مردان نیز از ۹۰/۸٪ طی سال ۱۹۹۰ به ۹۷/۳٪ بالغ گردیده و از رشد ۶/۶٪ برخوردار بوده است. به علاوه نسبت زنان باسواد به مردان رده های سنی ۲۴-۱۵ از ۰/۸۶ طی سال ۱۹۹۰ به ۰/۹۵ طی سال ۱۹۹۸ افزایش یافته است.

نرخ باسوادی افراد رده های سنی ۲۴-۱۵ سال به تفکیک جنسیت

سال	۱۹۹۰	۱۹۹۱	۱۹۹۲	۱۹۹۳	۱۹۹۴	۱۹۹۵	۱۹۹۶	۱۹۹۷	۱۹۹۸
مرد/زن	۸۴/۶	۸۶/۶	۸۸/۰	۹۸/۰	۹۰/۶	۹۱/۷	۹۲/۹	۹۴/۶	۹۵/۴
مرد	۹۰/۸	۹۲/۹	۹۲/۸	۹۳/۵	۹۴/۱	۹۴/۸	۹۵/۴	۹۷/۳	۹۷/۴
زن	۷۸/۱	۸۰/۹	۹۳/۰	۸۵/۰	۸۶/۹	۸۸/۷	۹۰/۳	۹۱/۹	۹۳/۴

منبع: مرکز آمار ایران

طبق سرشماری به عمل آمده طی سالهای ۱۹۸۶ و ۱۹۹۶، نرخ باسوادی افراد رده های سنی ۲۵-۱۵ سال از ۸۶/۴٪ طی سال ۱۹۸۶ به ۹۶/۵٪ طی سال ۱۹۹۶ افزایش یافته است. نرخ باسوادی مردان از ۹۱/۵٪ به ۹۷/۳٪ و نرخ باسوادی زنان از ۸۱/۱٪ به ۹۵/۶٪ بالغ گردیده است. در عین حال، نرخ باسوادی



در مناطق روستائی از ۶۱/۶٪ طی سال ۱۹۸۶ به ۸۷/۳٪ طی سال ۱۹۹۶ افزایش یافته است. نرخ باسوادى مردان روستائى از ۷۵/۷٪ به ۹۲/۴٪ و نرخ باسوادى زنان روستائى از ۴۵/۹٪ به ۸۲/۴٪ افزایش یافته است.

علیرغم سیر صعودى نرخ سوادآموزى بزرگسالان و وضعیت نسبتاً مناسب کمیت آموزشى طى دهه ۹۰، در برخى استانهاى کشور نظیر سیستان و بلوچستان وضعیت بحرانى بنظر مى رسد؛ آمارها نشان مى دهند که توجه كمى به سوادآموزى در این استان مبذول گردیده است. چراکه فاصله زیادى میان نرخ باسوادى افراد رده سنى زیر ۲۴ سال این استان و ساير استانهاى کشور وجود دارد.

نرخ باسوادى افراد رده هاى سنى ۱۵-۲۴ در مناطق شهري و روستائى

(طى سالهاى ۱۹۸۶، ۱۹۹۱ و ۱۹۹۶ به تفکیک جنسیت)

سال	جمعیت ۱۵-۲۴ (میلیون)			نرخ باسوادى (درصد)		
	تعداد کل	مرد	زن	تعداد کل	مرد	زن
سراسر کشور						
۱۹۸۶	۹/۳	۴/۷	۴/۶	۷۵/۳	۸۴/۶	۶۵/۷
۱۹۹۱	۱۰/۸	۵/۵	۵/۲	۸۶/۶	۹۲/۱	۸۱/۷
۱۹۹۶	۱۲/۳	۶/۱	۶/۱	۹۲/۹	۹۵/۴	۹۰/۲
مناطق شهري						
۱۹۸۶	۵/۲	۲/۶	۲/۵	۸۲/۴	۹۱/۵	۹۱/۱
۱۹۹۱	۶	۳	۲/۹	۹۲/۸	۹۵/۴	۹۰/۲
۱۹۹۶	۷/۴	۳/۷	۳/۷	۹۶/۵	۹۷/۲	۹۵/۶
مناطق روستائى						
۱۹۸۹	۴/۱	۲	۲	۶۱/۱	۷۵/۷	۴۵/۸
۱۹۹۱	۴/۷	۲/۴	۲/۲	۷۹/۱	۸۸/۴	۶۹/۳
۱۹۹۶	۴/۸	۲/۴	۲/۴	۸۷/۲	۹۲/۴	۸۲/۴

منبع: شاخص های جمعیتی مرکز آمار ایران (۹۶-۱۹۵۶)



اجرای برنامه‌های توسعه سوادآموزی در جمهوری اسلامی ایران طی دو دهه گذشته، کاهش اختلاف جغرافیائی جمعیت باسواد و بیسواد کشور را به همراه داشته است که نشان می‌دهد درصد جمعیت باسواد رده سنی بالای ۱۵ سال از ۶۵/۵٪ طی سال ۱۹۸۶ به ۸۱٪ طی سال ۱۹۹۶ افزایش یافته است. نرخ مذکور برای مردان از ۷۵٪ به ۸۶/۴٪ و برای زنان از ۵۶/۸٪ به ۷۶/۸٪ افزایش یافته است. این نرخ برای مردان روستایی از ۴۷/۴٪ به ۶۷/۸٪ و برای زنان روستایی از ۲۲/۴٪ به ۴۹/۷٪ افزایش یافته است. به عبارت دیگر نرخ باسوادی در مناطق روستائی از سیر صعودی بیشتری برخوردار بوده و اختلاف میان نرخ باسوادی میان مناطق شهری و روستائی به میزان ۵۰ درصد کاهش یافته است.

جدول مقایسه نرخ باسوادی جمعیت رده های سنی ۱۵ سال و بالاتر به تفکیک جنسیت

سال	جمعیت ۱۵ سال و بالاتر (میلیون)			نرخ باسوادی (درصد)		
	تعداد کل	مرد	زن	تعداد کل	مرد	زن
سراسر کشور						
۱۹۸۶	۲۶/۹	۱۳/۷	۱۳/۱	۲۵/۵	۶۳/۲	۴۱/۲
۱۹۹۱	۳۱/۱	۱۶	۱۵	۶۵/۲	۷۳/۹	۵۵/۸
۱۹۹۶	۳۶/۳	۱۸/۴	۱۷/۹	۷۳/۹	۷۹/۷	۶۵/۹
مناطق شهری						
۱۹۸۶	۱۵/۳	۷/۸	۷/۴	۶۵/۵	۷۵	۵۶/۸
۱۹۹۱	۱۸/۳	۹/۵	۸/۸	۷۵/۷	۸۲/۴	۶۸/۴
۱۹۹۶	۲۲/۹	۱۱/۷	۱۱/۲	۸۱	۸۶/۴	۷۶/۵
مناطق روستائی						
۱۹۸۶	۱۱/۶	۵/۹	۵/۷	۳۵	۴۷/۴	۲۲/۴
۱۹۹۱	۱۲/۵	۶/۴	۶	۵۰/۳	۶۱/۸	۳۸/۵
۱۹۹۶	۱۳/۳	۶/۶	۶/۶	۵۹/۶	۶۷/۸	۴۹/۷

منبع: شاخص‌های جمعیتی مرکز آمار ایران (طی سالهای ۹۶-۱۹۵۶)



تاریخچه تغییرات آموزشی و پرورشی

طی ۱۲۰ سال اخیر نظام آموزشی کشور ایران تعداد ۱۰ بار تغییر نموده است که از آن جمله می توان به موارد ذیل اشاره نمود:

۱. ایجاد دوره ۳ ساله آموزش متوسطه (طی سال ۱۲۸۷ شمسی)
 ۲. تغییر دوره ۳ ساله آموزش متوسطه به ۶ سال، ایجاد دوره تعلیمات عمومی ۱۲ ساله و ایجاد نظام ۶ - ۳ - ۳ (طی سال ۹۳ - ۱۲۹۲ شمسی)
 ۳. تقسیم دوره ۶ ساله آموزش متوسطه به دو دوره اول و دوم برپایه دستورالعمل مصوب شورای عالی معارف و تقسیم دوره دوم متوسطه به دو رشته ادبی و علمی (طی سال ۱۳۱۰ شمسی)
 ۴. تقسیم دوره دوم متوسطه به رشته های ادبی، ریاضی، طبیعی، خانه داری، کشاورزی و فنی برپایه مصوبات شورای عالی فرهنگ (طی سال ۳۵ - ۱۳۳۴ شمسی)
 ۵. افزایش دو رشته فنی و حرفه ای هنرستانی به دوره دوم متوسطه (طی سال ۱۳۳۷ شمسی)
 ۶. تغییر مجدد نظام آموزشی کشور به سیستم ۵ - ۳ - ۴ (مرحله ابتدائی (۵ سال)، راهنمایی (۳ سال) و متوسطه (۴ سال)) (طی سال ۴۶ - ۱۳۴۵ شمسی)
- گفتنی است که دوره ۵ ساله آموزش ابتدائی از سال تحصیلی ۴۶ - ۱۳۴۵ شمسی، دوره ۳ ساله راهنمایی از سال ۵۱ - ۱۳۵۰ و دوره ۴ ساله متوسطه از سال تحصیلی ۵۴ - ۱۳۵۳ از شکل جدیدی برخوردار گردید.
۷. تغییر طرح آموزشی کشور و دوره آموزش متوسطه به ۳ سال و تعیین سال چهارم دبیرستان به عنوان دوره ۱ ساله آموزش تکمیلی متوسطه، به منظور آمادگی جهت تحصیلات دانشگاهی (طی سال ۱۳۵۰ شمسی)



گفتنی است که آموزش متوسطه فنی نیز به ۳ شاخه صنعت، خدمات و مشاغل روستایی تقسیم گردید.

۸. تقسیم آموزش متوسطه به ۳ شاخه آموزش متوسطه ۴ ساله نظری، جامع و فنی و حرفه ای

(طی سال ۱۳۵۳)

۹. تقسیم آموزش متوسطه به دو شاخه متوسطه عمومی (با ۲ زیر شاخه) و متوسطه فنی (با ۳

زیر شاخه) به مدت ۳ سال و اختصاص یک سال آخر متوسطه، به اهداف اختصاصی آمادگی جهت

پرداختن به تحصیلات دانشگاهی و یا آمادگی جهت جذب به بازار کار (طی سال ۱۳۵۴ شمسی)

۱۰. تثبیت دوره ۴ ساله آموزش متوسطه (طی سال ۱۳۵۵ شمسی)

واقعتهای تاریخی فوق نشانگر این است که تغییرات اساسی در نظام آموزشی متوسطه کشور ایران

به دفعات مکرر اعمال گردیده که این خود به عدم ثبات نسل جوان منتهی گردیده است.

طی سال ۱۳۶۷، درچار چوب طرح کلیات نظام آموزش و پرورش که به تصویب شورای عالی انقلاب

فرهنگی رسید حرکت در جهت تغییر بنیادی نظام آموزش و پرورش آغاز گردید. بنا بر اهمیت دوره

آموزش متوسطه در تربیت نیروی انسانی و توسعه اجتماعی و اقتصادی کشور، تغییر نظام آموزشی از

مقطع بحران زای مذکور، آغاز گردید. پس از تشکیل کمیسیونهای کاری سرانجام در سال ۷۱ - ۱۳۷۰

۱۰ درصد از دانش آموزان سال اول متوسطه تحت پوشش طرح جدید آموزش متوسطه قرار گرفتند.

گفتنی است که طرح مذکور در ۸ مرحله و ظرف مدت ۷ سال به اجرا درمی آید.



دلایل تغییر نظام پیشین آموزشی

از جمله مهمترین دلایل تغییر نظام پیشین آموزشی کشور ایران می توان به موارد ذیل اشاره نمود:

الف) جوانی جمعیت: کشور ایران در زمره یکی از جوانترین جمعیت های جهان قرار دارد به نحویکه دو سوم جمعیت کشور زیر رده سنی ۳۰ سال با میانگین سنی ۱۶ سال می باشد. طی دهه ۱۳۷۰ تعداد دانش آموزان مقطع آموزش متوسطه از حدود ۱۹ میلیون نفر به ۵ میلیون نفر و شمار فارغ التحصیلان آموزش متوسطه از سالانه حدود ۲۸۰ هزار به ۷۰۰ هزار فارغ التحصیل دیپلمه افزایش یافته است. طبق آخرین آمار بدست آمده طی سال تحصیلی ۷۹ - ۱۳۷۸ بالغ بر ۲۰ میلیون دانش آموز در سرا سر کشور به تحصیل مبادرت می نمایند. از این روی اهمیت عملکرد وزارت آموزش و پرورش با توجه به جوانی جمعیت آماده تحصیل کشور بیش از پیش روشن می گردد.

ب) کاهش نسبت فارغ التحصیلان دوره متوسطه نظام قدیم به دانش آموزان ورودی سال اول آموزش به کمتر از ۴۰ نفر از صد نفر (طی سالهای دهه ۱۳۶۰) و افزایش سریع جمعیت دانش آموزان و جمعیت مردودین علمی و عدم استقبال دانش آموزان از دوره های آموزشی فنی و حرفه ای که طی دهه ۱۳۶۰ به کمتر از ۸٫۱۲ درصد کل دانش آموزان دوره متوسطه تقلیل یافت.

ج) عدم سازماندهی، طراحی و سمت گیری نامنظم آموزش متوسطه که به بازماندن بیش از ۸۰ درصد فارغ التحصیلان دیپلمه دبیرستانی از ورود به دانشگاه و سرازیری آنان به بازار کار بدون کسب مهارتهای لازم جهت جذب آنان به بازار کار به نحویکه طی دهه ۱۳۶۰ تنها ۸٫۴ درصد دانش آموزان مقطع آموزش متوسطه به فارغ التحصیلی از رشته های فنی حرفه ای نائل آمدند.

د) نامناسب بودن برنامه های آموزشی رشته های نظری قدیم جهت برطرف نمودن نیازدانشگاهها، عدم استقبال از رشته های فنی حرفه ای، انعطاف ناپذیری نظام آموزش متوسطه جهت بهره



گیری از امکانات آموزشی خارج از مدارس ، پذیرش نوآوری ها و پاسخگویی به نیاز های ویژه مناطق آموزشی

خلاصه طرح کلی نظام آموزشی جدید در قالب موارد ذیل لحاظ گردیده است:

۱ - عدم حضور مجدد دانش آموزان مردودی در دروس آموزشی پذیرفته شده و آزمون دروس مذکور جهت حل این معضل، روش امتحانات ترمی که مشابه نظام آموزشی دانشگاهها است ، اتخاذ گردیده تا از این طریق دانش آموزان به گذراندن مواد درسی بصورت واحدی نائل آیند. به عبارت دیگر عبارتی تحت عنوان دانش آموز مردودی از میان رفته و دانش آموزان تنها ملزم به گذراندن دروس مشروط و حضور مجدد در آزمون مربوطه می باشند. گفتنی است که چنین شیوه ای در جهت کاهش شمار دانش آموزان مردودی ترک تحصیل نموده اتخاذ گردیده است. در نظام آموزشی گذشته بنا بر آمار و ارقام موجود از هر ۱۰۰ نفر ورودی به دوره آموزش متوسطه بالغ بر ۴۸ نفر پیش از پایان دوره چهار ساله به ترک تحصیل مبادرت و این در حالیست که در نظام آموزشی جدید از هر ۱۰۰ نفر ، ۱۵ نفر پیش از پایان دوره ۳ ساله به ترک تحصیل مبادرت می نمایند. از این روی شمار کلی ترک تحصیل کنندگان در نظام آموزشی جدید کمتر است.

۲ - تغییر ساختار نظام آموزش متوسطه و طراحی شاخه کار دانش

با اجرای سیاست مذکور، دانش آموزان فارغ التحصیل دیپلمه با فراگیری حرفه و فن در طول مدت تحصیلات متوسطه، به آسانی وارد بازار کار میشوند.

۳ - کاهش طول دوره آموزش متوسطه از ۴ سال به ۳ سال

در نظام جدید آموزشی ۳ شاخه اصلی نظری ، فنی حرفه ای و کار دانش به دانش آموزان ارائه می گردد. در نظام آموزشی مذکور با پشت سرگذاردن دوره ۳ ساله آموزش عمومی (نظری و فنی و حرفه ای) دیپلم متوسطه به فارغ التحصیلان اعطاء میگردد. در مقابل به آندسته از افرادی که



به گذراندن دوره های حرفه آموزی مبادرت می نمایند نیز بنا به درجه مهارت ، گواهینامه آموزشی اعطاء می گردد.گفتنی است که با گذراندن دوره آموزشی یکساله پیش دانشگاهی ویژه افراد علاقمند به ادامه تحصیل در دانشگاهها، نظام جدید آموزش متوسطه تکمیل می گردد. دارندگان دیپلم متوسطه نظام جدید با حضور در آزمون سراسری از مجوز حضور در دوره پیش دانشگاهی برخوردار می گردند. پذیرفته شدگان میتوانند برای یک سال تحصیلی در دوره پیش دانشگاهی حضور یابند . دانش آموزان دوره پیش دانشگاهی ملزم به گذراندن ۳۲ واحد درسی می باشند که از یک سو با شاخه تحصیلی آنها متناسب بوده و از سوی دیگر با نیاز دانشگاه های کشور هماهنگ می باشد.گفتنی است دانش آموزان مقطع پیش دانشگاهی در صورت اخذ گواهینامه قبولی از مجوز حضور در آزمون ورودی دانشگاه برخوردار می گردند.

۴ - ارائه دروس به شکل ۹۶ واحد درسی مشترک و اختصاصی .

به عبارت دیگر در نظام جدید آموزش متوسطه ۳ شاخه اصلی نظری ، فنی حرفه ای و کار دانش طراحی گردیده و کلیه دانش آموزان دوره متوسطه ملزم به گذراندن تعدادی از دروس بصورت مشترک می باشند.گفتنی است تعداد دروس مشترک در شاخه نظری بر ۶۶ واحد، شاخه فنی حرفه ای بر ۵۸ واحد و شاخه کار دانش بر ۴۵ واحد بالغ می گردد .علاوه بر این، دانش آموزان شاخه کار دانش نیز ملزم به گذراندن ۴۵ واحد درسی مشترک با شاخه های دیگر آموزش متوسطه و گذراندن ۴۷ واحد درسی به عنوان واحد های مهارتی در رشته های مورد علاقه در خارج از مدارس و آموزشگاهها یا کارگاههای آموزشی وابسته به نهاد های غیر وابسته به وزارت آموزش و پرورش و ۴ واحد درسی اختیاری می باشند.با مرور زمان کارگزاران و برنامه نویسان نظام جدید آموزش متوسطه دریافتند که به بررسی کلیه جوانب کار مبادرت ننموده و به آمادگی لازم جهت اجرای طرح نظام آموزشی جدید نائل نیامده اند. بعنوان مثال آندسته از وزارتخانه ها و



دستگاه‌های اجرایی که موظف به همکاری با وزارت آموزش و پرورش در عرصه شاخه کار دانش بودند از همکاری و همیاری انصراف نمودند که این خود به ایجاد بحران در پیشبرد طرح جدید آموزشی منجر گردید. علاوه بر این اتخاذ روش امتحانات ترمی نیز نتایج عمومی خوبی ببار نیاورده و دانش آموزان و معلمان و... به اطلاعات لازم از جزئیات طرح جدید دست نیافتند. بدین ترتیب مقدمات افت تحصیلی و سرخوردگی همگانی، نسبت به نظام جدید آموزشی آغاز گردید.

در نظرسنجی‌هایی که از دانش آموزان ۵ دبیرستان به عمل آمد، با وجود کلیه مشکلات موجود در یک نظرسنجی در مجموع ۸۷ ر ۸۱٪ دانش آموزانی که به تحصیل در رشته‌های تحصیلی علوم ریاضی فیزیک، علوم تجربی و علوم انسانی مبادرت مینمودند، همگی بر این ایده اتفاق نظر داشتند که نظام جدید آموزش متوسطه، از عهده برطرف نمودن نیازهای آموزشی و پرورشی مقطع متوسطه بر نیامده است. در میان مشکلات متعدد مطرح شده، ۶۲٪ دانش آموزان به حجم وسیع و گسترده کتابهای درسی به عنوان بزرگترین ایراد نظام جدید آموزشی اشاره داشته‌اند. در این میان دانش آموزان رشته علوم تجربی که با حجم وسیع کتابهای زیست شناسی، زمین شناسی و شیمی و... مواجه بوده‌اند، ناراضی‌تر از سایرین بنظر میرسند. دانش آموزان علوم ریاضی فیزیک، مشکل نظام جدید آموزش متوسطه را در کمبود معلمان ورزیده دروس پایه و تخصصی من جمله ریاضی و فیزیک عنوان نموده‌اند. در نظرسنجی دیگری ۵۷ ر ۵۱٪ دانش آموزان ابراز داشتند که با از میان برداشتن نظام واحدی، مشکلات آموزش و پرورش متوسطه برطرف می‌گردد. بیشتر آنها علت این امر را، در عدم وجود برنامه ریزی درست و ثابت برای این نظام و عدم کارآئی این نظام در کاهش ساعات درسی دانسته‌اند.

از جمله دیگر معضلات نظام جدید آموزش متوسطه، مطالعه دروس اصلی و تخصصی ظرف مدت زمان ۳ سال تحصیلی و ترمهای آموزشی ۶ ماهه می‌باشد. نتیجه چنین مشکلاتی، تا حدودی به کم سوادی دانش آموزان نظام جدید منجر گردیده است. با مرور زمان یکسری تغییرات و اصلاحات در ساختار



نظام جدید آموزش متوسطه اعمال گردیده که از آن جمله میتوان به تبدیل سیستم واحدی - نیمسال به واحدی - سالی و تبدیل دوره پیش دانشگاهی به دوره تکمیلی اشاره نمود.

نظام جدید آموزشی ایران

نظام آموزشی دوره متوسطه در کشور پس از ۵ دهه راه تحول در پیش گرفته است. بی تردید، نظام آموزشی جدید همچنان برای دانش آموزان و خانواده ها نامانوس بوده و نیاز به فعالیت تبلیغاتی گسترده دارد. مطابق نظام مذکور هیچ دانش آموزی از این پس در مقطع آموزش متوسطه مردود نشده، بلکه از امکان گذراندن واحدهای درسی به صورت ترمی نظیر دانشگاه برخوردار می گردد. غلط یا درست، این نخستین برداشت عمومی از نظام جدید آموزش متوسطه ایران است بود.

نظام قدیم آموزشی بیش از ۴۰ سال بر پیکره آموزش و پرورش کشور ایران استوار بوده است. این نظام ابتدا پس از مکتب خانه ها به عنوان نظام آموزشی کلیه مناطق کشور مطرح گردیده و مدارس گوناگون با عملکردی ویژه شکل یافت. کتب درسی و متون آموزشی با تغییراتی جزئی حداقل تا سه نسل دست به دست شد. این در حالی بود که در سال ۷۱ نظام جدید آموزشی کشور مطرح شده و به صورت آزمایشی در چند استان به مرحله اجرا در آمد. طی سال ۷۲، ۲۰ درصد از مدارس، طی سال ۷۳ بالغ بر ۴۰ درصد و طی سال ۷۴ بالغ بر ۶۰ درصد و طی سال ۷۵ کلیه مدارس دوره متوسطه ایران تحت پوشش نظام مذکور قرار گرفته و مورخه ۲۴ / ۸ / ۷۵ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید. نظام آموزش قدیم متحول شده و به نظر کارشناسان حل بسیاری از مشکلات دانش آموزان از جمله افت تحصیلی مستلزم اعمال این تغییر بود. از سوی دیگر نظام قدیم آموزشی آنچنان که باید کارایی نداشته و طبق آمارهای به دست آمده از هر ۱۰۰ نفر در یک دوره تحصیلی ۱۲ ساله تنها ۱۲ نفر به دریافت دیپلم متوسطه نائل می آمدند. به عبارت دیگر، از هر ۱۰۰ نفر تنها ۷۴ نفر به مقطع آموزش راهنمایی، ۳۸ نفر به



کلاس اول دبیرستان و ۲۱ نفر به سال چهارم دبیرستان راه می یافتند و از ۲۱ نفر باقی مانده تنها ۱۲ نفر موفق به دریافت دیپلم می شدند. همچنین افزایش شمار مردودین و تجدید شدگان حاکی از وجود نارسایی در نظام قدیم آموزشی بود. طرح نظام جدید آموزشی را نمی توان با چند عکس و اسلاید، نمودار و جدول به جامعه شناساند. این طرح که سالها درباره آن تحقیق و بررسی شده است، محدود به یک یا چند کشور نیست، بلکه برای طراحی این طرح نظام های گوناگونی در جهان مورد مطالعه قرار گرفت که از آن جمله می توان به کشورهای ژاپن، استرالیا، هند، شوروی سابق، انگلستان، فرانسه و آلمان اشاره نمود. از جمله مهمترین مشکلات دانش آموزان مقطع نظام جدید عدم شناخت کافی از این نظام آموزشی است، این نوع آگاهی و ابهام سبب بروز مشکلات گوناگونی شده است. از این روی از راه تبلیغات درست، و استفاده از رادیو و تلویزیون، می بایستی اطلاعات لازم درخصوص نظام جدید آموزشی در اختیار مردم قرار گیرد. نظام جدید آموزشی در کلیه زمینه ها با نظام قدیم آموزشی متفاوت است. شیوه امتحان، نحوه گذراندن دروس، برنامه های آموزشی ارائه شده و انتخاب رشته (هدایت تحصیلی) در نظام جدید متحول شده و به طور قطع مشکلاتی نیز در بر دارد، از جمله مسائل مطرح در میان دانش آموزان نظام جدید رفتن به دانشگاه ها طبق قوانین نظام جدید می باشد چرا که مطابق قوانین نظام آموزشی مذکور، هر دانش آموز از امکان حضور در آزمون ورودی پیش دانشگاهی به مدت ۳ مرتبه برخوردار بوده و در صورت قبولی از حق ادامه تحصیل در مراکز آموزش عالی بهره مند می گردد.

طی سال تحصیلی ۷۵ - ۷۶ ورود به مراکز پیش دانشگاهی بر اساس آزمون میسر گردید چرا که طرح نظام جدید از مرحله آزمایشی خارج شده و به تصویب مجلس رسید. در لایحه تصویبی آندسته از دانش آموزانی که از ورود به دوره پیش دانشگاهی باز ماندند، با حضور در آزمون کنکور مرحله اول و قبولی در آن از حق حضور در دوره پیش دانشگاهی برخوردار گردیده و پس از اتمام دوره پیش دانشگاهی



در دانشگاه هایت نام نمودند. علاوه بر این آندسته از افرادی که از دیپلم متوسطه نظام جدید برخوردار بودند نظیر دانش آموزان سال سوم نظام قدیم از حق حضور در آزمون دانشگاه آزاد برخوردار گردیدند.

آزمونهای دو نوبته

از آزمونهای دونوبته تحت عنوان سر آغاز تحول نظام ارزشیابی تحصیلی ایران یاد می گردد.

از سال تحصیلی ۱۳۸۰-۱۳۸۱ برگزاری آزمونهای دو نوبته در مقاطع تحصیلی ابتدایی و راهنمایی تحصیلی سراسر کشور مد نظر قرار گرفت. این شیوه، بر ارزشیابی های تحصیلی مستمر از دانش آموزان، فعالیتهای تحقیقاتی و تلاشهای خارج از کلاس فراگیران و نیز تکالیفی که طی دوره انجام می دهند، تاکید می شود، گفتنی است که لایحه مذکور توسط شورای عالی آموزش و پرورش تصویب و به کلیه مدارس کشور ابلاغ گردید.

ویژگی امتحانات دو نوبته

از جمله مهمترین ویژگی امتحانات دو نوبته می توان به موارد ذیل اشاره نمود:

- ۱- تبدیل فرهنگ بیست محوری و نمره گرایی در خانواده ها به فرهنگ فرآیند گرایی و محتوا گرایی
- ۲- بازنگری نظام حقوق و مزایای کادر آموزشی کشور (درون نهادی و برون نهادی)
- ۳- اعمال تغییرات قابل توجه در ساختار و عملکرد مناطق و ادارات آموزش و پرورش
- ۴- واگذاری اختیار تصمیم گیری در زمینه های بودجه بندی مراکز آموزشی، تدوین برنامه های آموزشی، انتخاب شیوه های تدریس و یادگیری و روشهای ارزشیابی به مدارس و معلمان از یک سو و عدم ضرورت وجودی برخی از دوایر اداری من جمله گروههای آموزشی از سوی دیگر



معایب آزمونهای دو نوبته

از جمله مهمترین معایب آزمونهای دو نوبته می توان به موارد ذیل اشاره نمود:

۱- در طرح امتحانات دو نوبته با، فراهم نمودن بستری مناسب برای قبولی ناحق و کمی و عدم آمادگی

دانش آموزان با وجود معلمین کم کار و سنت گرا

۲- افزایش افت تحصیلی و تنزل کیفیت آموزشی

۳- عدم وجود انگیزه و هدف اقتصادی (کاهش هزینه های جاری نظام آموزشی) با مطالعه اهداف، مواد و

پیوست های آئین نامه آزمونهای دو نوبته

۴- نیاز به تجهیز امکانات آموزشی و کمک آموزشی، ضرورت بازآموزی مداوم معلمین و کادر مدارس، ارائه

خدمات جانبی و حمایتی جهت یادگیری بهتر دانش آموزان و صرف هزینه های بیشتر توسط مدارس

بحث و نتیجه گیری

بازنگری و تحول نظام آموزشی ایران، با در نظر گرفتن تحولات عمیق اجتماعی و بافت جمعیتی

جامعه، تامل هوشمندانه بر پیشرفتهای چشمگیر و فراینده جهان، تحلیل بنیادی کاستی های نظام

آموزشی و بررسی شاخصهای کارایی درونی آن ضرورتی اجتناب ناپذیر و مداوم بوده که مقایسه نتایج

تحلیل ها و بررسی های مذکور با نیازها و ویژگی های لازم جهت ادامه حیات در جهان نوین ، حرکت به

سوی تمرکز زدایی و واگذاری اختیارات به عوامل اصلی نظام های آموزشی (معلمین، کارکنان و مدیران

مدارس)، تمرکز بر بهبود یادگیری دانش آموزان و جلب مشارکت خانواده ها را بدنبال داشته است. رویکرد

مدرسه محوری جهت تحقق اهداف فوق با توجه به نظام به شدت متمرکز فرهنگی و سازمانی ایران ،

نیازمند بستر سازی مناسب است. از آنجا که تغییرات گسترده و همه جانبه در گذشته خاطرات خوبی را

در اذهان عمومی جامعه به جا نگذاشته است ، طراحی آئین نامه ارزشیابی فرآیند محور آزمونهای دو نوبته

مقدمات استقرار مدرسه محوری را فراهم آورده است. در کنار اصلاح برخی از موارد متناقض در آئین نامه



مذکور توسط شورای عالی ، اهتمام جدی و مسئولانه مقامات مسئول اجرایی در حوزه های مالی اداری ، برنامه ریزی و نیروی انسانی و آموزشی و پرورشی جهت آموزش و باز آموزشی مداوم عوامل ذی ربط در کلیه سطوح ، تامین امکانات و خدمات موردنیاز ، اصلاح نظام استخدامی ، ارتقاء پاداش و مزایای کادر آموزشی و سیستم های برنامه ریزی درسی و آموزشی می تواند حرکت از نظام تربیت تلقینی به تربیت پویا و خلاق و مشارکت جویانه و از نظام متمرکز اداری به ساختاری نیمه متمرکز و غیر متمرکز که موجبات فعال سازی اندیشه و توان آحاد جامعه را فراهم آورد، تسریع بخشد. تحقیق جامع و کارآمد از اثرات اجرای آئین نامه آزمونهای دو نوبته طی سال تحصیلی ۷۹-۸۰ ابهامات را آشکار ساخته و نقاط قوت و ضعف طرح را به تصویر کشانده و برنامه ریزان را برای بازنگری فرآیندی بر طرح و رهبران آموزشی را برای مدیریت مطلوب آن مجهز می سازد. هم اکنون در نظام های آموزشی مدرن ، مدارس علاوه بر مدیران ، از هدایت کننده هایی تحت عنوان "راهنما" ، "مدرس همراه" ، "مشاور آموزشی و درسی" و "معلمین راهنما" برخوردار می باشند. موضوعات و مفاهیم "هدایت و نظارت" ، "کنترل" و "راهنمایی تحصیلی" از دیرباز در حوزه نظری علوم تربیتی و مباحث مدیریت آموزشگاهی ، دارای جایگاه شایسته ای بوده اند. صاحب نظران علوم تربیتی بر این باورند که به رغم هر نوع برنامه ریزی دقیق. مناسب و بی عیب و نقصی ، نمی توان هر سامانه آموزشی برنامه ریزی شده ای را بدون هدایت و نظارت و کنترل عوامل درونی و بیرونی ، به سر منزل مقصود رسانید. به عبارت دیگر ، درست است که ما برای هدفمند ساختن نظام آموزشی و درسی ۱۸/۵ میلیون دانش آموز و ۱/۵ میلیون فرهنگی ، برنامه های متعددی را طراحی و آنها را از طریق مجاری رسمی ، قانونی و اداری برای اجرا به ادارات آموزش و پرورش و به وسیله آنها به مدارس ابلاغ می کنیم ، اما آیا هیچ ضرورتی برای هدایت و نظارت و کنترل برنامه های ابلاغ شده وجود ندارد؟ درست است که ما شعار مدرسه محوری را مطرح می کنیم و تصمیمات اتخاذ شده توسط شورای مدرسه



را ملاک معتبری می دانیم ، اما آیا حتما مدارس خواهند توانست اهداف والایی را که در برنامه های آموزشی طراحی شده به خوبی به اجرا در آورند؟

وقتی سخن از نظارت و راهنمایی ویا کنترل به میان می آوریم ، منظورمان طرح نظریات سنتی کنترل و نظارت نیست. در نگرش های کلاسیک به مقوله کنترل ، از این فعالیت ، بیشتر به عنوان "مچ گیری" ، "عیبگیری" و "نظارت توأم با سرپرستی مستقیم و حضوری" یاد می کردند. در این حالت تعدادی مشخص از کارکنان ، "کنترلر" یا "نظارت کننده" خاصی داشتند که دائما در حال "پایش" آنها بودند. در حالی که در نظریه های جدید مدیریت آموزشی و در تجلیلگاه اندیشه های این سبک از مدیریت مدارس و نظام های آموزشی ، بیشتر از بعد هدایتی "نظارت و کنترل" سخن می گویند و اعلام می دارند "کنترلر" ، هدایت کننده فرآیند و فعالیتهای آموزشی و تصحیح کننده خطاها و انحرافات و از همه مهم تر تسهیل کننده فعالیت آموزگاران جهت حرکت در مسیر صحیح و مبتنی بر برنامه و هدف هاست. افرادی که فعالیت نظارتی و هدایتی به آنها واگذار می شود ، بیشتر از آنکه کنترل کننده و پاینده صرف جریان یاد دهی - یادگیری باشند ، تصحیح کننده و آموزش دهنده بوده و انتقال اهداف و تصحیح دیدگاه ها نیز بر عهده آنهاست. در این نگرش ، چون به کرامت انسان و ارزش های والای او توجه کافی مبذول می شود و انسان از پیچ مهره ای صرف ، به نیروی صاحب اندیشه و اختیار بدل می گردد، کنترل از مراحل پیش افتاده "پایش فیزیکی" به "درجه خود کنترلی" صعود نموده و هر انسانی ، کنترل فعالیتهای خود را ، خود بر عهده می گیرد. این مباحث ، امروزه در دیدگاه های مرتبط با "مدیریت کیفیت جامع (T.MQ)" مورد بحث و بررسی قرار می گیرد. هم اکنون در نظام های آموزشی مدرن ، مدارس علاوه بر مدیران ، از هدایت کننده هایی به نام های "راهنما" ، "مدرس همراه" ، "مشاور آموزشی و درسی" ، "معلم راهنما" و.... هستند که از سوی متولیان نظام آموزشی (در حالتی که نظام متمرکز و یا غیر متمرکز باشد) و یا از سوی هیات امنای آموزشگاه (در حالتی که نظام آموزشی غیر متمرکز باشد) به کار گمارده می شوند و



وظیفه هدایت و نظارت فرآیند آموزش بر عهده آنهاست. در ایران، نیز نمونه ای مشابه با حالت اخیر را در مدارس سما، برخی مدارس غیر انتفاعی و نمونه مردمی (سابق) و نیز تعدادی از مدارس نمونه دولتی (در جنوب شهر و مناطق محروم کشور) شاهد بوده ایم.

طی سالهای اخیر، وظیفه نظارت و هدایت برنامه های نظام آموزش رسمی در ادارات آموزش و پرورش کشور ایران بر عهده نهادهای مختلفی بوده است که "گروه های آموزشی" و "معلمین راهنما"، "مقاطع آموزشی و تربیتی"، "دایره ارزشیابی"، "بازرسی و رسیدگی به شکایات"، "ستاد تجهیزات و تکنولوژی آموزشی" و... از آنجمله اند. گروه های آموزشی به جمع فرهیخته ای از معلمان رشته ها و پایه های مختلف تحصیلی اطلاق می گردد که اعضای آن از میان نیروهای کیفی، توانمند و صاحب فکر آموزش و پرورش انتخاب شده و با تجمع در دپارتمانهای آموزشی، وظیفه نظارت بر حسن اجرا برنامه های آموزشی مدارس، به ویژه در بعد غیر کنترلی، هدایتی و آموزشی را برعهده می گرفتند. تشکیل جلسات توجیهی، حضور در مدارس، گفتگو با معلمین، تشکیل کلاس های باز آموزی، ارسال جزوات و نشریات، ایجاد پل ارتباطی میان مدارس و دانشگاهها و ده ها کار کیفی دیگر از جمله فعالیتهای گروه های آموزشی محسوب می گردید.

اصول و اهداف کلی آموزشی

از جمله مهمترین اصول و اهداف کلی آموزش و پرورش می توان به موارد ذیل اشاره نمود:

- ۱- تشریح اصول و فرهنگ اسلامی و شیعی بر پایه قرآن کریم، سنت پیامبر (ص) و سیره اهل بیت
- ۲- پیشبرد بررسی و تحقیقات علمی با توجه به امکانات علمی، فنی و فرهنگی
- ۳- ارتقاء علم و تکنولوژی جهت توسعه علمی و فنی کشور به ویژه در زمینه های کشاورزی، صنعتی و

نظامی



۴- ارتقاء دوره های آموزشی فشرده همگانی

۵- تأمین عدالت اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در میان کلیه شهروندان

۶- رعایت قوانین و مقررات و گسترش فضایل اخلاقی در جامعه

اولویتها و علایق آموزشی

از جمله مهمترین اولویتها و علایق آموزشی می توان به موارد ذیل اشاره نمود:

تشکیل شورای عالی انقلاب فرهنگی (طی سال ۱۹۸۶) جهت اصلاح اهداف و ساختار نظام آموزشی بر

پایه استراتژیهای جدید انقلاب اسلامی

اصلاح اهداف اصلی مقطع آموزش ابتدایی از طریق بازنگری در برنامه های آموزشی تحصیلی

تجدید مدت زمان تحصیلی

ارزیابی آمادگی کودکان جهت حضور در مراکز آموزشی

بکار گیری نظام ارزیابی و آگاهی از عملکرد کودکان

ارائه کارنامه تحصیلی کامپیوتری

بهره گیری از رسانه های جمعی در مراکز آموزشی

اصلاح ساختار و سازماندهی آموزشی

برگزاری کلاسهای تجدیدی و تقویتی

بهره وری از تحقیقات در تصمیم گیری های آموزشی

طراحی و اجرای برنامه های توسعه ۵ ساله با هدف تقویت ارزشهای اخلاقی، برقراری عدالت اجتماعی و

دموکراسی، مقابله با تهاجم فرهنگی، ریشه کنی بی سوادی و توسعه آموزش تا سطوح عالی، تقویت و

گسترش مراکز تحقیقاتی و آموزش معلمان، افزایش میزان مشارکتهای مردمی، جذب متخصصین مقیم



خارج از کشور جهت تدریس و تحقیقات، گسترش دامنه فعالیت انجمن های اولیاء مربیان ، تأسیس مدارس شبانه روزی در مناطق محروم

قوانین آموزشی و پرورشی

از جمله مهمترین قوانین آموزشی و پرورشی می توان به موارد ذیل اشاره نمود:

- ۱- قانون برنامه دوم ۵ ساله (۹۹ - ۱۹۹۵) که بر ارائه دوره های آموزش رایگان و اجباری تا پایان مقطع آموزش راهنمایی ، تعهد وزارت آموزش و پرورش در جهت مشارکت با سازمان نهضت سوادآموزی و آموزش کلیه کودکان و افراد بیسواد زیر رده سنی ۴۰ سال تاکید دارد.
- ۲- قانون تأسیس مدارس غیر انتفاعی مصوب ۱۹۹۸ که به تأسیس و مدیریت مراکز آموزشی با مشارکت مردمی انجامید.
- ۳- قانون مشارکت وزارت آموزش و پرورش مصوب ۱۹۹۲ که بر مشارکت وزارت آموزش و پرورش با سایر وزارتخانه ها جهت استفاده از امکانات آنان در اجرای فرامین صادره از مجلس تاکید دارد.
- ۴- قانون تأسیس مدارس ویژه بزرگسالان و مدارس نمونه مردمی مصوب ۱۹۹۳ که بر فراهم نمودن امکان ادامه تحصیلات برای کلیه سطوح جامعه تاکید دارد.
- ۵- لایحه اصلاحی شورای آموزش مصوب ۱۹۹۳ که بر مشارکت غیر متمرکز مردمی تاکید دارد.

همکاریهای آموزشی

از جمله مهمترین نهادهایی که سازمان نهضت سوادآموزی به برقراری همکاری با آنان مبادرت می نماید می توان به موارد ذیل اشاره نمود:



۱. وزارت کشاورزی

سازمان نهضت سوادآموزی (LMO) با همکاری «دفتر تحقیقات، آموزش و ترویج» وزارت کشاورزی به انتشار ۱۴ کتاب ساده در موضوعات مختلف در جهت افزایش مهارت و دانش کشاورزان مبادرت نموده است. گفتنی است که این کتابها در مسابقات بزرگ کتابخوانی در استانهای مختلف توزیع گردیده اند.

۲. وزارت جهاد سازندگی

سازمان نهضت سوادآموزی (LMO) با همکاری وزارت کشاورزی به انتشار کتابهای متعددی در خصوص محیط زیست، جنگلداری و دیگر موضوعات مبادرت می نماید.

۳. پرسنل قضائی

سازمان نهضت سوادآموزی (LMO) با همکاری نیروهای قضائی به انتشار کتب ساده در خصوص موضوعاتی نظیر سرقت، قوانین رانندگی و ... مبادرت می نماید.

۴. مراکز مبارزه با مواد مخدر

سازمان نهضت سوادآموزی (LMO) با همکاری مراکز مذکور به انتشار کتب ساده آموزشی در جهت ارتقاء آگاهی جامعه از سوء مصرف و خطرات مواد مخدر مبادرت می نماید.

۵. سازمان یونیسف

سازمان نهضت سوادآموزی (LMO) با همکاری این سازمان و با اجرای طرح آموزش عمومی به انتشار چندین کتاب در خصوص موضوعات مختلف مبادرت می نماید. گفتنی است که برخی از این کتابها به زبانهای مختلف ترجمه شده است.



شوراهای آموزشی

نظام آموزشی ایران تا سال ۱۹۸۶ نظامی کاملاً متمرکز محسوب می گردید. در همان اثنا بود که «قانون تشکیل شوراهای آموزشی» در استانها و شهرستانهای کشور به مورد اجرا گذارده شد. از جمله مهمترین وظایف و اختیارات «شوراهای آموزشی» استانی می توان به موارد ذیل اشاره نمود:

۱. اعتبار بخشیدن به مقررات تخمین هزینه های آموزشی دانش آموزان مناطق محروم، به منظور زدودن محرومیت آموزشی در مناطق مذکور

۲. تأکید بر وجود تنوعات آموزشی در بخش های مختلف کشور و توجه به شرایط زیست محیطی و جغرافیای بومی هر بخش

۳. سیاست گذاری و برنامه ریزی جهت احداث، گسترش و تجهیز فضاهای آموزشی در شهرستانها از جمله مهمترین وظایف و اختیارات «شوراهای آموزشی» شهرستانها می توان به موارد ذیل اشاره نمود:

۱. اعتبار بخشیدن به اصول و سیاستهای مالی و بودجه مدارس
۲. اخذ مالیاتهای آموزشی به منظور فراهم نمودن کمکهای آموزشی
۳. تقسیم و توزیع بودجه اختصاص یافته دولتی به حوزه آموزش در میان مراکز آموزشی
۴. تشویق افراد متمول، مالکان صنایع و جامعه تجاری به احداث مدارس
۵. فراهم آوردن تسهیلات لازم جهت احداث مدارس غیرانتفاعی
۶. برنامه ریزی جهت تهیه و تجهیز فضاهای آموزشی
۷. تلاش در جهت گسترش آموزش عمومی و ثبت نام از کلیه کودکان و برطرف نمودن کمبودهای

آموزشی



۸. سازماندهی تسهیلات آموزش فنی- حرفه‌ای و آموزش (کار و دانش) طبق قوانین جدید

آموزشی

گفتنی است که شهرداریها نقش اساسی در فراهم آوردن منابع مالی «شوراهای آموزشی استانی» ایفا می‌نمایند. شوراهای آموزشی شهرستانها از امام جمعه، مدیر کل، رئیس اداره آموزش و پرورش شهرستان، معاون پرورشی، رئیس شورای شهرستان، شهردار، سه تن از رؤسای مقاطع مختلف تحصیلی، رئیس شبکه بهداشت و ۵-۳ تن از والدین یا معتمدین محل متشکل می‌گردد.

سازمانهای غیر دولتی (NGO)

در کشور ایران سازمانهای غیردولتی زیادی در امر آموزش فعالیت نداشته و تعداد محدود فعال نیز متکی به دولت می‌باشند. از آغاز دوره ریاست جمهوری آقای خاتمی در ۱۹۹۷، تغییرات چشمگیری به وقوع پیوسته و شرایط مناسبی جهت فعالیت این سازمانها به وجود آمده است. طی سالهای اخیر و در جهت نیل به هدف فوق تلاش بسیار زیادی به منظور برقراری ارتباط شفاف میان سازمانهای دولتی و غیردولتی و افزایش فعالیت تأثیر بخش، بخش خصوصی صورت گرفته است.

سازمانهای غیردولتی فعال در امور آموزشی

از جمله مهمترین سازمانهای غیردولتی فعال در امور کودکان و معلمان می‌توان به موارد ذیل اشاره

نمود:

۱. مرکز تحقیقات آموزش پیش دبستانی (PERC)

مرکز تحقیقات آموزش پیش دبستانی (PERC) از جمله سازمانهای غیردولتی ایران می‌باشد که با تألیف کتابهای مرجع مقطع آموزش پیش دبستانی و برنامه‌های تحقیقاتی به تلاش در جهت بهبود ترویج آموزش خردسالان مبادرت نموده است.



۲. انجمن ملی حمایت از کودکان

انجمن ملی حمایت از کودکان که طی سال ۱۹۹۴ تأسیس گردید، انجمنی مستقل، غیردولتی، غیرسیاسی و غیرانتفاعی می‌باشد که در جهت بهبود شرایط زندگی کودکان ایرانی فعالیت می‌نماید. از جمله مهم‌ترین فعالیت‌های انجمن مذکور میتوان به موارد ذیل اشاره نمود:

۱. تشکیل گروه‌های کاری مختلف جهت انجام فعالیتهایی نظیر احداث دبیرخانه‌های حقوقی، تحقیقاتی، آموزشی و فرهنگی

۲. انجام فعالیت‌های آموزشی و فرهنگی در «کانون پرورش فکری کودکان»

۳. برپائی کارگاه‌های آموزشی، کنفرانس‌ها، سمینارها، نمایشگاه‌های عکس و طراحی درخصوص نمایش مشکلات آموزشی کودکان

۳. شورای کتاب

طی سال ۱۹۹۵ شورایی با عنوان شورای کتاب جهت ارائه خدمات خاص در حوزه کتابهای کودکان تشکیل یافت. منظور از خدمات خاص، توجه به جنبه‌های مختلف نیازمندیهای کودکان استثنایی می‌باشد. کودکان مواجه با نیازمندیهای خاص کودکانی هستند که از ناتوانی‌هایی نظیر ناتوانی بینائی، شنوایی یا ذهنی رنج می‌برده و یا در بیمارستانها بسر می‌برند.

۴. انجمن فرهنگی ناشرین کتب کودکان و نوجوانان

انجمن فرهنگی ناشران کتابهای کودکان و نوجوانان طی سال ۱۹۹۲ تأسیس گردید. از جمله مهمترین اهداف انجمن مذکور می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:

۱. فراهم سازی بستر مناسب جهت افزایش راندمان کیفی کتابهای کودکان و نوجوانان

۲. افزایش دانش فنی ناشرین کتابهای کودکان و نوجوانان



۳. سازماندهی توزیع کتاب کودک

۴. شناسایی مشکلات توزیع کتاب کودک و سعی در برطرف نمودن مشکلات مذکور

گفتنی است که در حال حاضر انجمن مذکور از تعداد ۲۳ عضو ناشر بر خوردار می باشد.

علاوه بر این از جمله دیگر اقدامات به عمل آمده در حوزه آموزش کودکان میتوان به انتشار نشریات ادواری کودکان اشاره نمود. گفتنی است که انتشار نشریات مذکور با مشکلاتی از قبیل تیراژ نامناسب، عدم مقبولیت در میان کودکان و مورد علاقه و جالب توجه نبودن برای خوانندگان روبرو بوده است. طی سالهای اخیر، علیرغم گسترش نشریات، میلیونها کودک ایرانی از برخورداری از نشریه‌ای با تیراژ صد هزار نسخه محروم بوده‌اند. به علاوه، مراجع مسئول، یا با مشکلات مالی یا با کمبود کارشناسین فن مواجه بوده‌اند. از آنجائی که مخاطبین نشریات مذکور قادر به تصور احساسات کودکان نمی باشند، از این روی به رد آن مبادرت می نمایند. گرچه چندین هفته‌نامه و ماهنامه ویژه [کودکان] در کشور ایران منتشر می گردد اما نتایج بدست آمده از تحقیقات به عمل آمده در کلاس‌های چهارم و پنجم ابتدائی نشان داده است که تنها سه چهارم دانش‌آموزان به مطالعه مجلات مبادرت می نمایند.

ارزیابی آموزشی

به دنبال برگزاری کنفرانس جهانی E.F.A (جامتین تایلند) در سال ۱۹۹۰ کشورهای جهان متعهد به اجرای ارزیابی نهایی دوره های آموزشی مراکز تحصیلی طی دهه های ۲۰۰۰-۱۹۹۰ گردیدند. ارزیابی های به عمل آمده در خصوص شاخص های آموزش و پرورش در اواسط دهه ۱۹۹۰ (۱۹۹۶) به اوج خود رسید. ارزیابی نهایی در نوامبر ۱۹۹۸ توسط انجمن عمومی سازمانهای ملل، یونسکو و یونیسف در خصوص بررسی عملکرد وزارتخانه های آموزش و پرورش آغاز گردید. در ابتدا نهادهای هماهنگ کننده



ملی به سازمان یونسکو معرفی شده و سپس کمیته‌های ملی و فنی تشکیل یافت. کمیته ملی بر ۳۵ عضو اعم از مدیران و کارشناسان وزارتخانه‌ها و سازمانهای دولتی و غیر دولتی مشتمل می گردید. کمیته فنی نیز از ۱۲ عضو اعم از کارشناسان رده بالای آموزش و پرورش متشکل می گردید. کمیته فوق مسئولیت تهیه آمار و اطلاعات از مطالعات و تحقیقات به عمل آمده را عهده دار بود. گفتنیست که در جهت تسریع فرایند ارزیابی های فوق تعداد کمیته فرعی در جهت تدارک پیش نویس گزارش تشکیل یافت که از آن جمله می توان به موارد ذیل اشاره نمود:

۱- کمیته آموزش پیش دبستانی

۲- کمیته آموزش ابتدایی

۳- کمیته آموزش بزرگسالان

به منظور مشارکت بیشتر استانها در ارزیابی فوق، در سال ۱۹۹۷ کارگاه ارزیابی ملی با عنوان EFA در تهران مستقر گردید که در راس آن معاونت برنامه ریزی آموزشی و کارشناسان ارشد آمار و برنامه ریزی استانهای کشور مشارکت داشتند. در طول برگزاری کارگاه فوق جزوه ای حاوی توضیحات ساده و مختصر در خصوص شاخصها میان شرکت کنندگان توزیع گردیده و آنان بر تدارک جداول آماری بر مبنای شاخص های عنوان شده متعهد گردیدند. گفتنی است که ارزیابی فوق کلیه خدمات و فعالیت های بخش خصوصی و دولتی با هدف پاسخگویی به نیازهای اساسی یادگیری کودکان و نوجوانان را شامل می گردید. در حقیقت در ارزیابی فوق توجه عمده ای بر موارد ذیل معطوف گردید:

۱. فعالیت های اصلی صورت گرفته از سال ۱۹۹۰ در جهت برآورده نمودن نیازهای اساسی آموزشی

۲. بررسی وضعیت عملکرد کشور در ۶ جنبه از اهداف تعیین شده توسط کنفرانس جهانی E.F.A

(طی سال ۱۹۹۰)

۳. اداره و نظارت دقیق بر برنامه ها و متدهای آموزشی و پرورشی مراکز آموزشی سراسر کشور



۴. تجهیز مدارس و مراکز آموزشی کشور به واسطه اختصاص منابع مالی و غیر مالی

۵. تجزیه و تحلیل نتایج یک دهه فعالیت آموزشی و پرورشی مراکز آموزشی سراسر کشور

۶. شناسایی موفقیتها و عدم موفقیتهای آموزشی در جهت طراحی استراتژی منسجم بر مبنای

نیازهای آموزشی کشور طی دهه ۱۹۹۰

گفتنی است که علاوه بر وزارت آموزش و پرورش ایران بخشهای دولتی و غیر دولتی و رسانه‌های

گروهی نیز در این ارزیابی مشارکت دارند. از جمله ادارات وزارت آموزش و پرورش که بطور موثری با

کمیته E.F.A همکاری داشتند میتوان به موارد ذیل اشاره نمود:

دفتر همکاری های علمی بین المللی

اداره هماهنگی و تلفیق برنامه‌های آموزشی

دفتر عالی آموزش فنی و حرفه‌ای

اداره آموزش عمومی

کانون فکری کودکان و نوجوانان

سازمان توانبخشی

سازمان بهزیستی

دفتر نمایندگی یونسف در ایران

دفتر نمایندگی یونسکو در ایران

مرکز آمار ایران

سخنگویی جمهوری اسلامی ایران

وزارت جهاد سازندگی



گزارش حاضر که بر مبنای ۱۸ مشخصه تعیین شده سازمان یونسکو طراحی گردیده تلاش تازه ای است که از نتایج آن در جهت برنامه ریزی آموزشی و تنظیم استراتژی‌های دقیق طی نخستین دهه قرن ۲۱ بهره برداری می گردد.

محدودیت‌های گزارش

از جمله مهمترین محدودیت های پیش روی تهیه و تنظیم گزارش فوق می توان به موارد ذیل اشاره نمود:

۱. عدم وجود سیستم اطلاعاتی مدیریت آموزشی (EMIS) در وزارتخانه آموزش و پرورش
۲. عدم وجود مرکز یا مراکز خاص جهت جمع آوری اطلاعات به واسطه وجود مراکز مختلف مسئول آموزش و پرورش پیش دبستانی
۳. دسترسی به آمار سرشماری سال‌های ۱۹۹۱ و ۱۹۹۶ و تخمین آمار مربوط به سالهای آتی

مدیریت و برنامه ریزی آموزشی

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در مورخه دسامبر ۱۹۷۹ مورد پذیرش واقع گردید. مطابق ماده ۳۰ قانون اساسی، ارائه تعلیم و تربیت رایگان از اهم وظایف دولت به شمار می رود. بنابر ماده قانون مذکور دولت ملزم به فراهم آوردن تسهیلات مورد نیاز شهروندان جهت برخورداری از آموزش رایگان تا پایان آموزش متوسطه می باشد. دولت همچنین مسئولیت توسعه آموزش عمومی رایگان به منظور دستیابی به خود کفایی را عهده دار می باشد. در جمهوری اسلامی ایران دولت در قبال توسعه آموزش و پرورش مسئول بوده و وزارت آموزش و پرورش با نیت نیل به هدف فوق فعالیت می نماید. استراتژی‌های اساسی آموزشی و پرورشی کشور در چهار چوب برنامه های توسعه اول و دوم طی سال‌های دهه ۱۹۹۰



سازماندهی شده ، و این درحالیست که اتخاذتصمیمات عمده حوزه آموزش بر عهده کابینه و شورای عالی آموزش وزارت آموزش و پرورش می باشد. با توجه به دامنه گسترده فعالیت‌های وزارت آموزش و پرورش درحوزه ((آموزش همگانی)) شورای مذکور به پذیرش سیاستگذاری کلان برنامه‌های آموزشی شامل تصمیم گیری و تعیین تاکتیک‌های عمومی ((آموزش همگانی)) طی دهه ۱۹۹۰ مبادرت نمود. شورای عالی وزارت آموزش و پرورش که در ۱۹۷۹ تشکیل یافت از تعداد ۱۷ عضو برخوردار می باشد که با پیشنهاد وزارت آموزش و پرورش و حکم قانونی رئیس جمهور منصوب می گردند. علاوه بر این چندین مرکز هماهنگی در جهت ارائه ((آموزش همگانی)) به شهروندان فعالیت دارند که از آن جمله میتوان به ((دپارتمان آموزش))، ((دپارتمان پرورش))، ((دپارتمان برنامه ریزی))، ((سازمان تحقیقات و برنامه ریزی های آموزشی))، ((سازمان نو سازی و توسعه مدارس))، ((سازمان آموزش و پرورش استثنایی)) و ((اداره آموزش عمومی)) اشاره نمود. مسوولیت اصلی نهادهای مذکور ارائه لوایح قانونی آموزش همگانی به شورای عالی وزارت آموزش و پرورش بر اساس توصیه‌ها و پیشنهادات ادارات تحت سرپرستی و همچنین ادارات عمومی وزارت آموزش و پرورش مستقر در مراکز استانها می باشد. گفتنی است که لوایح قانونی فوق پس از تصویب شورای عالی آموزش و پرورش، قانونی و لازم الاجرا می گردند. ادارات عمومی وزارت آموزش و پرورش مستقر در مراکز استانها که تحت نظارت و هماهنگی دپارتمانها و سازمانهای مربوطه فعالیت می نمایند به اجرای قوانین مصوب مبادرت می نمایند. معاونین آموزشی و کارشناسان ارشد آموزش ابتدایی وزارت آموزش و پرورش به تشکیل جلسات جداگانه ۶ ماه یکبار در جهت ارزیابی فعالیت‌های جاری و نظارت بر روند پیشرفت آموزش همگانی مبادرت می نمایند. نتایج جلسات و استراتژی‌های طراحی شده جهت ارزیابی اهداف آموزش همگانی به دپارتمانها و مراکز تحت نظارت وزارت آموزش و پرورش ارسال می گردد.



نهادهای مرکزی مدیریتی

از جمله مهمترین نهادهای مرکزی مدیریتی می توان به موارد ذیل اشاره نمود:

۱- وزارت آموزش و پرورش که مسوولیت طبقه بندی و تأمین مالی مقاطع ۳ گانه آموزشی را بر عهده دارد.

۲- شورای عالی آموزش که مسوولیت سیاستگذاری برای آموزش غیر دانشگاهی را بر عهده دارد.

۳- وزارت فرهنگ و آموزش عالی که مسوولیت رسیدگی و نظارت بر امور دانشگاههای علوم ، هنر و تکنولوژی را عهده دار می باشد.

۴- وزارت بهداشت ، درمان و آموزش پزشکی که مسوولیت رسیدگی و نظارت بر مدارس پزشکی، پیراپزشکی و مراکز ویژه آموزش بهیاران را عهده دار می باشد.

۵- وزارت کار و امور اجتماعی که مسوولیت ارائه آموزشهای غیر رسمی من جمله رشته های فنی و حرفه ای را عهده دار می باشد.

۶- مؤسسات تخصصی آموزش عالی که تحت نظارت وزارتخانه های کشاورزی ، نفت ، صنایع و ... و با توافق وزارت فرهنگ و آموزش عالی به اهداء گواهینامه های آموزشی مبادرت می نماید که از آنجمله می توان به مؤسسات « دانشگاههای علمی - کاربردی » اشاره نمود.

۷- ادارات کل آموزش استانی که مسوولیت نظارت ، تجهیز ، برنامه ریزی ، اجرا ، تخصیص بودجه و کلیه امور مربوط به مدارس ، مراکز آموزش معلمان و شوراهای استانی را برعهده دارند.

۸- ادارات آموزشی منطقه ای که مسوولیت رسیدگی و نظارت بر امور ویژه مدارس ، مؤسسات پیش دانشگاهی، کار و دانش ، مؤسسات آموزش خصوصی ، مدارس شاهد و ایشارگران ، انجمن های اولیاء و مربیان و مراکز فرهنگی را عهده دار می باشند.



چالش ها و الزامات مدیریتی نظام آموزشی

نظام آموزش و پرورش در ایران به دو دلیل اصلی به شرح ذیل از آغاز پذیرش تحولات جدید (از اواسط قرن نوزدهم میلادی) تا کنون در ایجاد بستر مناسب جهت توسعه علمی کشور موفق نبوده است:

۱- آشنایی محدود و پذیرش سطحی شیوه های نوین تعلیم و تربیت غربی

۲- تفوق سیاستمداران بر عرصه فرهنگ و آموزش علوم

در گذشته آشنایی محدود و بهره برداری سطحی از دستاوردهای جدید نظام آموزشی غرب تا حدود بسیار زیادی به مواجهه " غیر منطقی و احساسی " حکومت‌های وقت و کلیت جامعه ایرانی با مظاهر تمدن غرب باز می گشت. از این روی، تغییرات اعمال شده در نظام کهن آموزش و پرورش ایران از تغییر مکاتب آموزشی به مدارس ، حصیر به نیمکت، عریض تر نمودن تشکیلات آموزشی و به کارگیری و استخدام معلمین جدید ، مدیران و ناظمین ، ساعات حضور و غیاب ، سرود خوانی و افراز پرچم ، انتشار کتب جدید و لباس های متحدالشکل فراتر نرفته و کمتر نشانه ای از تغییر تفکر سنتی در شیوه های مدیریت نظام آموزشی ، پذیرش الزام آشنایی جدی با مبانی علوم جدید و روش های آموزش علمی ، تحول رابطه معلم و متعلم ، انطباق محتوای کتب درسی با نیازهای جامعه و بکارگیری شیوه های نوین تعلیم و تربیت لحاظ نگردید. در نتیجه به رغم افزایش کمی مدارس و دانش آموزان و تالیف و تدریس کتب جدید ، بنیانهای توسعه علمی کشور قوام نیافت. اصلی ترین علت این مساله به شیوه مدیریت نظام آموزشی کشور که به رغم قرار گرفتن ایران در یک موقعیت جدید ، کماکان بر پایه تفکرات سنتی و نا کارآمد استوار بود ، باز می گشت. تحت چنین شرایطی، ایرانیان از یک سو فرصت آشنایی عمیق با مبانی علوم جدید و جستجوی راهکارهای تحقق توسعه علمی کشور را از دست داده واز سوی دیگر تربیت فرزندان این مرز و بوم براساس شیوه های نوین تعلیم و تربیت صورت نگرفت تا به عنوان پشتوانه های مناسبی جهت رفع عقب



ماندگی‌های تاریخی ایران محسوب گردد. از این روی تا آغاز انقلاب اسلامی، پیشرفتهای علمی برخی از نخبگان ایرانی بیشتر معلول نبوغ ذاتی آنان و نه تحول مثبت در نظام آموزشی کهن ایران بوده است. اما علی‌رغم وقوع انقلاب اسلامی، بنا به دلایل گوناگون، مساله جستجوی راهکارهای صحیح بهره‌مندی از دستاوردهای جدید آموزشی جهان و تلاش جهت کارآمدسازی نظام آموزش و پرورش، تحت الشعاع مسایل دیگری قرار گرفته است. اختصاص بودجه ناچیز به امور با اهمیتی نظیر تامین ابزار آموزشی و کمک آموزشی، تغییر کیفی کتب درسی، بهبود وضعیت معیشتی فرهنگیان، اصلاح ساختار اداری نظام آموزش و پرورش از یکسو و عدم برنامه ریزی علمی در جهت اصلاح شیوه مواجهه نابرابر و سردرگم بخشهای متعدد جامعه آموزشی با تحولات جدید دنیا از سوی دیگر، از دلایل صحت ادعای فوق به شمار می‌رود. بنابراین از آنجا که به رغم کلیه تلاشهای مثبت، تاکنون اقدامات مهم و اساسی، جهت کارآمدسازی نظام آموزش و پرورش از طریق اصلاح نظام مدیریتی، ایجاد تشکیلات مناسب اداری و مدرن سازی شیوه‌های آموزشی صورت نگرفته، تحقق اهداف برنامه‌های توسعه علمی-اجتماعی کشور با مشکل مواجه شده است. همانگونه که قبلا نیز بدان اشاره گردید، تفوق سنتی و قییم مابانه مسئولین سیاسی بر مقدرات نظام آموزش و پرورش کشور یکی دیگر از دلایل ناکارآمدی نظام آموزش و پرورش در زمینه سازی توسعه علمی کشور محسوب می‌گردد. در واقع برنامه ریزی و هدایت نظام آموزشی و مقدرات آن در آماده سازی بسترهای توسعه علمی کشور، نباید به چگونگی تشکیل یک حکومت یا روی کار آمدن یک دولت وابسته باشد. در واقع اصلاح، بازسازی و کارآمد سازی این سیستم از طریق تصحیح شیوه‌های مدیریتی آن و با پذیرش فرضیه لزوم علمی بودن مدیریت نظام آموزشی از جانب مسئولین امکان پذیر است. از این روی در شرایط کنونی "تغییر و بهینه سازی" نظام مدیریتی آموزش و پرورش به قدری مهم است که مساله "مقبولیت سیاسی" مدیریت آن در پیشگاه مسئولین حکومتی در درجه دوم اهمیت قرار می‌گیرد. از این رو بیشترین تلاش نخبگان فرهنگی به اعمال تغییر معادله همیشگی روی کارآمدن



دولت جدید بادگرگونی اهداف، مدیریتها و شیوه های نظام آموزشی کشور معطوف میگردد. فرایند تکوین و تحول نظام آموزش و پرورش باید به گونه ای طراحی گردد که از یک روال منظم، منطقی و علمی متناسب با شرایط و نیازهای جدید جامعه تبعیت نموده و حتی الامکان به دور ماندن نظام مذکور از تاثیرات منفی تحولات سیاسی منتهی گردد. جهت کاهش تسلط سیاست بر نهادهای آموزشی، راهی غیر از تلاش فرهنگیان برای محقق سازی "جامعه مدنی" از طریق تقویت "روح عمل جمعی" و علاقه به "مشارکت جویی" اجتماعی، سیاسی و کوشش جهت تسلط "فرهنگ انتقادی" در میان معلمان و دانش آموزان و جدیت در آموزش مبانی علوم جدید وجود ندارد. تنها در این صورت است که میتوان به واگذاری مدیریت نظام آموزشی به فرهنگیان متخصص و کاهش نقش دولت تا حد طراحی "سازو کارهای حمایتی" متناسب با تقویت نقش فرهنگیان در مدیریت نظام آموزشی امیدوار بود. وجود نظام آموزش و پرورش کارآمد، علاوه بر تقویت بنیه علمی کشور و تربیت صحیح بنیاد شخصیتی کودکان، آحاد جامعه را نیز به سوی مشارکت فعال در فرایند توسعه همه جانبه رهنمون می سازد. از این روی، برمسئولین حکومتی است که با همکاری فرهنگیان و سایر کارشناسان به تعیین و تبیین استراتژی مدیریت نظام آموزش و پرورش در قالب یک مرحله انتقالی و با توجه به اهداف ذیل مبادرت نمایند:

۱- کاهش نقش مدیریتی و نظارتی دولت در آموزش و پرورش و فراهم سازی زمینه های استقلال نظام آموزشی از نظام سیاسی

۲- سپارش مدیریت نظام آموزشی به کارشناسان واقعی و اشخاصی که از قدرت طراحی برنامه های نوین و بهره مندی هر چه بهتر از تحولات جدید دنیا در زمینه آموزش برخوردار بوده و به اصلاح ساختار بوروکراسی اداری، مشکلات عمده فرهنگیان، جذب برنامه های حمایتی دولت و اجرای رضایت بخش سیاستهای عمومی دولت در حوزه آموزش و فرهنگ مبادرت نمایند. استراتژی مذکور به عنوان مبنای تدوین طرح جامع آموزشی فرهنگی، به تحول اساسی در نظام آموزش و



پرورش از طریق اصلاح ساختار اداری ناکارآمد نظام آموزشی، مدرنیزاسیون روشهای آموزشی، ارتقا، کیفیت کتابهای درسی، تامین ابزار آموزشی و کمک آموزشی، افزایش کمی مدارس و تعداد افراد برخوردار از تحصیلات رایگان منتهی می‌گردد. در این طرح نظام آموزشی، لزوماً یکسان سازی شکلها، روحیات و تفکرات کودکان با آرمانهای سیاسی حکومتی مدنظر نمی‌باشد زیرا تحقق توسعه علمی و حل مشکلات عدیده آموزش و پرورش، از طریق مقید نمودن آن به رعایت الگوهای مطلوب سیاسی امکان پذیر نیست.

عملکرد وزارت آموزش و پرورش

آموزش و پرورش را چنانچه "تفکر سیستماتیک" در آن جاری نباشد نمی‌توان "نظام آموزش و پرورش" نامید. عملکرد وزارت آموزش و پرورش کشور ایران را میبایستی از دو جنبه مدنظر قرار داد که به طور قراردادی می‌توان آن‌ها را بعد "کمی" و بعد "کیفی" نام نهاد. تکنولوژی آموزشی که بر مفهومی فراتر از کاربرد ابزارهای آموزشی مشتمل می‌گردد، عبارت است از یک رویکرد نظام مند جهت طراحی، اجرا، ارزش یابی و حل مشکلات در کل فرایند یاددهی و یادگیری با بهره‌گیری بهینه از یافته‌های علمی نظیر روانشناسی و علم ارتباط انسانی و تلفیق مطلوب و مناسبی از منابع انسانی و غیر انسانی به منظور ایجاد یادگیری عمیق تر، موثر تر و پایدارتر

شکل اصلی و کلی آموزش و پرورش میبایستی از یک تفکر نظام مند متأثر گردد، به عبارت دیگر آموزش و پرورش را چنانچه "تفکر سیستماتیک" در آن جاری نباشد نمی‌توان نظام آموزش و پرورش، نامید. در حالیکه اگر عناصر موجود در آن به شکلی اتفاقی و تا حدودی غیر منطقی کنار یکدیگر قرار گیرند بهترین نام برای آن "شبه نظام آموزش و پرورش" خواهد بود.



وزارت آموزش و پرورش کشور ایران به اجرای سیاست "عصر گرایی" که بیش از یکصد سال است در ایران الگوبرداری شده مبادرت نموده و از نگرشی "کل گرا" به مسائل آموزشی کشور گریزان است. و این در حالی است که مفهوم "کل گرایی" بیش از پنجاه سال است که در نظام های مرفعی آموزش و پرورش دنیا مطرح شده و مورد استفاده بسیاری از نظام های آموزشی قرار گرفته است. در ایران به دلیل "عصر گرایی" بیش از حدی که بر شبه نظام آموزش و پرورش کشور حاکم است، هر از چند گاهی، کتب درسی، ابزارهای آموزشی، روشهای تحریر، نحوه مدیریت مدیران و عناصر مشابه اساس نقائص و گرفتاریهای نظام آموزشی قلمداد می گردند. بعد سوم، بعد طراحی آموزش و پرورش و طراحی نوعی نقشه کشی آموزشی و پرورشی است (نظیر نقشه ساختمانی مورد استفاده کادر ساختمانی).

با وجودیکه اجرای بعد مذکور به اجرای دقیق سیاستهای آموزشی و پرورشی منجر می گردد اما متأسفانه به رغم طرح هایی که عمدتاً توسط فارغ التحصیلان گرایش علوم تربیتی دانشگاهها به طور پراکنده به اجرا در می آید، بهره گیری از چنین نحوه طراحی در عملکرد آموزش و پرورش کشور مشاهده نمی گردد.

بعد چهارم، بعد اجرای سیاستهای آموزش و پرورش از حیث کیفی است. "اجرای کیفی" به شکل مطلوب بر اساس همان طرح و نقشه ای که در رابطه با طراحی مطرح است صورت می گیرد. اجرای سیاستهای آموزشی و پرورشی بدون طراحی قبلی آن نظیر احداث بنایی بدون نقشه قبلی و طراحی دقیقی از نقشه بنا می باشد. امروزه در بسیاری از کشورهای جهان ارتباطات من جمله "ارتباطات آموزشی" ارتباطاتی است علمی که در آن از نظریه ها، الگوها و روشهای خاص بهره گیری می شود. برقراری ارتباط آموزشی "ارتباطات کلاسی" از نوع ظریف ترین ارتباطات انسانی است. به جرات می توان گفت که شخصیت فراگیران از دوره های پیش دبستانی تا پایان دانشگاه بر اساس تعاملات و مناسباتی شکل می گیرد که "خانه" و "مدرسه" هر دو در آن سهمی بزرگ دارند. بعد پنجم، بعد ارزشیابی



تحصیلی است. ارزشیابی در آموزش و پرورش از انواع گوناگون برخوردار می باشد که از هر یک می بایستی به موقع خود و با توجه به نظریه ها ، الگو ها و روشهای خاص خود بهره برداری نمود. نوعی از ارزشیابی که در شبه نظام آموزش و پرورش ایران از کوچکترین سابقه ای برخوردار نبوده و با روند موجود حتی در دراز مدت نیز دست یابی به آن میسر نمی باشد ، ارزشیابی از کل نظام آموزشی و نظام یادگیری است. تمهیدات مربوط به آموزش و پرورش همچون حلقه های زنجیر، به یکدیگر مرتبط بوده و از جایگاه منطقی و خاص خود برخوردار می باشند. در کشور ایران ، نظر به اینکه به مراحل طراحی، اجرا و ارزشیابی تحصیلی اهمیتی داده نمی شود ، این نوع ارزشیابی نیز محلی از اعراب نداشته و تنها ارزشیابی که بیش از انواع دیگر مورد توجه قرار می گیرد، همان ارزشیابی پیشرفت تحصیلی است که آن هم به جز مشخص نمودن موقعیت فراگیر دانش آموزان از حیث قبولی یا مردودی فایده دیگری در بر ندارد و این در حالیست که ارزشیابی کلی نظام آموزش و پرورش، مسئولان و دست اندرکاران مربوطه را به سمت و سویی هدایت می نماید که بتوانند در هر گام در راستای اعتلای کیفی آموزش و پرورش گام بر دارند. اجرای ارزشیابی پیشرفت تحصیلی در آموزش و پرورش ایران به همان شکل سنتی و غیر منطقی خود صورت گرفته و به نظر نمی رسد واحدهای مجری ارزشیابی آموزشی به این نتیجه رسیده باشند که بیش از اجرای ارزشیابی پیشرفت تحصیلی ، ضرورت ارزشیابی کلی نظام آموزش و پرورش و خرده نظام های مرتبط با آن مطرح است. بعد ششم ، بعد یافته های علوم مختلف من جمله روانشناسی در آموزش و پرورش است. یافته های روانشناسی در ابعاد گوناگون به آموزش و پرورش کمک می کند. این یافته ها عمدتاً بر کمیت و کیفیت یادگیری، نحوه برخورد با فراگیران و زمینه های مشابه تاثیر می گذارند. ملحوظ داشتن این یافته ها از مرحله طراحی برنامه تا اجرا و ارزشیابی آن بر تنوع ویژگیهای فارغ التحصیلان تاثیر فراوان بر جای می گذارد. جز در موارد بسیار نادر و پراکنده، آن هم در حد نگارش برنامه و نه اجرای طرح، آموزش و پرورش برنامه ریزی درسی به معنای علمی و فنی آن در کشور ایران صورت نمی گیرد. از یافته های روانشناسی ،



نیز به شکلی غیر سیستماتیک و موردی بهره برداری می گردد. بعد هفتم ، بعد به کارگیری تلفیقی مطلوب از منابع انسانی و غیر انسانی است. بهره گیری از این دو نوع منبع نیز میبایستی به صورتی کاملاً سیستماتیک و نه بی منطق و حساب نشده صورت گیرد. در این میان ، در رابطه با استفاده از منابع انسانی باید پذیرفت که معلمین تنها نیروهای انسانی موجود در آموزش و پرورش نمی باشند، بلکه بسیاری از متغیرها من جمله اهداف آموزش و پرورش مشخص کننده بهره گیری از منابع انسانی است. این واقعیتی است که این مسئله در دنیا به جد گرفته می شود به شکلی که گاهی یک استاد دانشگاه جهت تدریس درس مشخص از کشور ژاپن به امریکا و یا بالعکس مسافرت می نماید. به همین ترتیب ، کارشناسان و تکنسین های آزمایشگاههای مختلف و مراکز رایانه ای ، صاحبان حرف و صنایع ، کارشناسان نهادها و سازمان های فنی و تخصصی ، پزشکان ، پرستاران و پیراپزشکان ، نیروهای پلیس و ماموران آتش نشانی و ... ، نسبت به موارد خاص به عنوان منابع نیروی انسانی می توانند در رابطه با نقش های مختلف خود در خدمت آموزشی و پرورشی قرار گیرند. در این راستا ، اجرای بازدید و گردشهای علمی و پرورشی و نیز اردوها در پاره ای از کشورها از یک سری اصول و دستورالعملها تبعیت می نماید که از پشتوانه های نظری و علمی برخوردار می باشد. چگونه می توان پذیرفت که بی هیچ طرح و نقشه ای از پیش طراحی شده ، گروهی از فراگیران را به فعالیتی خارج از آموزشگاه مشغول نمود و خیال تغییرات مطلوب در رفتار آنان را در سر پروراند. در این رابطه منابع مکتوب و معتبر وجود دارد که متأسفانه کمتر مورد توجه و استفاده دست اندرکاران قرار می گیرد. به علاوه مربیان و کارشناسانی که به اجرای چنین فعالیتهایی مبادرت می ورزند میبایستی به نظریه های علمی مربوط آشنا بوده و از طریق کارورزیهای درست و به شکلی علمی نسبت به کارگیری نظریه های مذکور اقدام نمایند. طی سال های اخیر ، تغییرات محسوسی در این راستا در شبه نظام آموزش و پرورش کشور ایران مشاهده نشده است. در رابطه با منابع غیر انسانی نظیر ابزارهای آموزشی نیز انتخاب آنچه مورد بهره برداری قرار می گیرد ، براساس ضوابط و معیارهای



مشخص و معلومی که البته منطقی نیز هستند صورت می گیرد، و این در حالی است که، همان گونه که قبلاً بدان اشاره گردید، مفهوم تکنولوژی آموزشی با کاربرد صرف ابزارهای آموزشی مترادف نبوده و این از جمله اشکالاتی است که در شبه نظام آموزش و پرورش ایران دایر می باشد. بعد هشتم، بعد کمیت و کیفیت یادگیری است. روند مناسب یادگیری از ۳ ویژگی کاملاً محسوس و بارز اعم از "عمیق بودن"، "موثر بودن" و "پایدار بودن" یا دگیری متشکل می گردد. یک یادگیری عمیق، موثر و پایدار را تنها در سایه بهره گیری از یافته های علمی می توان ایجاد نمود. این امر در سایه طراحی، اجرا و ارزشیابی درست و علمی از برنامه های آموزشی میسر می باشد. نتیجه این که، اگرچه آموزش و پرورش کشور ایران طی سال های اخیر شاهد توسعه کمی قابل ملاحظه ای بوده است، اما به نظر می رسد، از کمترین حد رشد و اعتلای کیفی قابل ملاحظه ای برخوردار بوده است.

اصلاحات آموزشی

از جمله مهمترین اصلاحات نظام آموزشی کشور ایران می توان به موارد ذیل اشاره نمود:

۱. بازبینی مداوم قوانین و پذیرش سیاستها و روشهای اثر بخش در جهت بهبود عوامل درونی و برونمی موثر بر نظام آموزشی
۲. تمرکز بر سیاستگذاری، حفظ مدیریت دولت مرکزی و واگذاری مسئولیت برنامه ریزی و اجرای کارهای معین به مناطق و مدارس سراسر کشور
۳. تدارک امکانات، استانداردها، تسهیلات و روشهای مناسب آموزشی جهت شناسایی، تقویت و رشد سطوح مختلف مدیریتی در وزارتخانه، مراکز استانها و مناطق مختلف کشور
۴. اولویت دادن به تنظیم و اجرای برنامه های منسجم آموزشی به منظور جذب نیروی کاری و بازآموزی نیروی انسانی در مراکز و ادارات ذیربط



۵. راه‌اندازی سیستم ارزیابی برنامه‌ها و عملکرد نیروی انسانی در فرآیند گزینش کارکنان و توسعه برنامه‌های آموزشی

۶. بازبینی قوانین موجود و تنظیم قوانین جدید با توجه به شوراهای مردمی و شوراهای آموزش منطقه‌ای، به‌منظور جلب همکاری مردم و سایر موسسات دولتی در سطوح ملی، استانی، منطقه‌ای و سازمانی.

۷. هدایت منابع دولتی بسوی ارائه خدمات آموزشی در مناطق محروم و اقشار کم درآمد و ایجاد وضعیت مناسب جهت توسعه مدارس غیر انتفاعی (غیر دولتی)

۸. جمع آوری اطلاعات و ارزیابی عملکرد آموزشی موسسات غیر دولتی، ارائه خدمات لازم جهت جلب معلمان مربوطه و فراهم آوردن ترتیبات لازم جهت توسعه موسسات مذکور از طریق اجرای برنامه‌هایی نظیر آموزش کارکنان، ارائه حمایت‌های فنی و آموزشی، خدمات رفاهی و ارزیابی منظم تاثیر و کیفیت خدمات آموزشی

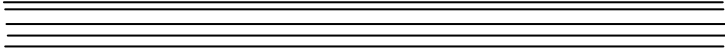
۹. ارائه تسهیلات سازمانی و پذیرش روشهای اجرایی مناسب جهت آموزش قبایل چادر نشین، کودکان استثنایی

افزایش فضاهای آموزشی

در راسنای فراهم نمودن فضای آموزشی طی سالهای ۱۹۹۸-۱۹۹۰ مجموعاً تعداد ۵۴۹۱۷ کلاس درس ویژه مقطع آموزش ابتدائی احداث گردید.

تعداد کلاس‌های احداث شده (طی سالهای ۱۹۹۸-۱۹۹۰)

سال تحصیلی	۱۹۹۰	۱۹۹۱	۱۹۹۲	۱۹۹۳	۱۹۹۴	۱۹۹۵	۱۹۹۶	۱۹۹۷	۱۹۹۸
تعداد کلاسهای آموزشی	۷۵۱۶	۷۱۹۳	۶۵۴۶	۱۰۰۹۴	۷۸۳۸	۵۰۱۷	۳۹۲۱	۳۲۴۹	۳۵۳۳





تحقیقات آموزشی

اهداف عمومی تحقیقات آموزشی

از جمله مهمترین اهداف عمومی تحقیقات آموزشی در کشور ایران میتوان به موارد ذیل اشاره نمود:

- ۱- هماهنگی آموزش همگانی با نیازهای اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی کشور
- ۲- هماهنگی سطوح، اهداف، برنامه ها و روشهای آموزشی با نیازمندیهای دانش آموزان
- ۳- شناخت عوامل تسهیل کننده و موانع دستیابی به اهداف آموزشی کوتاه مدت، میان مدت و دراز

مدت

۴- ارزیابی کارایی نظام آموزشی در سطوح مختلف و میزان تأثیر گذاری مدیریت آموزشی بر ساختارنظام

آموزشی کشور

۵- شناسایی و طراحی راهکارهای آتی و ارائه سیاستهای مناسب آموزشی

سیاستهای جاری پژوهشی - آموزشی

از جمله مهمترین سیاستهای جاری پژوهشی - آموزشی کشور ایران میتوان به موارد ذیل اشاره نمود:

الف - شناخت مشکلات آموزشی موجود در اهداف، برنامه های تحصیلی، روشهای تدریس، تربیت

نیروهای متخصص، سازماندهی، مدیریت و ارزیابی تحصیلی

ب- شناخت مشکلات اجتماعی و روانشناختی کودکان و نوجوانان و ارتقاء شخصیت، معاشرت

اجتماعی و اوقات فراغت آنان

ج- سرمایه گذاری و توسعه برنامه های آموزشی



بودجه و هزینه‌های جاری آموزشی

طبق آخرین آمار بدست آمده طی سال ۱۹۹۶ میزان بودجه آموزشی مقاطع مختلف آموزشی در کشور ایران بر ۶۱۳۰ میلیارد ریال معادل $\frac{3}{8}$ درصد تولید ناخالص ملی بالغ می‌گردد.

طبق آمار مذکور، بودجه مصوب مقطع آموزش ابتدایی بر ۱۶۷۵ میلیارد ریال، بودجه مقطع آموزش مقدماتی متوسطه بر ۱۰۲۳ میلیارد ریال و بودجه مقطع تکمیلی متوسطه بر ۹۳۳۸۶ میلیارد ریال بالغ می‌گردد. لازم به ذکر است که مطابق آمار مذکور بودجه سالیانه تحقیقاتی کشور نیز بر ۱۶۵۹ میلیارد ریال بالغ می‌گردد. حدود ۹۰ درصد بودجه آموزش و پرورش کشور ایران به هزینه‌های جاری (حقوق پرسنل) اختصاص یافته و مابقی آن به تامین فضاهای آموزشی و پرورشی و تجهیز مدارس اختصاص می‌یابد.

توجه به کاهش اعتبارات عمرانی آموزش و پرورش نسبت به بودجه عمومی از ۱۲٫۰۷ درصد طی سال ۱۳۷۱ به ۴٫۴ درصد طی سال ۱۳۷۵ و به ۳٫۹ درصد طی سال ۱۳۷۶ و همچنین کاهش اعتبارات جاری از ۲۱٫۳ درصد در شروع برنامه اول توسعه به ۱۲٫۴ درصد طی سال ۱۳۷۶، بیانگر مشکلات دولتی در جهت تامین بودجه مورد نیاز آموزش و پرورش میباشد. در حال حاضر، تعداد ۳۹۰ هزار کلاس آموزشی در اختیار آموزش و پرورش قرار دارد که تعداد ۸۰۰، ۴۶ باب از آن به دلایل مختلف غیر قابل استفاده بوده و اما به نیاز شدید به فضای آموزشی، استفاده از آنها اجتناب ناپذیر است. به تعداد فوق، ۲۳۸۰ کلاس بدون سقف مستقر در فضای باز و نامساعد جوی را نیز باید افزود. طبق بررسی‌های به عمل آمده، احداث سالانه ۲۷ هزار کلاس جدید آموزشی در کشور الزامی بوده و این در حالیست که به دلیل کمی اعتبار، امکان احداث بیش از ۱۵ هزار کلاس درسی وجود ندارد. گفتنی است که سالانه بیش از ۱۰ هزار کلاس درس به علت فرسودگی از رده خارج میگردد. این در حالیست که در خصوص وضعیت کلاسهای آموزشی موجود نیز مشکلات عدیده ای وجود دارد. بیش از ۵۸ درصد مدارس شهرستان تهران



قدیمی ساز ، قریب به ۴۳ درصد نوساز بوده و تنها ۷٫۴ درصد کلاسها از تهویه برخوردار می باشند. این در حالیست که مدارس شهرستانها از وضعیت بهداشتی مطلوبی برخوردار نمی باشند.

هزینه های جاری آموزشی و پرورشی

سال	پیش دبستانی	سطح اول	سطح دوم	سطح سوم	سایر سطوح	توزیع نشده
۱۹۹۰	-	۳۳/۲	۳۹/۲	۱۳/۶	۵/۸	۸/۲
۱۹۹۴	-	۲۷/۷	۳۶/۱	۲۲	-	۱۴/۶
۱۹۹۵	-	۲۹	۳۳/۹	۲۲/۹	۳/۵	۱۰/۶

هزینه های عمومی آموزشی (برمبنای بلیون ریال)

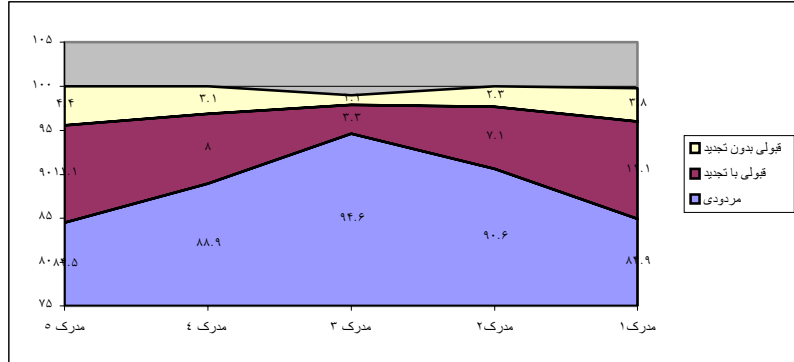
بودجه	سال	
بودجه سالیانه آموزش غیر رسمی	۱۹۹۷	۲۰۰
هزینه های عمومی آموزشی به عنوان درصدی از GNP به درصد	۱۹۹۷	۳/۹
درصد سهم آموزش غیر رسمی	۱۹۹۷	۲/۵

منبع : مرکز آمار ایران

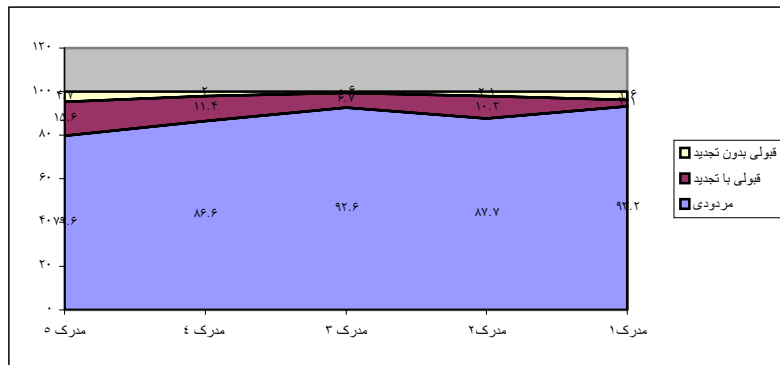


نرخ افت و ارتقاء تحصیلی دانش آموزان طی سال تحصیلی ۱۹۹۰ و ۱۹۹۷ بر مبنای جنسیت

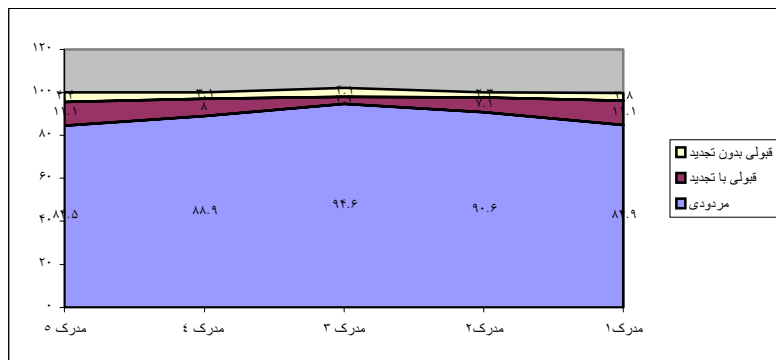
زن



مرد

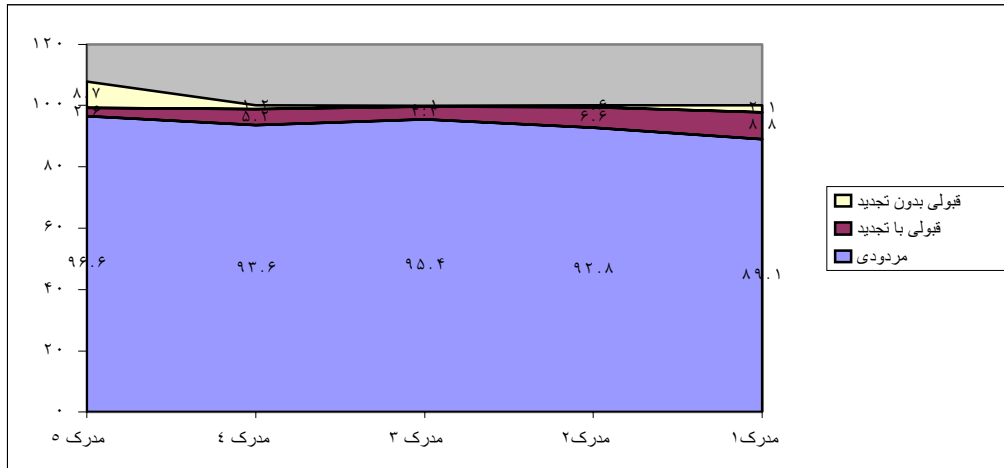


مردان و زنان

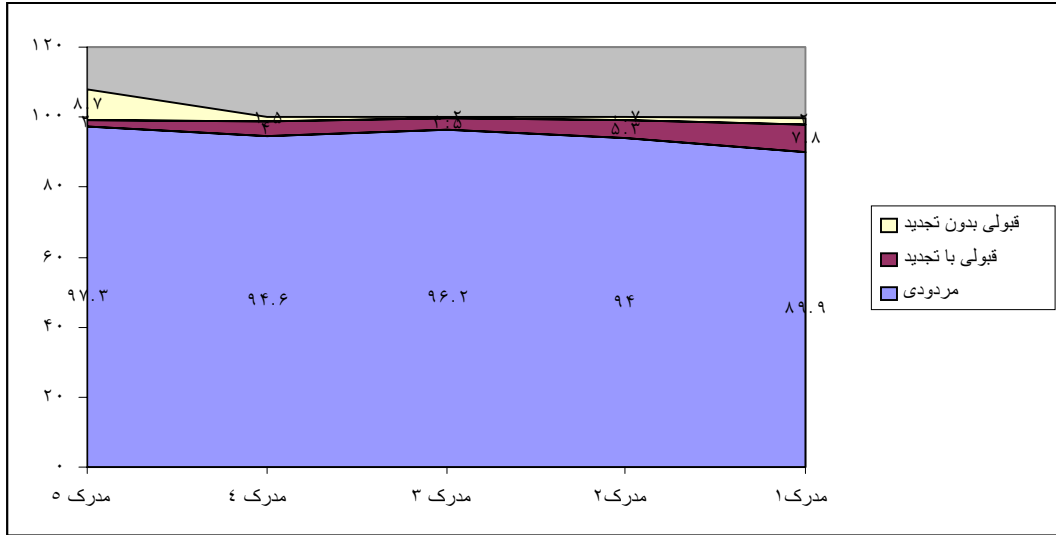




نرخ ارتقاء تحصیلی دانش آموزان طی سال تحصیلی ۱۹۹۷ بر مبنای جنسیت

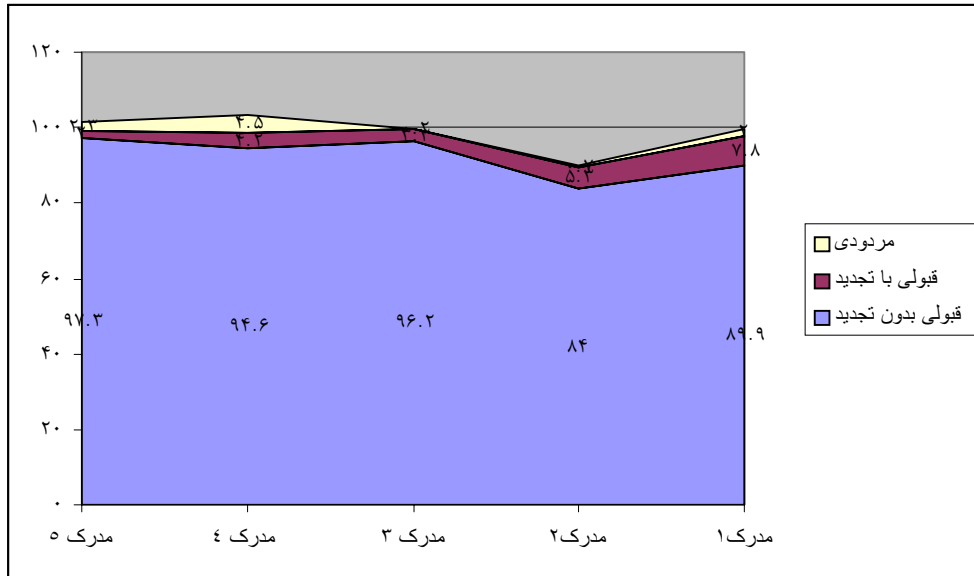


مردان

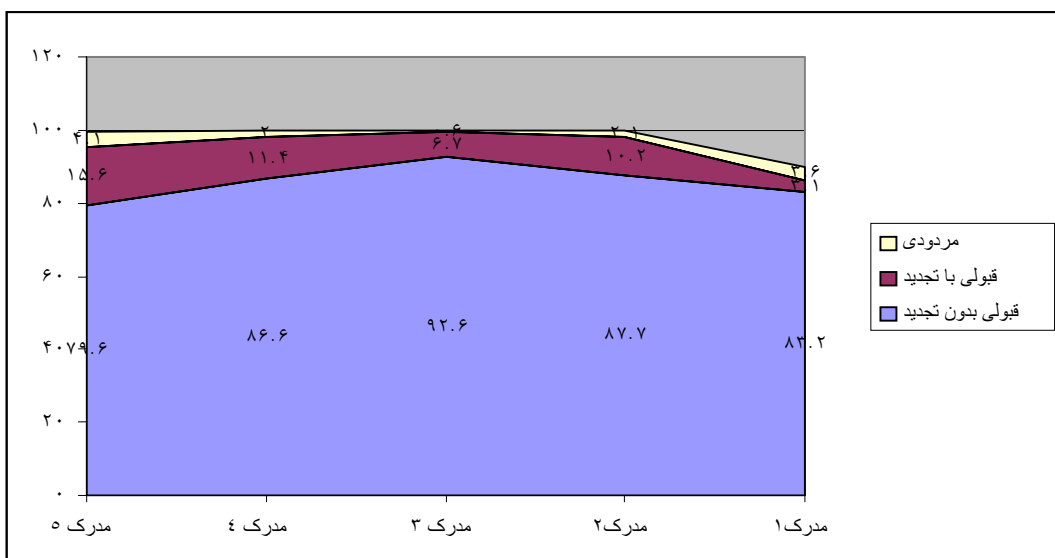


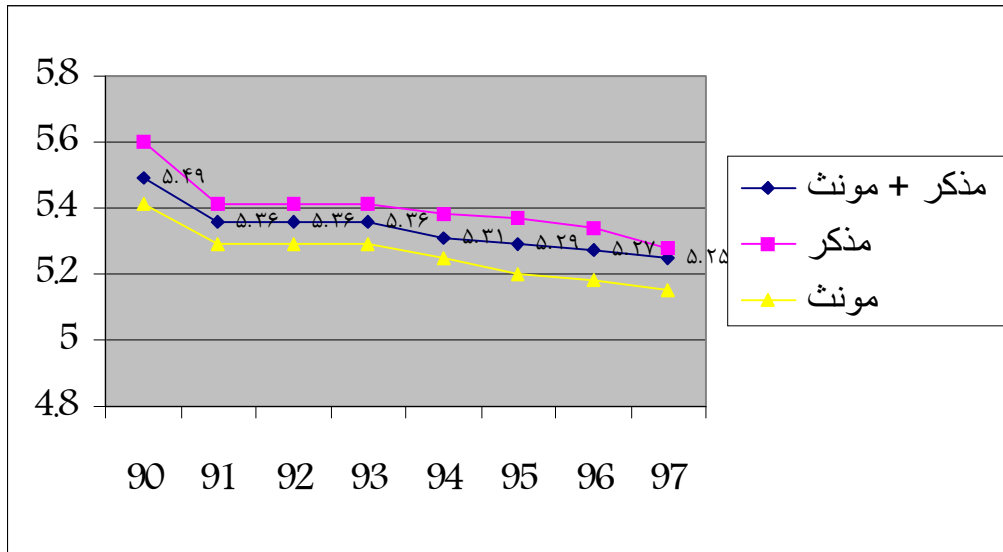
مردان و زنان

مردان



مردان و زنان



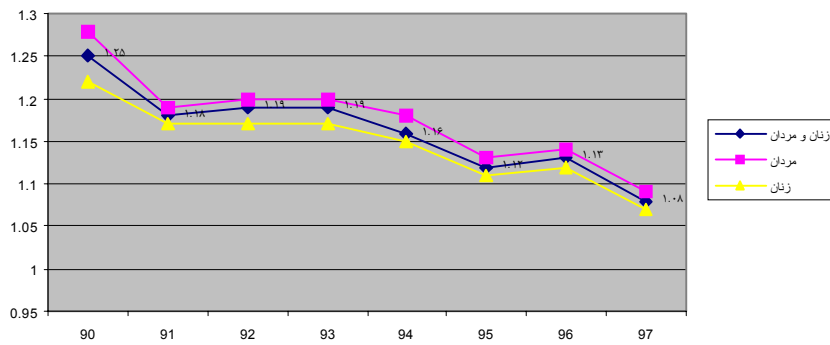




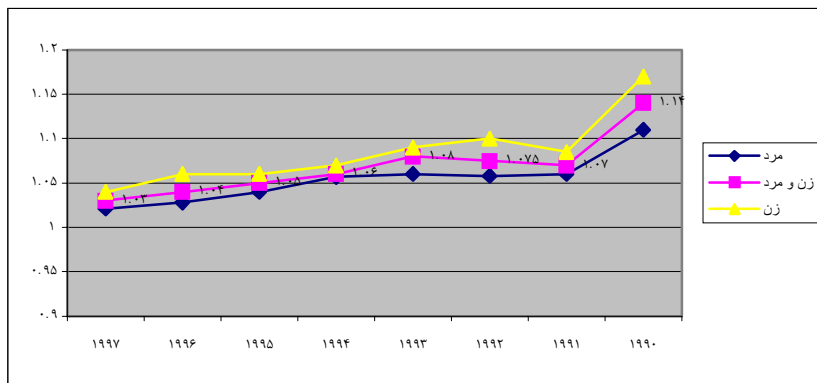
مقایسه نرخ افت تحصیلی دانش آموزان مقطع ابتدایی طی سال های ۱۹۹۰-۱۹۹۷ بر مبنای

مناطق روستایی ، شهری و کشوری

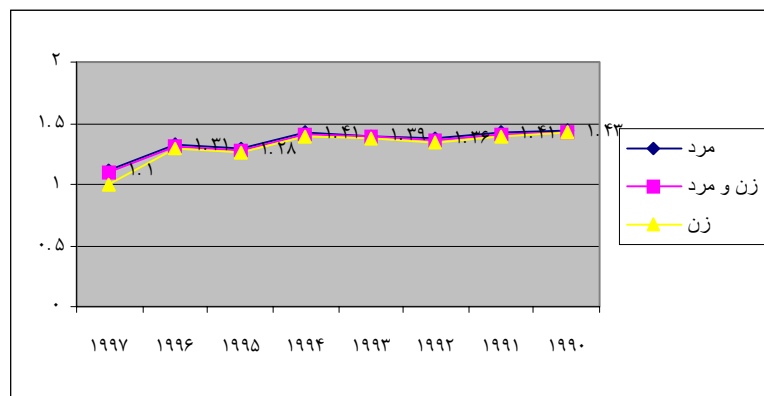
کشوری



مناطق شهری



مناطق روستایی

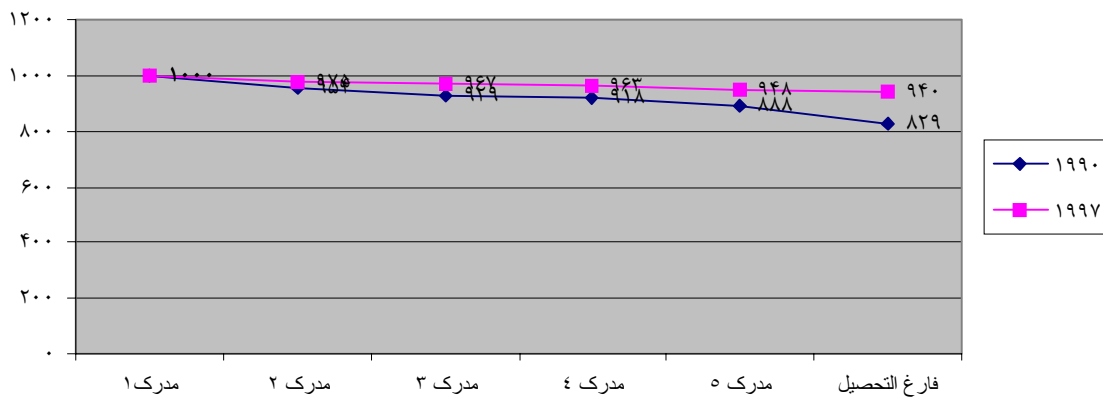
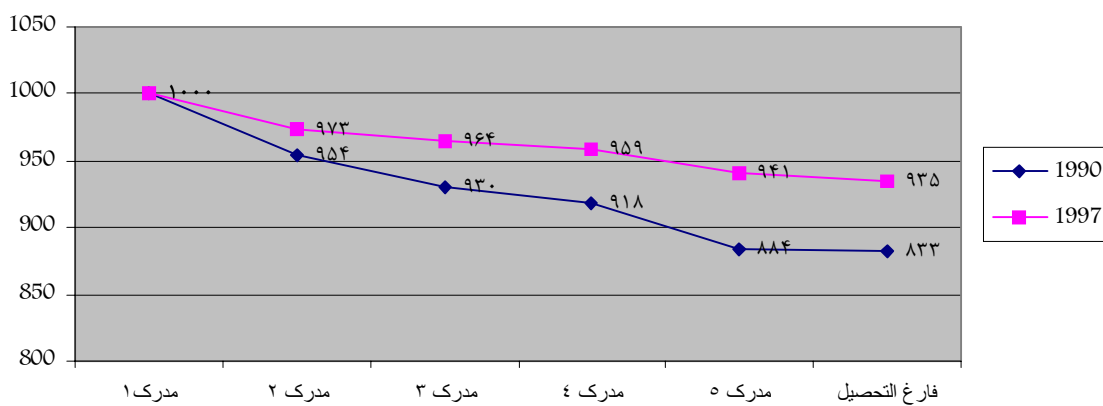




مقایسه نرخ ماندگاری دانش آموزان در مقاطع آموزشی تا سطح فارغ التحصیلی طی

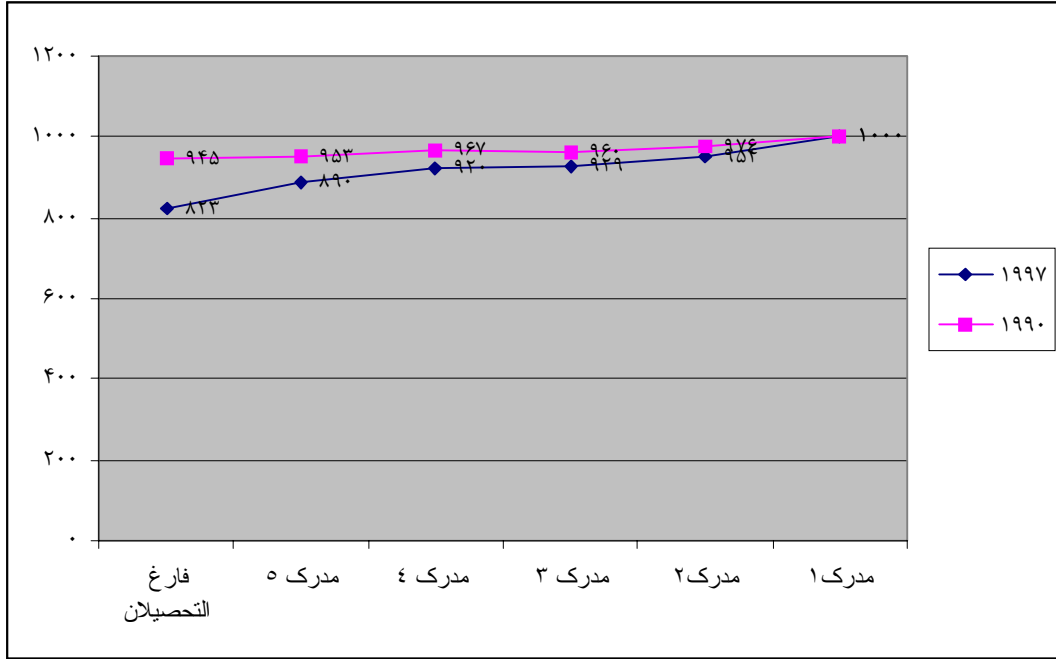
سال‌های ۱۹۹۰ و ۱۹۹۷

زنان





ملی

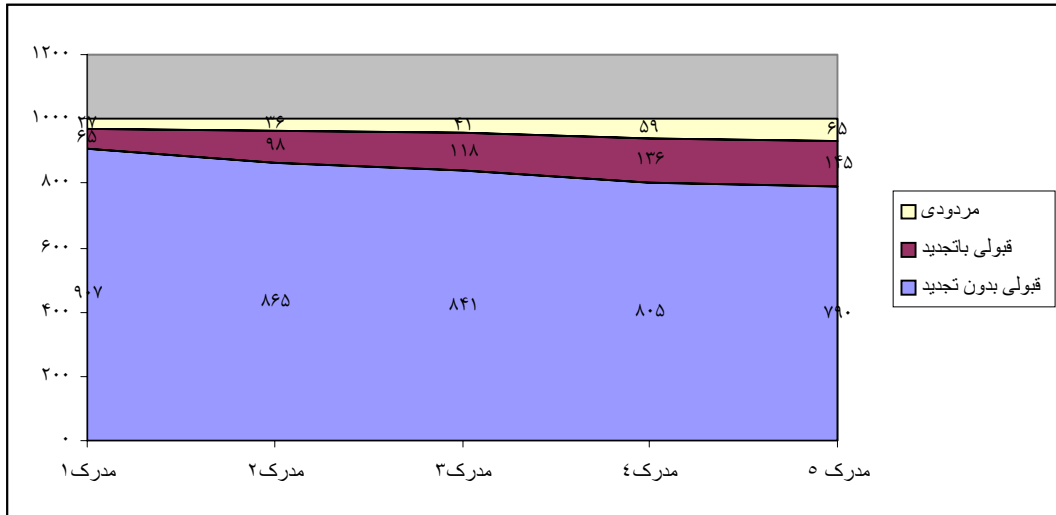




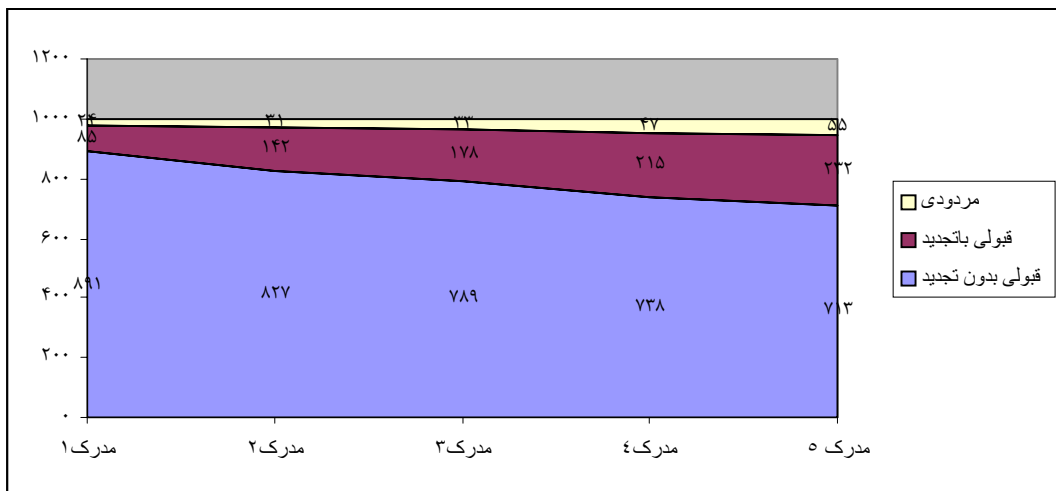
نرخ ماندگاری دانش آموزان در مقاطع ابتدایی و به احتساب و عدم احتساب مواد آموزشی

تجدیدی و غیر تجدیدی طی سال ۱۹۹۷

زن

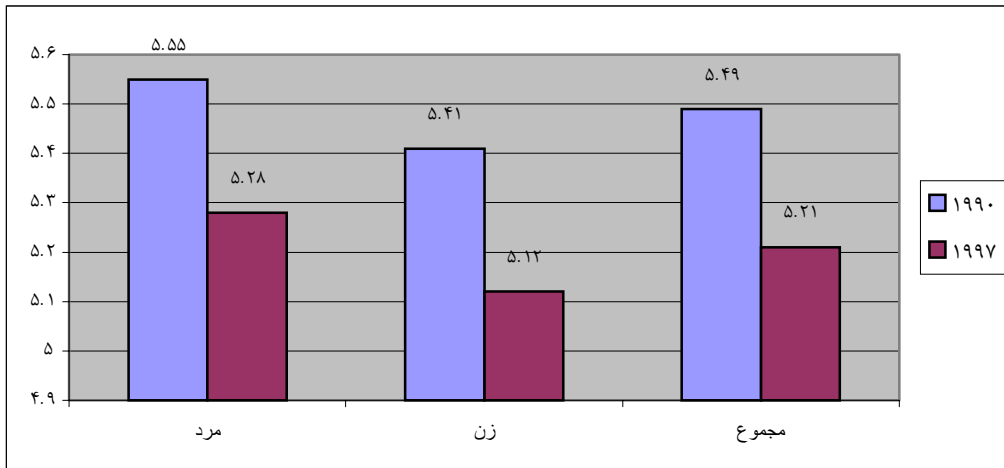


مرد





نرخ افت تحصیلی دانش آموزان طی سال ۱۹۹۰ و ۱۹۹۷ بر مبنای جنسیت



مقایسه متوسط سنوات آموزشی طی سال ۱۹۹۰ و ۱۹۹۷ بر مبنای جنسیت

